



مطالعات طراحی شهری و پژوهش‌های شهری

ISSN: 2645-4424

فصلنامه مطالعات طراحی شهری و پژوهش‌های شهری
سال سوم، شماره ۴ (پیاپی: ۱۳)، زمستان ۱۳۹۹، جلد یک

فهم دگردیسی روابط اجتماعی به واسطه هیبریدی
شدن فضای زندگی
محمد نظرپور

بررسی علل نارضایتی شهروندان از شهرداری‌ها: مورد
مطالعه شهرداری اسکوهادی
هادی منافزاده، سحر طوفان

بررسی ارتباط متقابل حکمروایی شایسته شهری و
مشارکت شهروندی در مدیریت شهری
ثمینه ابراهیمی دهکردی

بررسی مؤلفه‌های هویت‌بخش نما در مواجهه با معماری
معاصر: نمونه موردی شهر قزوین
محمد بهزادپور، مهشاد توکل

قلمروی صلاحیت شهرداری‌ها در عرصه ارتقای: سطح
سلامت روانی و اجتماعی
محمد رمضانی



نشریه

نشانی: کرج، آزادگان، ابتدای بلوار مطهری، کوچه شهید سبجانی، پلاک ۲۸، واحد ۴
کدپستی: ۳۱۴۳۹۵۳۵۹۵
www.UDSJ.ir
Shij.journals@gmail.com
۰۲۶ ۳۴۴۵۳۱۳۱ / ۰۲۱ ۴۳۸۵۷۱۲۴

جای

انتشارات هنر و علوم دانشگاهی، تلفن: ۰۲۱ ۳۳۸۴۰۷۹۲
نشانی: تهران، افسریه، ۱۵ متری اول، کوچه ۲۸، پلاک ۲۹۳

صاحب امتیاز و مدیر مسئول: میلاد فتحی

زیر نظر شورای سردبیری
مدیر اجرایی: منیژه ملائی

اعضای شورای علمی و داوری تحریریه: (به ترتیب حروف الفبا)

- دکتر میترا عظیمی، عضو هیئت علمی دانشگاه علامه طباطبائی
- دکتر وحیده ابراهیم‌نیا، عضو هیئت علمی دانشگاه شهید بهشتی
- دکتر حسن اسماعیل‌زاده، عضو هیئت علمی دانشگاه شهید بهشتی
- دکتر رحیم حیدری چپانه، عضو هیئت علمی دانشگاه تبریز
- دکتر ابوالفضل قنبری، عضو هیئت علمی دانشگاه تبریز
- دکتر وحید بیگدلی‌راد، عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی قزوین
- دکتر محمد فرخ‌زاد، عضو هیئت علمی دانشگاه گلستان
- دکتر بهمن صحنه، عضو هیئت علمی دانشگاه گلستان
- دکتر بهرام ایمانی، عضو هیئت علمی دانشگاه محقق اردبیلی
- دکتر حبیب‌اله فصیحی، عضو هیئت علمی دانشگاه خوارزمی
- دکتر علیرضا محمدی، عضو هیئت علمی دانشگاه محقق اردبیلی

فراخوان پذیرش مقاله:

نشریه «مطالعات طراحی شهری و پژوهش‌های شهری» توسط موسسه مطبوعاتی مطالعات کاربردی شباک و با همکاری علمی اساتید برجسته دانشگاه‌های کشور به انتشار مقالات علمی در زمینه برنامه‌ریزی شهری، طراحی شهری و به طور عام شهرسازی، می‌پردازد. از این‌رو از تمام اساتید، صاحب‌نظران، کارشناسان، دانشجویان و پژوهشگران دعوت می‌شود با ارسال مقالات علمی خود از طریق وبسایت نشریه به نشانی www.UDSJ.ir در پربارتر کردن این نشریه، ما را یاری نمایند. برای ارسال مقاله کافی است تا در وبسایت ثبت‌نام نموده و با ورود به پنل کاربری، مقاله خود را ثبت کنید.

محورها و موضوعات پذیرش مقاله:

- برنامه‌ریزی شهری
- شهرسازی ایرانی و اسلامی
- شهرسازی و توسعه پایدار
- مدیریت شهری و اقتصاد شهری
- مبنای نظری و تاریخ شهرسازی
- ارتباط دوسویه معماری و شهرسازی
- مرمت و احیا بافت‌های تاریخی شهری
- شهرسازی و مطالعات طراحی شهری
- اخلاق حرفه‌ای، آموزش و پژوهش در شهرسازی
- آسیب‌های شهری و سکونتگاه‌های غیررسمی
- شهرسازی و پایداری اجتماعی و فرهنگی
- نقش محیط زیست و اقلیم در توسعه شهری
- مدیریت بحران و پدافند غیرعامل در شهرسازی
- جامعه‌شناسی شهری و گردشگری شهری
- مدیریت دانش و مطالعات میان رشته‌ای در شهرسازی

فهرست مقالات

صفحه	عنوان مقاله
۱	فهم دگردیسی روابط اجتماعی به واسطه هیبریدی شدن فضای زندگی محمد نظرپور
۱۵	بررسی علل نارضایتی شهروندان از شهرداری‌ها؛ مورد مطالعه شهرداری اسکو هادی منافزاده، سحر طوفان
۲۳	بررسی ارتباط متقابل حکمروایی شایسته شهری و مشارکت شهروندی در مدیریت شهری ثمینه ابراهیمی دهکردی
۳۱	بررسی مؤلفه‌های هویت‌بخش نما در مواجهه با معماری معاصر؛ نمونه موردی شهر قزوین محمد بهزادپور، مهشاد توکل
۴۱	قلمروی صلاحیت شهرداری‌ها در عرصه ارتقای سطح سلامت روانی و اجتماعی محمد رمضانی

فهم دگردیسی روابط اجتماعی به واسطه هیبریدی شدن فضای زندگی

تاریخ دریافت: ۹۹/۰۸/۰۹

تاریخ پذیرش: ۹۹/۱۱/۰۵

کد مقاله: ۶۶۱۱۰

محمد نظریور^۱

چکیده

با ظهور و سیطره فضای مجازی بر زیست جهان انسان معاصر به موازات جهان واقعی، روابط انسانی دچار دگردیسی های بنیادین شده است. تعامل دیالکتیکی این دوجهان تجربه متمایزی از «خود و دیگری» را شکل داده است که تنها در بستر «دوجهانی شدن ها» و «دو فضایی شدن ها» قابل درک و فهم است. این پژوهش به دنبال فهم دگردیسی میان خود و دیگری در بستر دو فضایی شدن شهری است تا از این طریق فضای زیسته اجتماعی جدید را مورد واکاوی مفهومی قرار داده و زمینه ساز شکل گیری فهم جدیدی از روابط اجتماعی شهر در چارچوب پارادایم جدید جهانی به واسطه فراگیری فضای مجازی باشد. تجربه زیسته ای که در خلال این روابط دیالکتیکی «در» شهر و «از» شهر تجربه می شود و «فضای زیسته» جدیدی را معنادار می کند، نشان از مواجهه جدیدی از شهر و مکان های شهری در لابه لای زندگی روزمره «هیبریدی» است.

واژگان کلیدی: دوجهانی شدن ها، خود و دیگری، فضای هیبریدی، فضای مجازی، فضای واقعی

۱- دانشجوی دکتری شهرسازی، گروه شهرسازی، دانشکده شهرسازی، دانشگاه تربیت مدرس تهران، ایران.

(Nazarpoor_mohammad@yahoo.com)

۱- مقدمه

با شکل‌گیری جهان مجازی در کنار جهان واقعی، جهان تازه‌ای در کنار جهان واقعی همراه با الزامات و محدودیت‌های خود ایجاد شده که مفاهیم خاص خود را نیز دارا است. با این حال سیطره جهانی‌شدن و ظهور فضای دیجیتال صرفاً به معنای قدرت گرفتن شبکه‌های اجتماعی مجازی و کم‌اهمیتی فضای انضمامی اجتماعی در شهر نیست؛ به نظر می‌رسد رابطه‌ای دیالکتیکی میان امر واقعی و امر مجازی، میان امر انتزاعی و انضمامی؛ میان فضای دیجیتال و فضای حسی؛ میان من و دیگری، میان فضای عبور و فضای حضور و در نهایت میان امر محلی و امر جهانی زمینه‌ساز یک «تجربه شهری» جدید در عصر معاصر شده است که فهم آن تنها ذیل توجه به سنتزی است که میان دوگانه‌های فضایی متضاد در شهر کنونی یا به بیان اشری (۲۰۰۷) در «متاپولیس» کنونی برقرار است. در خلال این تجربه شهری جدید است که روابط اجتماعی فرد نیز ذیل دوگانه «خود و دیگری» دگردیسی پیدا می‌کند و مختصات سیال خود را شکل می‌دهد. «خود» و «دیگری» که هم‌زمان در یک بستر «دو فضایی شده» (عاملی، ۱۳۹۵) در تعامل و تقابل فضای مجازی و واقعی زمینه‌ساز بروز خودها و دیگری‌های متنوع و متکثری است که هویت سیال و کلاژگونه ای را تولید و بازتولید می‌کند. خود عبارت است از فهم تأملی و بازتابی هر فرد از هویت خاص خودش که در رویارویی با دیگران و از لحاظ شباهت یا تفاوت با دیگری ساخته می‌شود. دیگری کانون اصلی هویت سوژه است؛ «خود» در ارتباط با دیگری است که شکل می‌یابد. بنابراین هر ساخت هویتی از خود محتاج برقراری تفاوت است. ما هویت خود را از طریق تفکیک خودمان و دیگران ایجاد و حفظ می‌کنیم و از این طریق جبهه‌ای میان خود و دیگری به وجود می‌آوریم.

پژوهش پیش رو به دنبال فهم این دگردیسی میان خود و دیگری در بستر دو فضایی شدن شهری است تا از این طریق فضای زیسته اجتماعی جدید را مورد واکاوی مفهومی قرار داده و زمینه‌ساز شکل‌گیری فهم جدیدی از روابط اجتماعی شهر در چارچوب پارادایم جدید جهانی به واسطه فراگیری فضای مجازی باشد. تجربه زیسته‌ای که در خلال این روابط دیالکتیکی «در» شهر و «از» شهر تجربه می‌شود و «فضای زیسته» جدیدی را معنادار می‌کند نشان از مواجهه جدیدی از شهر و مکان‌های شهری در لابه‌لای زندگی روزمره «هیبریدی» است. برای پیشبرد این هدف مروری بر ادبیات نظری پیشینی انجام شده است و در ادامه چارچوبی برای فهم اولیه از دگردیسی خود و دیگری در بستر شهر دو فضایی شده ارائه شده است. امروز فهم جهان واقعی بدون درک جهان مجازی و بالعکس، مطالعه جهان مجازی بدون توجه به متغیرهای جهان واقعی، فهمی عقیم خواهد بود؛ در حوزه مطالعات شهری نیز این غفلت می‌تواند زمینه‌ساز کژفهمی در مورد فهم شهر گرایی معاصر باشد. این مقاله بر بعد خاصی از این دگردیسی شهری متمرکز شده است و رابطه خود و دیگری را در بستر دو فضایی شدن شهر مورد واکاوی قرار داده است.

۲- روش تحقیق

پژوهش حاضر مروری است روایی بر ادبیات نظری موجود در حوزه پارادایم «دوج جهانی شدن‌ها» و «دو فضایی شدن‌ها» برای شکل‌گیری چارچوبی مفهومی در ارتباط با دگردیسی روابط «خود و دیگری» در بستری که متأثر از دوج جهانی موازی واقعی و مجازی سبب شکل‌گیری «تجربه هیبریدی» از شهر و روابط اجتماعی حاکم بر آن شده است. در راستای این هدف و پاسخ به این پرسش اصلی که «شکل‌گیری پارادایم دوج جهانی شدن‌ها و دو فضایی شدن‌ها چه تأثیری بر دگردیسی رابطه خود و دیگری به عنوان بنیان روابط اجتماعی دارد؟» ابتدا ادبیات نظری در مورد زمینه‌ها، عوامل و ویژگی‌های کلیدی این پارادایم با رجوع به منابع اسنادی مورد واکاوی قرار گرفته است و در ادامه با رجوع به مفاهیم اصلی در ارتباط «خود و دیگری» در حوزه جامعه‌شناسی، سعی شده است پیوندی میان این دو حوزه برقرار کرده و تأثیرات پارادایماتیک بر آن تشریح و تحلیل گردد. در انتها، چارچوب مفهومی این دگردیسی به عنوان رابطه این دیالکتیکی بین سه مقوله «خود- فضا- دیگری» در بستر شهر و فضای هیبریدی ارائه و جمع‌بندی شده است.

۳- یک چشم‌انداز کرونولوژیک به جهانی شدن

جهانی‌شدن هم مفهومی «رشته‌ای» و هم فهم آن متکی بر نگاهی «میان‌رشته‌ای» است و در مواردی نیازمند نگاهی «فرا رشته‌ای» است که در همه حوزه‌های متفاوت علوم، مورد بحث قرار می‌گیرد و به نوعی یک «فرا مفهوم» محسوب می‌شود که بسیاری از مفاهیم را وادار به بازسازی معنایی کرده است (عاملی، ۱۳۹۵)؛ نظریه‌های مربوط به جهانی‌شدن نیز در یک سیر تاریخی دچار دگردیسی‌های محتوایی و مصداقی شده‌اند، برای فهم عمیقی از «جهانی‌شدن» نیازمند یک بررسی کرونولوژیک از دگرگونی تاریخی این مفهوم هستیم تا به درک درستی از معنای امروزی آن دست پیدا کنیم. ظهور فضای مجازی ذیل جهانی‌شدن ارتباطات یکی از کلیدی‌ترین مفاهیم بنیادین مطالعات شهری امروزی است که برای درک چارچوب نظری خاص آن نیازمند مروری بر مفاهیم جهانی‌شدن هستیم. در اینجا به معرفی سه نسل از نظریه‌پردازان جهانی‌شدن به شکل اجمالی پرداخته شده است و سپس مضامین و مقوله‌های اصلی آن مطرح شده‌اند. این تشریح می‌تواند پایه‌ای برای فهم بنیادهای شکل‌گیری فضای مجازی و تعامل

آن با فضای واقعی در تجربه زیسته امروزی ما باشد. شکل‌گیری فضای جهانی حاصل از فرآیند جهانی‌شدن و فشرده شدن جهان در قالب یک «مکان» دال بر این است که جوامع به‌هیچ‌وجه واحدهای اصلی جامعه‌شناسی نیستند و آنچه باید جانشین شود «یک جامعه‌شناسی دنیای واحد» (آرچر، ۱۹۹۱) است. این جامعه‌شناسی می‌پذیرد که زندگی اجتماعی را نه در قالب یک نظم محدود و معین مکان‌مند، بلکه باید در گستره زمان و فضای جهانی شناسایی و بررسی کرد (گل محمدی، ۱۳۹۶). فهم دگردیسی تجربه شهری معاصر می‌تواند ذیل همین جامعه‌شناسی دنیای واحد مفاهیم و مقولات نوظهوری را در برابر دیدهبان پژوهشگران این حوزه پدیدار کند که باوجود اشتراکات جهانی، در مختصات بومی و محلی خود تفاوت‌های زمینه‌ای را مشخص و تمایز می‌کند. آنچه می‌بایست دغدغه اصلی قرار بگیرد فهم «دگردیسی شهر ایرانی و تجربه شهر ایرانی» ذیل این چتر جهانی در چارچوب مختصات سرزمینی است.

جدول ۱- فهم میان نسلی از جهانی‌شدن (برگرفته از گل محمدی، ۱۳۹۶: ۵۹-۳۱)

نسل اول	- سن سیمون: صنعتی شدن و علم‌الاجتماع
	- آگوست کنت: مرحله اثباتی و نوع بشر واحد
	- دور کیم: انفکاک ساختاری و فروپاشی نظم اجتماعی
	- وبر: گسترش عقلانیت چونان حلالی جهانی ساز
	- مارکس: منطق انباشت و عبور از حدود
نسل دوم	- نظریه های اجتماعی
	- پارسونز: انتخاب‌های عقلانی و وضع اجتماعی مشترک
	- بل: سیطره دانش و ظهور جامعه اطلاعاتی
	- لوهمان: ارتباط معنادار و گسترش مرز نظام اجتماعی
	- نظریه های اقتصادی
	- والرشتاین: تقسیم کار جهانی و سیطره نظام اقتصادی مشترک
	- نظریه های سیاسی
	- بول: شکل‌گیری نظام‌های اقتدار همپوش
	- گیلپین: کالایی شدن ذیل نظام‌های سیاسی داخلی و بین‌المللی
	- نظریه های فرهنگی
نسل سوم	- مک لوهان: رسانه، ارتباط و درک جهان چونان یک «دهکده جهانی»
	- هایدگر: امحای فاصله و «بی‌فصلگی یکنواختی»
	- هاروی: جهانی‌شدن به مدد «فشرده‌گی زمان-مکان»
	- گیدنز: جدایی فضا و زمان و بی‌بستر شدن نهادهای اجتماعی
	- رابرتسون: جهانی‌شدن و دگردیسی عنصر «آگاهی»
	- اولریچ بک: ریسک‌های جهانی، آگاهی جهانی
	- کستلز: جهانی‌شدن به معنای توسعه مبتنی بر اطلاعات

اگرچه تعریف مشخص و موردتوافقی از جهانی‌شدن وجود ندارد ولی از مجموعه نظریه‌ها فهمیده می‌شود که جهانی‌شدن به‌عنوان مهم‌ترین کلان-روند عصر حاضر، یک واقعیت گریزناپذیر است. جهانی‌شدن انقلابی در همه جوانب زندگی است. انقلابی غیرقابل‌بازگشت و غیرقابل‌جلوگیری؛ که موجب انتقال همه جوامع به عصری نوین با تجربیاتی نو خواهد شد. به تعبیر کوهن و کندی (۲۰۰۰) تغییر روابط زمان و مکان منشأ ظهور زمینه‌های اقتصادی، سیاسی و فرهنگی جدیدی شده است که خود در چرخه‌ای مستمر دگرگونی زمان و مکان را تشدید می‌کنند. به‌گونه‌ای که جامعه نسبتاً محلی و بسته گذشته، تبدیل به یک جامعه فرامحلی و یا محلی-جهانی شده است و به نسبت تمام ادوار گذشته، با سرعت و سهولت بیشتری با فرهنگ‌ها و جوامع دور رابطه برقرار کرده و در بسیاری از عرصه‌ها منشأ دور شدن نزدیک و نزدیک شدن دور شده است. (عاملی، ۱۳۹۰: ۳). جهانی‌شدن در پی چندین رویداد مهم مانند انقلاب فناوریانه با سرعتی شتابان مرزهای جغرافیایی را کمرنگ کرده و در کار شکل‌دهی مجدد به بنیان جوامع در تمام جوانب فرهنگی، سیاسی و اقتصادی است.

این تحولات وضعیت نوینی از جامعه جهانی را شکل داده که به تعبیر مانوئل کاستلز (۱۹۹۶)، «جامعه شبکه‌ای» نامیده می‌شود. جامعه‌ای که در ساختار و کارکردهای غالب خود حول شبکه‌ها و جریان‌هایی شکل گرفته که نمود ظاهری آن نوع جدیدی از نظام سرمایه‌داری است. یعنی سرمایه‌داری دوره فورديسم با تجدید ساختار خود، شکل جدیدی از نظام سرمایه‌داری را به‌وجود

آورد که به نظام پساوردیسم معروف شد. این نظام متکی به نوعی پویایی درونی است که هیچ‌گونه مرز و محدودیت جغرافیایی را برنمی‌تابد؛ همچنین این نظام، انعطاف‌پذیر بوده و درعین حال به شدت فروزن‌طلب، گسترش‌پذیر، بسط‌یابنده و متکی به شبکه است (کستلر، ۱۳۸۴: ۲۷-۲۸). باید توجه داشت که جهانی‌شدن، جهان‌نگری و جهان‌گرایی سابقه‌ای طولانی در تاریخ زندگی انسان دارد، اما نظریه‌پردازانی همچون کستلر، گیدنز و تیلور معتقدند که جهانی‌شدن معاصر اتفاق جدیدی است که در اواخر قرن بیستم با وقوع انقلاب ارتباطات و اطلاعات و تجدید ساختار اقتصاد جهانی ایجاد شده است (قورچی، ۱۳۹۴). به اعتقاد عاملی (۱۳۹۰)، سه جهانی‌شدن را می‌توان از هم متمایز کرد:

۱-۳- جهانی‌شدن اولیه

مرحله اول «مرحله ابتدایی جهانی‌شدن» یا جهانی‌شدن اولیه است که قبل از ظهور مدرنیسم و تحولات صنعتی اتفاق افتاده است. به اعتقاد کوهن و کندی (۲۰۰۰) دوره ابتدایی یا اولیه جهانی‌شدن مربوط به دوره ظهور امپراتوری‌های بزرگ با سیطره جهانی و همچنین ظهور ادیان بزرگ الهی مثل مسیحیت و اسلام است. مشخصه این دوره، اثرگذاری امپراتوری‌های بزرگ بر مناطق تحت سیطره خود و مستعمراتشان است. «مورخان دوره ماقبل جهان مدرن نشان داده‌اند که چگونه امپراتوری‌های بزرگ در دوره تمدن-های باستان موفق شدند بخش‌هایی از جهان را اداره کنند و تحت سیطره خود قرار دهند و نوعی یکسان‌سازی را در حوزه‌های حکومتی به وجود آورند» (رابرتس، ۱۹۹۲ و کوون، ۲۰۰۱). اما این اثرگذاری بسیار کند و زمان‌بر بوده و غالباً بر «ارتباطات طبیعی» و «ارتباطات چهره به چهره» تکیه داشته است (عاملی، ۱۳۹۰)، در حالی که جهانی‌شدن با مفهوم امروزی آن، دگرگونی ارتباطات طبیعی و چهره به چهره و به نوعی دگردیسی مفهوم مکان و زمان است.

۲-۳- جهانی‌شدن مدرن

مرحله دوم اثرگذاری و حضور جهانی پدیده‌های سیاسی، فرهنگی و اقتصادی به تحولات ابزاری و فکری دوره مدرنیته که با انقلاب صنعتی و تحولات موسوم به «روشنگری» آغاز شده است، باز می‌گردد. در این دوره اندیشه انتقادی مارکس در خصوص توسعه جهانی نظام سرمایه‌داری مدرن و یا «دیدگاه‌های سنت سیمون درباره ریشه یافتن مدرنیته در جهان، منعکس‌کننده اندیشه جهانی‌شدن مدرنیته است» (هلد و مک گرو، ۲۰۰۱). انقلاب صنعتی، طی دو قرن بعد از تولد خود در سواحل اروپای غربی، توانست به بیشتر نقاط جهان گسترش یابد. در بریتانیا که نقطه آغازین انقلاب صنعتی بود، حتی در نیمه دوم قرن نوزدهم نیمی از تولید ناخالص ملی از بخش کشاورزی و غیر صنعتی تأمین می‌شد. از طرفی توسعه غرب صنعتی و مدرن در این دوره همراه با جنگ و روندهای استعماری بود، ولی در دوره جدید جهانی‌شدن که مرحله سوم آن است، قدرت شکل پنهان‌تری یافته است (کاستلر، ۱۹۹۹). مرحله جهانی‌شدن دوم را باید دوران سیطره تفکر مدرن بر جهان انسانی دانست که روابط دولت ملت‌ها را وارد مرحله جدیدی از ارتباطات کرد و به نوعی با تأکید بر شکل‌گیری مقولات جهانی واحد تأثیر مهمی بر فرآیند شکل‌گیری تجربه جهانی داشت.

۳-۳- جهانی‌شدن ارتباطات

دوره سوم جهانی‌شدن که در واقع همه نظریه‌ها و مباحث معاصر جهانی‌شدن ناظر بر آن است، معلول ظهور صنعت جهانی ارتباطات است و به عنوان یک روند ارتباطی که موجب ارتباطات هم‌زمان و ظهور «فضای واحد ارتباطی» شده است از سه خصیصه «فراملی بودن، فراگیر بودن و پیوستگی» برخوردار است (عاملی، ۱۳۹۰). در واقع این خصیصه‌ها ظرفیت‌های جهان جدید را معرفی می‌کند؛ بر خلاف جهان قبل از ظهور صنعت هم‌زمان ارتباطات که چسبیده به مکان بود، فضای جدید اساساً فراملی و فراجغرافیایی و به تعبیر دقیق‌تر بی‌مکان است. روندهای جدید برای یک‌بار در فضای مجازی ارائه می‌شود و قابلیت دسترسی فراگیر را برای همگان دارد. پیوستگی نیز سازمان ارتباطات جدیدی را بیان می‌کند که نوعی شبکه‌ای‌شدن گسترده را بر اساس خاص-گرایی و عام‌گرایی (رابرتسون، ۱۹۹۲) جدید به وجود می‌آورد. به تعبیر دیوید هلد (۲۰۰۰) جهان جدید، جهانی متصل و عصر جدید، عصر اتصال است که به راحتی شاخص‌های ارتباطی و انفجار ارتباطی را منعکس می‌کند. فناوری‌های اطلاعاتی ارتباطات با سرعتی دور از انتظار و در کمتر از دو دهه، در فاصله بین نیمه دهه ۱۹۷۰ تا نیمه دهه ۱۹۹۰، منشائی برای وصل جهان تکه‌تکه شدند. از طرف دیگر صنعت هم‌زمان ارتباطات، باعث ظهور فضایی شده که چیزها و ارزش‌ها را در یک محیط «همه جا حاضر» قرار داده است که همه به آن دسترسی دارند و بودن و هستی در یک محیط و فضا با اتصال تحقق می‌یابد. در اینجا می‌توان شهر و کشور را بر مبنای فضا و نه لزوماً براساس مکان و جغرافیا اداره و مدیریت کرد» (عاملی، ۱۳۸۷) این دوره، دوره‌ای است که از آن با تعبیر مختلفی همچون، «عصر فضا» (دیکسون، ۲۰۰۹)، «عصر الکترونیکی» (مک کلو، ۱۹۹۸)، «عصر اتمی» (لارنس، ۲۰۰۵)، «عصر خورشیدی» (انجمن امریکایی انرژی خورشیدی، ۱۹۵۴)، «عصر انفجار اطلاعات» (کاستلر، ۱۳۸۰)، «دوره ارتباطات» (بتز،

۱۹۹۴) و یا به تعبیر مک لوهان (۱۳۷۷) «دهکده جهانی» یاد می‌شود. گیدنز (۱۹۹۴) جهانی‌شدن را تقاطع و ارتباط حاضر و غایب، و یا فعالیت از راه دور می‌داند و از نظر او مهم‌ترین ساحت جهانی‌شدن، جهانی‌شدن ارتباطات است (گیدنز، ۲۰۰۱).



دیگرام ۱- سیر کورونولوژیک جهانی‌شدن و ظهور جهانی‌شدن ارتباطات (برگرفته از عاملی، ۱۳۹۵: ۲۹-۲۵)

۴- دگرذیسی مضامین بنیادین در جهانی‌شدن

اگر چه لفظ جهانی‌شدن حدود سال ۱۹۶۰ استفاده شده است و فرهنگ لغت وبستر در سال ۱۹۶۱ لغت‌نامه‌ای بود که لفظ جهانی‌شدن را تعریف کرد، اما مفهوم جهانی‌شدن از نیمه دهه ۱۹۹۰ به عنوان یک بحث علمی جدی مورد توجه و مطالعه محققان قرار گرفت (رابرتسول، ۱۹۹۲). باید توجه داشت که اساساً جهانی‌شدن مفهومی مطلقاً نامحدود نیست، بلکه فرایندی است که مفاهیم نسبی بی‌شماری دارد و این نسبی‌بودن مفهوم جهانی‌شدن ریشه در تنوع روندهای جهانی‌شدن دارد (عاملی، ۱۳۹۰). اگر قائل به جهانی‌شدن‌های متکثر شویم، مرکزیت‌ها سمت و سوی خاصی می‌یابد و نگاه کل‌گرایانه به یک نگاه نسبی تبدیل می‌شود که همه جهانی‌شدن‌ها را در درون خود منعکس می‌کند. متفکران معاصر، جهانی‌شدن و وجوه مختلف این پدیده را از زوایای گوناگونی مانند اقتصاد، فرهنگ و سیاست مورد بررسی قرار داده‌اند که در ادامه به بررسی اجمالی تأثیر جهانی‌شدن بر این سه حوزه پرداخته شده است.

۴-۱- جهانی‌شدن اقتصادی و شکل‌گیری مراکز فرماندهی اقتصادی

بی‌شک جهانی‌شدن مهم‌ترین و بارزترین وجه تمایز اقتصاد امروز و دیروز جهان است (ضیایی، ۱۳۸۶). یکی از مهم‌ترین تغییرات در جهان اقتصاد در عصر جهانی‌شدن، افزایش تحرک فراملی سرمایه و اطلاعات در سراسر جهان بوده است. هر چند این حرکت فراملی نیروی انسانی، کالا، سرمایه و اطلاعات وجه مهم اقتصاد جهان برای بیش از ۵۰۰ سال بوده است (رنه شور، ۱۳۸۴)، اما آنچه جهانی‌شدن بیست سال گذشته را این‌چنین متمایز کرده، تغییر در ماهیت و سازمان فعالیت‌های اقتصادی بین‌المللی است که جریان‌های جهانی خدمات، سرمایه و اطلاعات را به اندازه تجارت بین‌المللی مواد خام و کالاهای تولیدی و در بسیاری از موارد بیشتر از آن حائز اهمیت ساخته است. «اقتصاد بدون مرز» از جمله ویژگی‌های جهانی‌شدن در بعد اقتصادی است. جهانی‌شدن منابع مالی و در نتیجه ائتلاف قوی بین ملت‌های مختلف و تشکیل شرکت‌های چندملیتی خبر از «پایان جغرافیا» داده و مرزهای سرزمینی را در می‌نوردند. بازار جهانی به شکل فزاینده‌ای نسبت به این مسأله که یک کالا یا خدمات دقیقاً در کدام نقطه جغرافیایی تولید می‌شود بی‌تفاوت شده و از طریق کاربرد رویه‌های کاری انعطاف‌پذیر و فناوری‌های جدید، روابط اجتماعی تولید و اولویت‌های مکانی نیز دچار دگرگونی شده‌است. به زعم ضیایی (۱۳۸۶) برخلاف دوران قبل، اقتصاد جهانی مبتنی بر کشاورزی و یا صنعت نیست بلکه در عصر حاضر «رشد و تنوع صنایع خدماتی» منجر به شکل‌گیری «اقتصاد بی‌وزن» شده‌است که بیش از آن که بر پایه محصولات ملموس تجاری باشد، مبتنی بر اطلاعات، رسانه، محصولات سرگرمی، تفریح و خدمات اینترنتی است.

۴-۲- جهانی‌شدن سیاسی و تضعیف دولت-ملت

صحبت از حکومت جهانی و سیاست جهانی می‌تواند گمراه‌کننده باشد، زیرا تصویری از دولت جهانی را به وجود می‌آورد که واحد، متمرکز و کنترل‌کننده همه امور است. درحالی‌که جهانی‌شدن سیاست مجموعه‌ای از فرایندهای پیچیده شامل کاهش مداخله دولت، شکل‌گیری اتحادیه‌های منطقه‌ای، افزایش سازمان‌های جهانی، مقررات زیادی و گسترش مردم‌سالاری و آزادی‌خواهی در جهان است. سیاست جهانی‌شدن در پی اعتقاد عمیق به بازار آزاد و عقلانیت آن، به کاهش نظارت دولت، کاهش هزینه‌های رفاهی و تأمین اجتماعی و تداوم گسترش نظام سرمایه‌داری متأخر جهانی می‌انجامد. به بیان دیگر در منازعه جهانی بین دولت و بازار، بازار برتری را کسب کرده‌است. فرضیه زوال دولت‌ها یعنی کم شدن اختیارات دولت در امور اقتصادی ممکن است تنها در بخش‌هایی از جهان به شکل کامل قابل اجرا باشد و در بسیاری نقاط دیگر تنها به شکل تدریجی و بسیار محدود این اتفاق بیفتد. با این همه

توسعه و تعمیق نیروهای بازار جهانی امری اجتناب‌ناپذیر است و نمی‌توان به طور کامل از وقوع آن جلوگیری کرد. تقریباً تمامی کشورهای جهان مانند کشور ایران، در پی دستیابی به موقعیتی بهتر در بازار سرمایه جهانی، دچار تغییر و بازسازی در برنامه‌های خود شده‌اند و با فراهم کردن محیط‌های مساعد برای سرمایه‌گذاری از طریق کاهش نقش دولت، واگذاری شرکت‌های دولتی به بخش خصوصی، مقررات‌زدایی و بسیاری اقدامات دیگر، با موج گریزناپذیر جهانی‌شدن همراه شده‌اند (گل محمدی، ۱۳۹۶).

۴-۳- جهانی‌شدن فرهنگی و ساخت زیست جهان میان فرهنگی

گیدنز (۱۹۹۰) در کتاب پیامدهای مدرنیته با نگاهی متفاوت جهانی‌شدن را از پیامدهای مدرنیته می‌داند و یا به عبارتی جهانی‌شدن را توسعه و امتداد مدرنیته می‌داند و جهانی‌شدن را با نظریه اجتماعی خود در خصوص فشرده شدن روابط اجتماعی در سطح جهان مرتبط می‌سازد (گیدنز، ۱۹۹۰: ۶۳). این در واقع همان مفهومی است که بعدها تاملینسون (۱۹۹۹) از آن به اتصال فرهنگی یاد می‌کند. به طور کلی سه پارادایم عمده در نظریه‌پردازی ابعاد فرهنگی جهانی‌شدن وجود دارد و هدف آن‌ها پاسخ‌گویی به این پرسش‌ها است که آیا فرهنگ‌های سراسر جهان تا همیشه مستقل از هر روندی به حیات اولیه و دست‌نخورده خود ادامه خواهند داد؟ آیا این فرهنگ‌ها متأثر از فرایند جهانی‌شدن به یکدیگر نزدیک شده و دچار همسانی در بنیان‌های اساسی خود می‌شوند؟ و یا شکل‌های متنوع و جدیدی از ترکیب فرهنگ‌های جهانی و محلی به دست می‌دهند؟ به نقل از جورج ریتز (۱۳۹۵)، در کتاب «نظریه جامعه‌شناسی» این سه پارادایم این‌گونه معرفی می‌شوند:

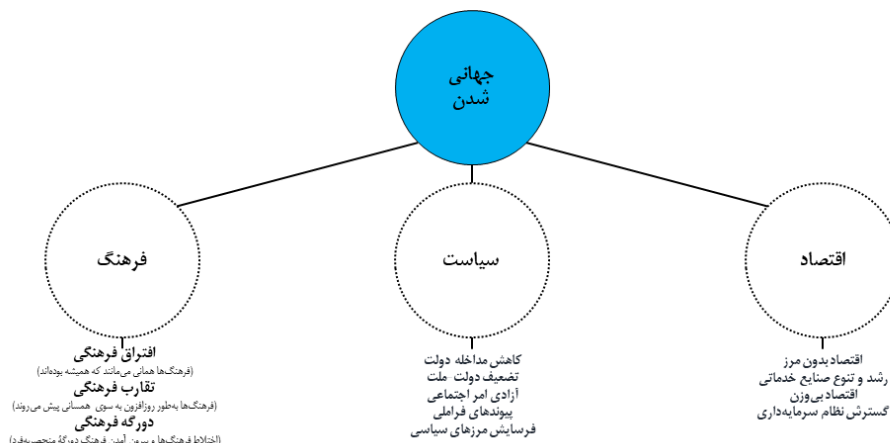
اولین پارادایم؛ «افتراق فرهنگی»^۱ است. آن‌هایی که به این پارادایم معتقدند قائل به وجود تفاوت در بین فرهنگ‌های مختلف جهانی هستند که اساساً تحت تأثیر جهانی‌شدن و یا هر فرایند دیگر چندفرهنگی، میان فرهنگی یا فرافرهنگی قرار نمی‌گیرند. البته این بدان معنا نیست که فرهنگ‌ها از هیچ‌یک از این فرایندها خاصه جهانی‌شدن متأثر نمی‌شوند، بلکه به این معناست که هسته فرهنگ‌ها تا حد زیادی از تأثیر آن‌ها مصون می‌مانند. به بیانی دیگر فرهنگ‌ها همانی می‌مانند که همیشه بوده‌اند. دومین پارادایم؛ «تقارب فرهنگی»^۲ است. پارادایم قبلی ریشه در این فکر دارد که در نتیجه جهانی‌شدن یا علی‌رغم آن، تفاوت میان فرهنگ‌ها تداوم می‌یابد. برعکس، پارادایم تقارب فرهنگی مبتنی بر این عقیده است که جهانی‌شدن به افزایش همانندی در سراسر جهان منتهی می‌شود. بنابراین عقیده، فرهنگ‌های جهان به‌طور روزافزون به سوی همسانی پیش می‌روند و این تغییرات عمدتاً تغییراتی بنیادی هستند. پارادایم سوم؛ «دورگه فرهنگی»^۳ است. این پارادایم بر اختلاط فرهنگ‌ها بر اثر جهانی‌شدن و بیرون آمدن فرهنگ دورگه منحصربه‌فرد جدیدی از دل تلفیق فرهنگ جهانی و محلی تأکید می‌کند که نه به فرهنگ محلی تقلیل‌پذیر است و نه به فرهنگ جهانی.

با بررسی تغییرات فرهنگی در عصر جهانی‌شدن می‌توان به این نتیجه رسید که در جوامع گوناگون نه لزوماً آن فرهنگ واحد جهانی که بنا بر تعبیر پارادایم تقارب فرهنگی می‌باید بر تمامی فرهنگ‌ها چیره شود، به‌وجود آمده‌است و نه آنکه این فرهنگ‌ها موازی با روندهای جهانی‌شدن، تماماً دست‌نخورده و بدون تغییرات بنیادین به حیات خود ادامه داده‌اند. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که پارادایم سوم توانسته‌است واقعیت را به شکل دقیق‌تری توصیف کند. زیرا از این منظر نه اینکه همگونی جهانی و یا مقاومت فرهنگی به هیچ‌وجه رخ نداده باشد، اما مهم تلفیق فرایندهای جهانی با واقعیت‌های محلی گوناگون است که شکل‌های دورگه و متمایزی را پدید می‌آورند. این دیدگاه قائل به ناهمگونی و تولید مستمر «چیزی دیگر» از دل تلفیق دو امر جهانی و محلی است تا همگونی مطلق و یکسان‌شدن امر محلی در مقابل جریان جهانی‌شدن؛ و معتقد است که این روند فراگیر، به منزله فرایندی کاملاً خلاق واقعیت‌های فرهنگی جدیدی را که تحت عنوان «جهان محلی شدن» شناخته می‌شود، به دست می‌دهد. به گفته رابرتسون (۱۳۸۰)، مفهوم جهانی‌شدن همواره متضمن همزمانی و درون‌پیوستگی آن دو پدیده‌ای بوده‌است که به صورت قراردادی «امر جهانی» و «امر محلی» نامیده می‌شوند و یا به بیانی تجربیدی‌تر، «امر کلی» و «امر خاص». به بیان دیگر، تعریف امر جهانی به شیوه‌ای که گویی امر جهانی نافی امر محلی است، کاری بی‌معناست. (عاملی، ۱۳۹۰: ۲۲۴) و ضرورت جایگزینی اصطلاح «جهان محلی شدن» به جای اصطلاح بحث‌برانگیز «جهانی‌شدن» را آشکار می‌کند. مفهومی که در قلب پارادایم سوم شکل گرفته و مورد توجه بسیاری از نظریه‌پردازان از جمله نظریه‌پردازان شهری نیز هست.

1- Cultural differentialism

2- Cultural convergence

3- Hybridization



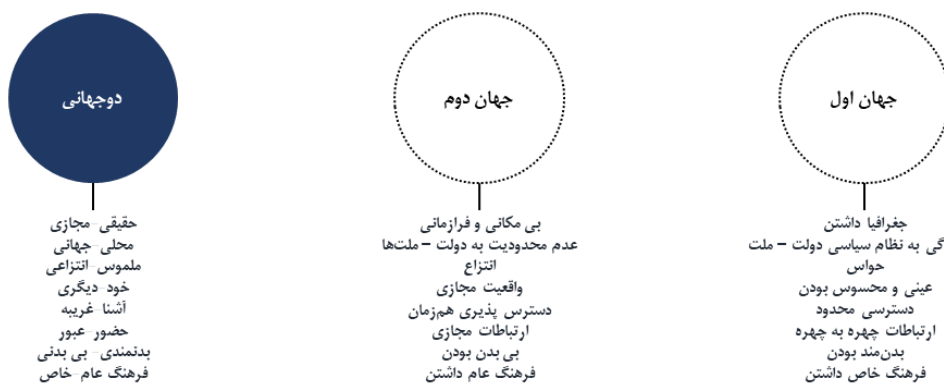
دی‌گرام ۲- مضامین بنیادین در فهم جهانی‌شدن

همین طور که به نظر می‌رسد توافق واحدی بر سر مفهوم جهانی‌شدن وجود ندارد و همین تشتت آرای محققان در مورد تعریف جهانی‌شدن، به این نکته منتهی می‌شود که بررسی معانی سلبی جهانی‌شدن یعنی پاسخ به این پرسش که جهانی‌شدن چه چیزی نیست، راه‌حلی کارآمدتر برای فهم مفهوم ایجابی آن است. بنابراین می‌توان گفت جهانی‌شدن روندی نیست که منجر به «یکی شدن جهان» و یا «همسان سازی مطلق» در قلمروهای فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی شود (گیدنز، ۱۳۸۲). این به این دلیل است که حتی اگر فرض شود که جهانی‌شدن فرایندی را به وجود بیاورد که متن واحدی را به صورت استاندارد به همه جهان ارسال کند، به دلیل وجود زمینه‌های متفاوت تاریخی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی در مناطق جهان، نتیجه جهانی‌شدن در این زمینه‌های متفاوت یکسان نخواهد بود (عاملی، ۱۳۹۰). جهانی‌شدن همچنین به معنی به‌وجود آمدن روند «تک فرهنگی گرایی» جهانی، به صورتی که مردم در سرتاسر دنیا از یک نظام اخلاقی و سنت‌های اجتماعی و فرهنگی واحد و یا فرهنگ عامیانه و افکار عمومی واحد برخوردار شوند نیز نیست. (عاملی، ۱۳۹۰). «جهانی‌شدن مطلق» نیز، به عنوان یک فرایند واحد که منجر به سلطه غرب بر شرق شود، نگاه افسانه‌ای و تخیلی به جهانی‌شدن است که نه مبتنی بر شواهد عینی است و نه امکان منطقی بر آن مترتب است. بلکه «جهانی‌شدن‌های بسیاری» در سطح جهان در حال شکل‌گیری است (عاملی، ۱۳۹۰). بنا بر مباحث گفته شده و با مراجعه با آرای رابرتسون (۱۳۸۰) و امین و تریفت (۱۹۹۶) و عاملی (۱۳۹۰) می‌توان این گونه نتیجه‌گیری کرد که:

- جهانی‌شدن واقعیتی در حال وقوع و غیرقابل‌انکار است که همراه با انقلاب اطلاعاتی و ظهور زمینه‌های جدید اقتصادی و سیاسی موجب کم‌رنگ شدن مرزهای جغرافیایی، جریان آزاد سرمایه و شکل‌گیری جامعه شبکه‌ای و در نهایت شهرهای جهانی شده است.
- افراد و گروه‌های محلی در دنیای جهانی‌شده قدرت بیشتری در سازگاری و نوآوری و ابتکار عمل می‌یابند و همین امر نقش‌پردازی بیشتر شهرها به نسبت کشورها را در دنیای معاصر توجیه می‌کند.
- جهانی‌شدن فرایندی نیست که به موجب آن تمامی فرهنگ‌های محلی نابود شده و فرهنگی واحد جایگزین آن‌ها شود. به بیان دیگر برخلاف تصور عمومی، چندگانگی فرهنگی در جهان بیش از پیش اتفاق خواهد افتاد، جهان در اثر وقوع انقلاب تکنولوژیک و فشردگی زمان و مکان شاهد هم‌زمانی امور ناهم‌زمان خواهد بود و شهرها به عنوان مکان بروز و بستر وقوع این پدیده‌های جدید دچار دگرگونی‌های ساختاری خواهند شد.
- جهانی‌شدن، روندی نیست که به یکی شدن جهان یا همسان‌سازی مطلق در قلمروهای فرهنگی، سیاسی و اقتصادی منجر شود. جهانی‌شدن به این معنا که دولت-ملت‌ها جای خود را به دولت جهانگیر می‌دهند و یا به عبارتی قدرت واحدی دنیا را اداره می‌کند نیست. بنابراین جهانی‌شدن به معنای تک‌قطبی‌شدن اقتصادی و نظام واحد اقتصادی که دنیا را اداره کند، نیست.
- جهانی‌شدن به معنای سیطره تام تک جهان مجازی بر جهان واقعی نیست. مهم‌ترین تغییر جهان معاصر که بنیان تغییرات آینده جهان را می‌سازد، رقابتی شدن جهان واقعی و جهان مجازی است؛ در واقع در درون این دو جهان که مانند دوقلوهای به هم چسبیده در تعامل با یکدیگرند و بدون یکدیگر، استمرار حیات اجتماعی ممکن نیست، دو واقعیت در جریان است که یکی واقعیت طبیعی و دیگر واقعیت مجازی است.

۵- دوجوانی شدن و شکل‌گیری دوفضایی‌ها

فناوری هم‌زمان ارتباطات، صنعتی است که ارتباطات دوسویه یا چندسویه را در زمان واحد امکان‌پذیر کرده و به مفهوم فضای بی‌مکانی و ارتباطات فرازمان معنا بخشیده است. این فناوری، صنعتی است که ارتباطات چهره‌به‌چهره را به ارتباطات فراگیر مجازی تبدیل کرده است که از طریق ارتباطات به واسطه‌ی تلفن و ارتباطات به واسطه‌ی رایانه، ارتباطات انسانی را برقرار می‌کند و با ظهور موبایل، وسعت، تنوع و فراوانی بیشتری یافته و به قول جیمز لول (۲۰۰۰) ارتباطات به واسطه‌ی فناوری بخش غالب ارتباطات در زندگی روزمره شده است، به گونه‌ای که عصر جدید را می‌توان، عصر ارتباطات فراگیر نام گذاشت. به دنبال توسعه‌ی جدید این فضای اجتماعی، ظرفیت جدیدی به جهان واقعی (جهان اول)، اضافه شده است که از آن به جهانی مجازی (جهان دوم) تعبیر می‌شود. در واقع در درون این دو جهان که مانند دوقلوهای به هم چسبیده در تعامل با یکدیگرند و بدون یکدیگر، استمرار حیات اجتماعی ممکن نیست، دو واقعیت در جریان است که یکی واقعیت طبیعی و دیگر واقعیت مجازی است (عاملی، ۱۳۸۲). ظهور اینترنت و به خصوص وب، در دو دهه‌ی گذشته موجب به وجود آمدن جریانی موازی در کنار جهان واقعی شده است که می‌توان از آن با نام جهان واقعی - مجازی یاد کرد. روند جمع شدن همه‌ی صنایع ارتباطی در اینترنت، صنعت چند رسانه‌ای و بستر شکل‌گیری جهان دوم - جهان واقعی مجازی - را در کنار جهان اول - جهان واقعی فیزیکی - فراهم آورد؛ با این خصوصیت که جهان از خنثی‌آرمانی و خیالی برخوردار نیست، بلکه یک جهان واقعی است (عاملی، ۱۳۸۶). در این نگاه مهم‌ترین تغییر جهان معاصر که بنیان تغییرات آینده جهان را می‌سازد، رقابتی شدن جهان واقعی و جهان مجازی است. ظهور جهان جدید، یعنی جهان مجازی، بسیاری از روندها، نگرش‌ها و ظرفیت‌های آینده‌ی جهان را تحت تأثیر خود قرار خواهد داد. این جهان در واقع به موازات و گاه مسلط بر جهان واقعی ترسیم می‌شود و عینیت واقعی می‌یابد. این دو جهان از رابطه‌ی انعکاسی هندسی برخوردارند که داد و ستدهای بی‌شماری بین این دو جهان جریان دارد. دو جهانی‌شدن‌ها، وجود دو جهان موازی را مفروض می‌گیرد و همه‌ی تحولات جهان جدید را در این ظرف دو فضایی شده به بحث می‌گذارد (عاملی، ۱۳۸۷).

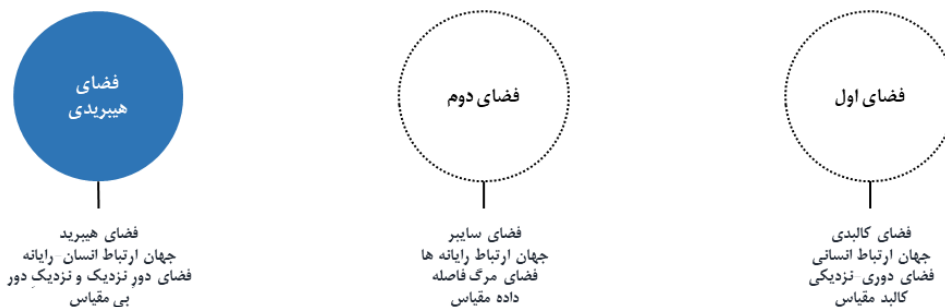


دیاگرام ۳- تعامل دوجوان موازی و شکل‌گیری دوجوانی‌شدن‌ها

به زعم عاملی (۱۳۹۱) جهان اول با خنثی‌آرمانی جغرافیا داشتن، برخورداری از نظام سیاسی مبتنی بر دولت - ملت، طبیعی - صنعتی بودن، محسوس بودن و معطوف به احساس قدیم‌تر بودن از جهان دوم قابل تمایز است. جهان دوم نیز با خنثی‌آرمانی‌هایی مثل بی مکانی، فرازمان بودن، صنعتی بودن محض، عدم محدودیت به قوانین مدنی متکی بر دولت - ملت‌ها، برخورداری از معرفت‌شناسی تغییر شکل یافته‌ی پسادردن، دسترس‌پذیری هم‌زمان، روی فضا بودن و برخورداری از فضاهای فرهنگی، اعتقادی، اقتصادی و سیاسی جدید، نسبتاً از جهان اول جدا می‌شود. این دو جهان در بسیاری از موارد تبدیل به دوقلوهای به هم چسبیده خواهند شد که تعامل فردی و اجتماعی در قلمروهای بسیار بستگی به تعامل‌های دو جهانی دارد و ما با دو جهانی‌شدن‌های به هم چسبیده که حذف یکی از آنها موجب زوال دیگری نیز می‌شود، مواجهیم. جهان دوم، فضای ظهور مفاهیم و مقوله‌ها و مجازهای واقعی بسیاری مثل مبارزات احزاب سیاسی مجازی (گیسون، ۲۰۰۴)، تضادهای دینی و نهضتی مجازی (کاراتزو جینی، ۲۰۰۴) و از همه مهم‌تر شکل‌گیری شهر مجازی (گینه‌بوزن، ۲۰۰۴) در مقابل شهر فیزیکی و مادی (چانگ، ۲۰۰۳) است. در واقع ارتباطات چهره‌به‌چهره سنتی، در سطح وسیعی جای خود را به ارتباطات در فضای مجازی (لارنس، ۲۰۰۳) مثل ارتباط به واسطه‌ی رایانه و یا به واسطه‌ی وسایل ارتباط از راه دور و یا وسایل ارتباط جمعی داده است.

بنابراین انتقال از جهان یک فضایی به جهان دو فضایی شده بر بنیان‌های صنعتی و فناورانه استوار است که در پرتو آن جهان هم زمان ارتباطات و جهان دیجیتالی شده و همچنین جهان گسترده و فراگیر دستگاه‌های ارتباطی رایانه‌ای معنا می‌یابد. ظهور جهان مجازی به موازات جهان فیزیکی باعث شکل‌گیری دوگانه فیزیکی - مجازی شدن ارتباطات انسانی (عاملی، ۱۳۸۸) شده

است که روابط اجتماعی را در سطح کلان و روابط خرد را در سطح «خود و دیگری» در بستر «فضای هیبریدی» دگرگون کرده است. این تحول حاصل وضعیتی است که صنعت ارتباطات به طور عام برای تحقق شکل سرعت یافته‌های از حرکت جمعیت، ارتباطات بین فردی و نزدیک شدن فضاها فراهم آورده است. این روند در دو فضا و بر مبنای «واقعیت‌های همزمان» بسیاری در جهان معاصر شکل گرفته و به شکل گسترده‌ای تحقق یافته است. دوفضایی شدن مباحثی چون فرهنگ، دولت، هویت و شهر نموده‌های عینی این تحول بزرگ می‌باشند (عاملی، ۱۳۸۴). این منظومه شهری از طریق ارتباطات از راه دور، اینترنت و سیستم‌های حمل و نقل سریع به هم دوخته شده و امکان تمرکز و عدم تمرکز همزمان را فراهم می‌آورد و نوع جدیدی از جغرافیای شبکه‌ها و گره‌های شهری را در جهان، کشورها و مناطق ایجاد می‌کند که در این حالت ارتباطات اجتماعی به طور همزمان هم فردی است و هم گروهی، هم مکانی است و هم جریانی (کستلز، ۲۰۰۴).



دیگرام ۴- تعامل دو فضای موازی و شکل‌گیری فضای هیبریدی

۶- از فضای هیبریدی به شهر هیبریدی

همانطور که بیان شد سخن گفتن از ظهور شبکه‌ها و گروه‌هایی که در فضای مجازی تشکیل می‌شوند به معنای نقل مکان کامل این گروه‌های کوچک و بزرگ اجتماعی به فضای مجازی نیست. فضای مجازی و واقعی، مانند دو جهان دوقلو هستند که هم با یکدیگر ارتباط دارند و هم رقابت؛ این دو جهان گاه به تقویت و تکمیل یکدیگر می‌پردازند و گاه با یکدیگر رقابت می‌کنند و برخی کارکردهای خود را جایگزین کارکردهایی از جهان دیگر می‌نمایند (عاملی، ۱۳۸۸). فضای هیبریدی شکل گرفت بنیان شهر هیبریدی معاصر خواهد بود که در فضای جدید معنای مکان بازسازی می‌شود و نگاه به شهر به‌عنوان فضای مکان‌ها به فضای جریان‌ها (کاستلز، ۱۹۹۲) تبدیل می‌شود و از سوی دیگر حرکت اطلاعات را اجتماعی می‌کند که این تغییر درواقع زمینه‌نگاهی یکپارچه به شهر دو فضایی شده را فراهم می‌کند.

از نظر کاستلز فضا همواره یک برساخته فرهنگی و ذهنی است. کولاًژهای تصویری فضای جریان‌ها را جایگزین فضای مکان‌ها می‌کند. فعالیت‌های فرا اقلیمی، فضاهای مالی یا فضاهای تولید رسانه‌ها یا زنجیره‌های جهانی. از نظر او «فضای مجازی، مکان نیست، دالان و راهرویی است بین مکان‌ها. بنابراین فضای مجازی نوعی فرافضا و فضای ذهن است. فضایی که ما هر روز در آن دست به عمل می‌زنیم و با مردمان و اندیشه‌های مکان‌هایی دیگر و زمان‌هایی دیگر ملاقات می‌کنیم» (کاستلز، ۱۳۸۴). استدلال اصلی کاستلز این است که همه جهان به صورت شبکه درآمده است، شبکه‌ای که اطلاعات و نظام الکترونیک، تار و پود اصلی آن را تشکیل می‌دهد. با افزایش شمار کاربران اینترنت که شبکه‌ای از شبکه رایانه‌ای است، بافت اجتماعی تغییر می‌کند و جامعه‌ای جدید پدید می‌آید که متشکل از شبکه‌ها است (عاملی، ۱۳۹۵). در حقیقت همان‌طور که گل محمدی (۱۳۸۳) در «فرهنگ و هویت» مقایسه مکان با فضا بیان می‌دارد، فضا دال بر همه جا و مکان دال بر جایی معین است و از همین روست که تصور همه جایی بسیار دشوارتر از جایی خاص است. مکان مفهومی مرزپذیر و قالب‌تحدید، اما فضا مفهومی نامتناهی است. مکان همواره به تثبیت و تصلب گرایش دارد ولی فضا به سیالیت و رهاشدگی.

شهرسازی واقعی-مجازی به ظرفیت‌های واقعی شهر در کنار ظرفیت‌های مجازی شهر توجه می‌کند و شهر را با توجه به این دو فضا می‌سازد. شهرهای آینده ناگزیر از اساس با نگاه به این فضا ساخته خواهند شد شهرهای موجود نیازمند بازسازی جدید و اضافه کردن فضای شهر مجازی به شهرهای واقعی است. در این روند با توسعه نرم‌افزارهای رایانه‌ای ساخت جدیدی از رئالیسم شهری که فضای شهر مجازی را به فضای شهر واقعی نزدیک می‌کند تحقق پیدا می‌کند این رئالیسم درک شهودی به واقعیت‌های مجازی می‌بخشد که طبق آن همه امور مجازی را باید بر مبنای واقعیت بنا کرد به عبارتی شهر مجازی یک ایدئالیسم مبتنی بر اندیشه خیالی و یوتوپیایی نیست، شبکه شهری واقعی است که با ظرفیت‌های جهان مجازی ساخته می‌شود (عاملی، ۱۳۹۵). در اینجا مهمترین کلیدواژه‌های این دو شهر موازی و شهر هیبریدی که در یک رابطه دیالکتیکی بین ویژگی‌های محتوایی این دو

شهر موازی شکل می گیرد مطرح شده است. شهر هیبریدی مبتنی بر «فشرده‌گی زمان-مکان» و در رابطه ای دیالکتیکی و رفت و برگشتی بین فضای جریانها و سیطره مکانها پیش می رود و به شکل گیری تجربه ای سیال از بستری دورگه را فراهم می کند.

جدول ۲- ویژگی های بنیادین دو شهر موازی و شهر هیبریدی

شهر واقعی	شهر مجازی	شهر هیبریدی
- مکان‌مندی	- آزادسازی فعالیت از قید محیط	- فشرده‌گی زمان- مکان
- زمان‌مندی	- زمان بی‌زمانی	- هم‌زمانی امور ناهم‌زمان
- تفوق فضای مکان	- تفوق فضای جریان‌ها	- دیالکتیک فضا-مکان
- بافت کالبدی	- بافت الکترونیکی	- سیطره بافت دورگه
- تراکم کالبدی	- تراکم ارتباطات	- تمرکز نامتمرکز
- واقعیت	- واقعیت مجازی	- واقعی‌شدن مجاز/مجازی‌شدن واقعیت
- شهروند	- شهروند الکترونیک	- شهروند فرامتنی
- فضای تماس	- فضای ناتماس	- فضای تماس و ناتماس
- شهر بدنمند	- شهر بی بدن	- شهر بدن-ایزار
- از سلطه به هژمونی	- از هژمونی به سلطه	- اسارت-رهایی
- حاضر بودن	- آنلاین بودن	- طی الارض و احضار مکان
- بومی بودن	- جهانی بودن	- جهان‌وطنی

۷- از شهر هیبریدی تا جامعه هیبریدی

مهم‌ترین تغییری که فضای دو جهانی به وجود آورده، تغییر در روابط انسانی است. در واقع ارتباطات چهره به چهره سستی در سطح وسیعی جای خود را به ارتباطات در فضای مجازی (لارنس، ۲۰۰۳)، مثل ارتباط به واسطه رایانه یا به واسطه وسایل ارتباط از راه دور و یا وسایل ارتباط جمعی، داده است. این تغییر فضای ارتباطی در واقع تجربه تعامل اجتماعی متفاوتی را وارد زندگی انسان کرده است. به تعبیر کوهن و کندی (۲۰۰۰) «تغییر روابط زمان، مکان و فرهنگ منشأ ظهور زمینه اجتماعی» جدیدی شده که مستلزم جامعه‌شناسی جهانی جدیدی است». در واقع جامعه‌ی نسبتاً محلی و بسته گذشته، به یک جامعه فرامحلی، جهانی و یا محلی - جهانی تبدیل شده است که از هم گذشته تاریخ، سریع‌تر با فرهنگ‌ها و جوامع دور رابطه برقرار می‌کند» (شورکنز، ۲۰۰۳) و در بعضی از عرصه‌ها منشأ دور شدن نزدیک و نزدیک شدن دور، شده است. «در جامعه‌شناسی جدید، مفهوم جدیدی از فضای خصوصی و فضای عمومی به وجود آمده که جامعه‌شناسی متحرک و پیوسته‌های غیر متحرک اجتماعی آن را ضرورت بخشیده است» (شالر و اوری، ۲۰۰۳: ۱۰۸). یکی از بازتاب‌های مهم این تحرک اجتماعی مبتنی بر «جهانی‌شدن و یا دو جهانی‌شدن‌ها» (عاملی، ۱۳۸۲ الف و ب)، ظهور جامعه چند فرهنگی متحرک و توسعه «قدرت انتخاب» است که منشأ تقویت فردیت و به تبع آن تغییر نقش هنجارهای اجتماعی، سلسله‌مراتب اجتماعی و قشربندی اجتماعی در «تعاملات اجتماعی» شده که فهم این تغییرات نیازمند جامعه‌شناسی متفاوتی است (عاملی، ۱۳۹۵) برای فهم این جامعه هیبریدی می‌توان دو دسته از نظریات جامعه‌شناسی در باب تاثیر فضای مجازی بر ارتباطات انسانی را بررسی کرد و از خلال این دو چشم انداز متضاد به یک فهم واقع بینانه و هیبریدی از دگردیسی روابط انسانی در فضای هیبریدی معاصر با تاکید بر رابطه میان «خود و دیگری» دست پیدا کرد. بنابراین پس از تشریح اجمالی این دو نگاه، کلیاتی از چشم انداز روابط اجتماعی هیبریدی ارائه شده است.

۷-۱- چشم انداز رهایی‌بخش به وضعیت «خود و دیگری» در فضای مجازی

این چشم انداز بر این اعتقاد است که فضای مجازی در حال سوق دادن ما به فرهنگی پسامدرن بر مبنای تمایز و پراکندگی است، چرا که حضور در فضای مجازی به علت ویژگی های خاص آن از جمله امکان گمنامی و حذف نشانه های فیزیکی به خود کاربر اجازه می‌دهد که به آسانی نقش های متعدد و متفاوتی را در زمان های مختلف و با تنظیمات مختلف دلخواه و پسندیده خود بازی کند. از طرفی فضای رهایی بخش صفحه نمایش رایانه در حقیقت موقعیتی جدید برای تحقق خیال ها و تمایلات عقلانی یا نیازهای غریزی کاربران را فراهم می کند که سازنده هویت های فردی و اجتماعی هستند و فرصت بیشتری را برای دخیل کردن فرایندهای تفسیر، تخیل و آرزوهای طرفین تعامل در گفت وگو فراهم می‌آورد. به گفته شری ترکل (۱) ما با استفاده از ابزارهای نوین رایانه‌ها هویت اجتماعی خودمان را می‌سازیم. در این فضاها هویت‌ها و قواعد کنش متقابل اجتماعی ساخته می‌شوند نه این که پذیرفته شوند؛ شرکت در اجتماعات مجازی از فشارهای ناشی از وفق دادن خود با انتظارات گروهی و جمعی در دنیای واقعی

می‌کاهد و آزادی بیشتری را به فرد در جهت تحقق خود مطلوب و ایده‌آل وی و تعامل با سایرین مطلوب خود به او می‌بخشد. فناوری‌های اطلاعات و ارتباطات فرصت احیای اینگونه اجتماعات آزادانه را فراهم می‌آورند؛ به نوعی آن چه در اثر تحرک از میان می‌رود، اکنون می‌تواند به وسیله صفحه کلید، مانیتور، پردازشگر و مدم، دوباره ساخته شود.

همانطور که بیان شد هویت انسان زمانی مشخص می‌شود که تمایز میان خود او و دیگری روشن شود. این رابطه میان خود و دیگری یک رابطه دو طرفه است؛ یعنی فرآیند شناخت خود نیازمند وجود دیگری است که باید با توجه به ویژگی‌های دیگری و تفاوت خود با دیگری، هویت شکل بگیرد. در پرتوی این تعاملات مجازی امکان گفت و گو و کنش ارتباطی، همراه با کمرنگ شدن نقش برخی نابری‌ها، بیشتر می‌شود. تجربه داشتن خودهای متفاوت و متعدد در زمانی واحد، در مفاهیم خود و دیگری چه تغییری ایجاد می‌شود. افراد در این مناسبات جدید، پیامهای رمزگذاری برای مخاطبان خود می‌فرستند و در همان حال، می‌توانند پاسخ‌های آنان را دریافت کنند. این افراد، پس از این، عضو یک اجتماع متغیر و ناپایدار خواهند بود و هویت سیالی را به همراه خواهند داشت مناسبات، فرد در گمنامی خود سیر خواهد کرد و به عنوان یک ذره در نقابی پنهان، اندیشه مستقل خود را از «دیگری» مصون خواهد داشت. بنابراین گمنامی به منزله امکان رهایی بخش مساله نخستی است که این دسته نظریه پردازان بدان پرداخته و آن را به چالش کشیده‌اند. مهمترین کلیدواژه‌های این چشم انداز در جدول شماره ۳ مطرح شده‌اند.

۷-۲- چشم انداز هژمونیک به وضعیت «خود و دیگری» در فضای مجازی

چشم انداز مقابل با اتخاذ نگاهی انتقادی بر این باور است که دسترسی نابرابر به شبکه‌های الکترونیکی چه بسا ممکن است شکل‌های جدیدی از طرد اجتماعی را ایجاد کند و به کاهش روابط چهره به چهره و انزوای اجتماعی ختم شود. علاوه بر این جنبه فرد در این فضا می‌تواند گرایش‌های فردگرایانه را که در جهان معاصر همواره رو به افزایش بوده‌اند، شتاب بخشد و زمینه انزوای اجتماعی را فراهم سازد. شبکه مراداتی که از طریق ارتباطات به وسیله رایانه پا به عرصه وجود می‌گذارند، اجتماعاتی مجازی هستند که گسترش آن‌ها نشانه زوال اجتماعات واقعی است.

درحقیقت، فضای مجازی نیز توسط منابع قدرت اقتصادی و سیاسی واقعی کنترل و اداره می‌شوند. فضای سایر اهداف متنوعی را، از کنترل سامانه‌ها گرفته تا کنترل بدن و فضا و مکان اطراف ما، دنبال می‌کند. در واقع علم سایبرنتیک به دنبال کنترل همه‌ی سامانه‌های مربوط به فناوری و زندگی اجتماعی است و خودهای شکل گرفته در فضای مجازی نیز بیش تر شما برنامه‌ها هستند تا هویت‌ها. مسئله دیگری که اکثر آسیب شناسان شبکه بدان پرداخته‌اند، مربوط به ویژگی‌های خاص تعاملات و ارتباطات در دنیای مجازی است. روابطی که در انتهای تجربه انزوا برای فردی می‌تواند بستر شکل گیری یک «از خود بیگانگی» را برای وی منجر شود. فردی که هرروز با بمباران اطلاعاتی در سطح جهانی مواجه است که ذیل یک هژمونی رسانه ای و ملغمه ای از حقایق و دروغ‌ها تجربه پریشانی را برای خود زیست می‌کند به طوری که منابع عاطفی اش به بیان زمیلی رو به پایان می‌نهد. مهم‌ترین کلیدواژه‌های این چشم انداز در جدول شماره ۳ مطرح شده‌اند.

۷-۳- چشم انداز هیبریدی به وضعیت «خود و دیگری»

در دیدگاه واقع بینانه که مبتنی بر فهم فضای هیبریدی است، فضای مجازی نوعی فراقضا و فضای ذهنی است که همه جا هست اما هیچ کجا نیست، فضایی است که در پرتو در دسترس قرار دادن اطلاعات وسیع و سریع، به فرد قدرت نمادین بیشتر و امنیت روانی گسترده تری می‌بخشد؛ اما در همان حال او را وابسته تر، بی قدرت تر و مضطرب‌تر از پیش می‌کند. با توجه به آنچه درباره فضای هیبریدی مطرح شد، تعامل‌های فردی و اجتماعی در قلمروهای بسیار بستگی به تعامل‌های دوجوانی دارد. درواقع، در دنیایی که ما با دو جهانی‌شدن‌های به هم چسبیده (عاملی، ۱۳۸۲) مواجهیم، ارتباطات و تعامل‌های میان افراد در هر دو جهان واقعی فیزیکی و واقعی مجازی بسط و گسترش یافته است. در این فضا است که افراد در برخورد با یکدیگر، در فضای واقعی برای هویت‌یابی و هویت‌سازی برای خود به عناصری تکیه می‌کنند که لزوماً ارتباطی با منابع فرهنگی در فضای مجازی ندارد. به این معنا که از آنجا که افراد برای هویت خود نمی‌توانند به عناصر هویت‌بخش فضای واقعی تکیه کنند، برای جلوگیری از بی‌هویتی، هویت خود را به عناصر مکانی و زمانی فضای واقعی ارجاع می‌دهند (عاملی، ۱۳۸۶). این دو ساختار چهار تفاوت اساسی را منعکس می‌کنند که به نوعی تمایزات کلان جهان واقعی و جهان مجازی در ارتباطات انسانی نیز محسوب می‌شوند: (۱) ارتباطات انسانی در جهان واقعی و جهان مجازی متفاوت است. (۲) به تبع تفاوت‌های ارتباطی که در این دو فضای فرهنگی وجود دارد، تمایزات قابل تأملی بین ادراک فرهنگی در این دو فضا ظهور می‌یابد. (۳) تفاوت ارتباطی و ادراکی موجب ظهور جنبه‌های متفاوت نمایش فرهنگ در این دو فضا می‌شود. (۴) و در نهایت فرد در کنار جمع در جهان واقعی و جهان مجازی، هم به لحاظ مشارکت با جمع، تغییر را نشان می‌دهد و هم به لحاظ توجه به هنجارهای جمعی؛ بنابراین قوی شدن فردیت و ویرانگری هنجارهای جمعی نیز بخشی از تفاوت‌های مهم این دو فضای فرهنگی است (عاملی، ۱۳۹۵).

در چشم انداز هیبریدی از رابطه «خود و دیگری» فضای مجازی و فضای واقعی به عنوان پشت صحنه و جلوی صحنه (گافمن، ۱۹۵۹) بیانگر زندگی روزمره اجتماعی فرد است که در رابطه ای رفت و برگشتی و پرتیرینی از هویت های فردی متکثر او را به نمایش می گذارد. جدایی زمان و مکان و بی بستر شدن نهادهای اجتماعی (گیدنز، ۱۹۹۴) از کلیدواژه های مهم این تجربه اجتماعی است که می تواند توأمان در دیالکتیکی محلی و جهانی برساننده های مختصات جدیدی از روابط اجتماعی باشد. برخی از مهمترین کلیدواژه های این چشم انداز در جدول شماره ۳ مطرح شده است.

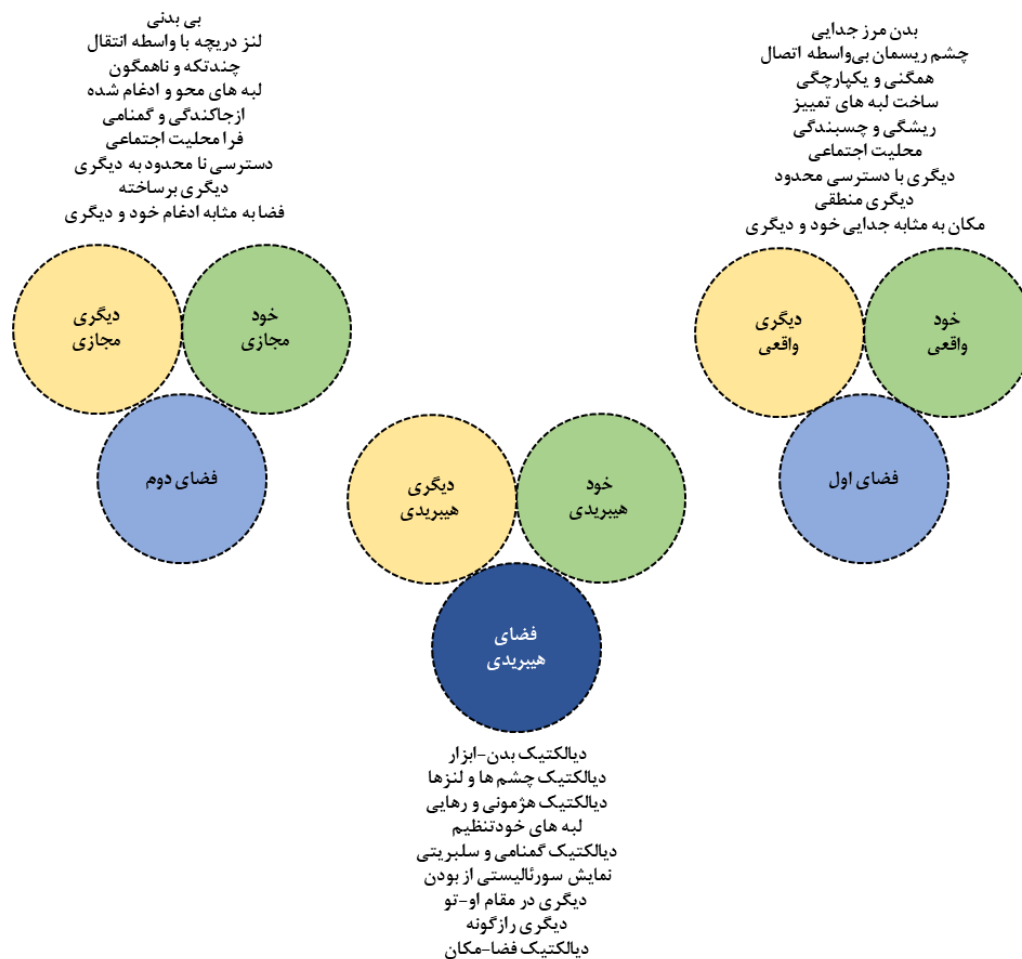
جدول شماره ۳- ویژگی های بنیادین چشم اندازهای «خود و دیگری»

چشم انداز رهایی بخش	- شکل گیری «خود پسامدرن» - گمنامی، نامرئی، تکثر - در جستجوی «فضای رهایی بخش» - برپایی «صحنه نمایش» - تولید و بازتولید هویت های اجتماعی - دخیل کردن تفسیر، تخیل و آرزوها - تجاوز از نظم و فشار اجتماعی - به چالش کشیدن امر واقعی - اهمیت یافتن «زیست جهان دیگری»
چشم انداز همزیستی	- به چالش کشیدن «گمنامی به مثابه رهایی بخشی» - کنترل پذیری و توهم رهایی - اعتیاد مجازی و انزوای اجتماعی در دنیای واقعی - قلمرو زدایی - از خودبیگانگی - جنگ بازماندگان و برندگان - در چنبره امر مجازی - بی حسی و اتمام «منابع عاطفی»
چشم انداز هیبریدی	- تعامل مجازی و واقعی و برپایی دیالکتیک نمایشی - دنیای «رسانه ای شده» - ویرتینی شدن «خود» در زندگی مجازی - پریشانی «خود» در این دیالکتیک - جدایی زمان و مکان و بی بستر شدن نهاد اجتماعی - «از جاکندگی» و «بازجاکیری» - بازتولید روابط اجتماعی در «نامکان ها»

۸- نتیجه گیری: شکل گیری یک چارچوب مفهومی

اگر هویت فردی را «پنداشت نسبتا پایدار فرد از کیستی و چیستی خود در ارتباط با افراد و سایر گروه ها که از طریق تعاملات اجتماعی با دیگران در فرآیند اجتماعی شدن تکوین می یابد، بدانیم» «هویت فردی جدا از سپهر اجتماعی دیگران معنادار نیست، افراد یگانه و متفاوت هستند، اما خویشتن به طور کامل در اجتماع ساخته می شود، یعنی در فرآیندهای اجتماعی شدن اولیه و متعاقب آن در فرآیندهای جاری تعامل اجتماعی که در چارچوب آنها افراد در طول عمرشان خود و دیگران را تعریف و بازتعریف می کنند ...» (جنکینز، ۱۳۸۱). همانطور که بیان شد تعاملات چهره به چهره در فضای اول در محدوده جغرافیایی خاص و زمانی مشخص روی می داد و با بستر اجتماعی و فرهنگی مشخص نیز حمایت می شد و در این شیوه فرد با شناخت خود و دیگری هویت فردی، محلی و ملی را سامان می دهد. خود و دیگری در دنیای واقعی در تعامل رو در رو قرار دارند، تعاملی که مبنای آن بر حضور فیزیکی همزمان خود و دیگری است. بر اساس نظر زیمل (۱۹۸۷) دیگری بر اساس دوری و نزدیکی تعریف می شود، در نتیجه مکان و موقعیت در تعریف خود و دیگری اهمیت دارد. در مقابل فضای دوم فاقد وجود عینی، واقعی و فیزیکی است. این جهان را بایست جهان ارتباط متقابل رایانه ها و جامعه حاصل از این ارتباطها دانست. فضایی که برای ارتباط اذهان و خودهای متعدد بدون حضور جسم و عواقب ناشی از آن تولید و بازتولید می شود. از این رو در این فضا مرزهای محدود کننده از میان برداشته و شخص در مقیاس جهانی با گزینه های فراوانی برای تعامل و انتخاب روبه رو شده است. رابطه ای دیالکتیکی میان امر

واقعی و امر مجازی، میان امر انتزاعی و انضمامی؛ میان فضای دیجیتال و فضای حسی؛ میان من و دیگری، میان فضای عبور و فضای حضور و در نهایت میان امر محلی و امر جهانی زمینه ساز یک «تجربه شهری» جدید در عصر معاصر شده است که فهم آن تنها ذیل توجه به سنتزی است که میان دو گانه های فضایی متضاد در شهر کنونی یا به بیان اشری (۲۰۰۷) در «متاپولیس» کنونی برقرار است. در خلال این تجربه شهری جدید است که روابط اجتماعی فرد نیز ذیل دو گانه «خود و دیگری» دگرپسیدگی پیدا می کند و مختصات سیال خود را شکل می دهد. «خود» و «دیگری» که همزمان در یک بستر «دوفضایی شده» (عاملی، ۱۳۹۰) در تعامل و تقابل فضای مجازی و واقعی زمینه ساز بروز خودها و دیگری های متنوع و متکثری است که هویت سیال و کلاژگونه ای را تولید و بازتولید می کند. تعامل سه گانه بین خود-دیگری-فضا بنیان های تجربه اجتماعی معاصر است که در بستر پارادایم دوجوانی شدن ها و دو فضایی شدن ها قابل درک و فهم است. کلیدواژه های اصلی این سه گانه در دیاگرام شماره ۵ جمع بندی و ارائه شده است.



دیاگرام ۵- تعامل دو فضای موازی و شکل گیری فضای هیبریدی

منابع

۱. ارمکی، آزاد (۱۳۸۱). مدرنیته روشنفکران و پارادایم عقب ماندگی در ایران. تهران: اجتماع.
۲. تاملینسون، جان (۱۹۹۹). جهانی شدن و فرهنگ. ترجمه محسن حکیمی (۱۳۸۱). تهران: دفتر پژوهش های فرهنگی.
۳. جنکینز، ریچارد (۱۳۸۱). هویت اجتماعی. ترجمه تورج یار احمدی. تهران: شیرازه.
۴. رابرتسون، رونالد (۱۳۸۰). جهانی شدن تئوریهای اجتماعی و فرهنگ جهانی. ترجمه کمال پولادی، تهران: نشر ثالث.
۵. ریتزر، جورج (۱۳۹۵). نظریه جامعه شناسی. ترجمه هوشنگ نایی. تهران: نشر نی.
۶. شورت، جان رنای و کیم، یونگ هیوم (۱۳۸۴). جهانی شدن و شهر. ترجمه احمد پوراحمد و شایان قهرمان، تهران: انتشارات جهاد دانشگاهی.
۷. ضیایی، ثریا (۱۳۸۶). جهانی شدن و اقتصاد اطلاعات. اطلاع شناسی، شماره ۱۵ و ۱۶، ص ۱۴۵-۱۶۰.

۸. عاملی و دیگران (۱۳۹۰). جهانی‌شدن (مجموعه مقالات). تهران: سازمان چاپ و انتشارات.
۹. عاملی، سعیدرضا (۱۳۸۲). دوج جهانی‌شدن ها و آینده جهان. کتاب ماه علوم اجتماعی، شماره ۷۰-۶۹.
۱۰. عاملی، سعیدرضا (۱۳۸۷). مطالعات شهر مجازی تهران: رویکرد تحلیلی به فضای عمومی. تهران: انتشارات آوای قلم.
۱۱. عاملی، سعیدرضا (۱۳۹۵). دو فضایی شدن شهر: شهر مجازی ضرورت بنیادین برای کلانشهرهای ایران. فصلنامه انجمن فرهنگ و ارتباطات، شماره ۲ و ۳.
۱۲. عاملی، سعیدرضا (۱۳۹۵). مطالعات جهانی‌شدن: دو فضایی شدن ها و دوج جهانی‌شدن ها. سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها.
۱۳. قورچی، مرتضی (۱۳۹۴). نوشتارهایی در باب جهانی‌شدن، شهرهای جهانی و نقش فراملی شهرها. تهران: مرکز مطالعات و برنامه ریزی شهر تهران.
۱۴. کاستلز، مانوئل (۱۳۸۰). جامعه شبکه ای و عصر اطلاعات. ترجمه احمد عقیلان و افشین خاکباز. تهران نشر طرح نو.
۱۵. کاستلز، مانوئل (۱۳۸۴). عصر اطلاعات: اقتصاد، جامعه و فرهنگ: ظهور جامعه شبکه ای. ترجمه احد علیقلیان و افشین خاکباز. تهران: طرح نو.
۱۶. گل محمدی، احمد (۱۳۹۶). جهانی‌شدن، فرهنگ، هویت. نشر نی.
۱۷. مک لوهان، مارشال (۱۳۷۷) برای درک رسانه ها. ترجمه سعید آذری. مرکز تحقیقات صدا و سیما.
18. Archer, M. (1991). Sociology for one world: unitary ana diversity. *International sociology*, 6.2, 131-44.
19. Ascher, F. (2007). Multi-Mobility, Multispeed Cities: a challenge for architects, town planners and politicians. *Rotterdam Architecture Biennial*, 19(1), 23.
20. Batty, M. (1990). Invisible Cities. *Environment and Planning B: Planning and Design*, 17(2), 127-130.
21. Betts, F. (1994). On the Birth of the communication age: a Conversation with David Thornburg, *Educational Leadership*, pp. 373-96, London, Sage
22. Castells, M. (1999). The information age: economy, society and culture, volume III" the end of millennium, Great Britain, Blackwell Publishers.
23. Castells, M. (2004). Space of flows, space of places: Materials for a theory of urbanism in the information age. In *The Cyber cities reader* (pp. 572-582). Routledge.
24. Castells, Manuel. (1996). the rise of the network society. Oxford Blackwell.
25. Cohen, R., & Kennedy, P. T. (2000). *Global sociology*. Basingstoke: Macmillan.
26. Giddens, A. (1994). Living in the post-traditional society, in Beck, Giddens and Lash, *Reflexive Modernization*, pp. 56-109.
27. Giddens, A. (2001b). Dimensions of globalization, in S. Seidman and F. C. Alexander, the new social theory reader, polity press, London and New York.
28. Goffman, E. (1959). *Presentation of Self in Everyday Life*. Garden City, Anchor Books.
29. Held, D. & McGrew, A. (2002), *globalization/anti-globalization*, Cambridge, Polity Press.
30. Jeni Paay & Bharat Dave & Steve Howard (2007) "Understanding and representing the social prospects of hybrid urban spaces," *Environment and Planning B: Planning and Design*, Pion Ltd, London, vol. 34(3) 446-46
31. Kwok- bun Chan (2003) Inner hybridity in the city: Toward a critique of multiculturalism, *Global Economic Review*, 32:2, 91-105.
32. McCullough, D. (1998). Web-based market research users in a new age, *AlrcrketingiVeuj*s, Vol. 32, pp. 27-28
33. Patkar, M. R., Keskar, Y. M., (2014). Hybridization as a New Paradigm of Urban Development in Metropolitan City, a Case of Pune City, India. *International Journal of Innovative Research in Science. Engineering and Technology*. Vol. 3, Issue 1.
34. Pieterse, J. N. (1995). Globalization as Hybridization, in Featherstone, M., Lash, S. et al. *Global Modernities*, SAGE Publications, pp. 45-68.
35. Schuerkens, U (2003). The sociological and anthropological study of globalization and localization, in *Current Sociology*, Vol.51, pp. 209-222.
36. Sheller, M. and Urry, J. (2003), *Mobile Transformations of public and private life*, in *Theory, culture and society*, Vol. 20(3), pp. 107-125.
37. Simmel, G., & Wolff, K. H. (1969). *The sociology of Georg Simmel*. New York: Free Press.

بررسی علل نارضایتی شهروندان از شهرداری ها مورد مطالعه شهرداری اسکو

تاریخ دریافت: ۹۹/۰۹/۰۳

تاریخ پذیرش: ۹۹/۱۱/۰۵

کد مقاله: ۲۱۴۰۵

هادی منافزاده^۱، سحر طوفان^۲*

چکیده

شهرداری نهادی است عمومی و غیردولتی که در قبال اخذ وجوهات و عوارض های مصوب، اقدام به ارائه خدمات مندرج طی ماده ۵۵ قانون شهرداری ها می نماید. هدف از این پژوهش بررسی علل نارضایتی شهروندان از شهرداری اسکو -علی الخصوص در حوزه های مدیریتی، خدماتی و شهرسازی- بوده که حسب آن سعی شده است تا با بهره گیری از ادبیات موجود به بررسی علل نارضایتی از بخش های مذکور پرداخته شود. روش جمع آوری اطلاعات در این پژوهش به صورت میدانی و کتابخانه ای بوده که حسب آن از تحلیل اطلاعات به دست آمده از پرسشنامه ها، اطلاعات مربوطه استخراج، جمع بندی، آسیب شناسی و رفع آسیب شده اند. جامعه ی آماری پژوهش حاضر نیز شهروندانی هستند که در طول این پژوهش به نحوی از خدمات شهرداری اسکو بهره برده اند. نتایج پژوهش حاصله حاکی از آن است که منفک و مجزا سازی برخی از وظایف محوله به شهرداری ها و واگذاری آن به سایر ادارات، نبود ردیف بودجه مصوب و یا منابع مالی پایدار برای شهرداری ها، تبعیض در ارائه خدمات به نواحی مختلف شهر، تفسیر به رای نمودن قوانین، عدم کارایی شهردار منتخب شوراها در اداره امورات شهر و شهرداری و وجود پروسه های زائد اداری از جمله عواملی هستند که ضمن ایجاد ضعف در شهرداری ها، سبب ایجاد نارضایتی در شهروندان گردیده و همین امر نیز سبب کاهش مشارکت شهروندان در اداره امورات شهر گردیده است. به نظر می رسد با مجزا نمودن قدرت از بدنه تخصصی شهرداری ها، تمرکزگرایی در سیستم خدمات رسان شهری، کاهش موازی کاری ها، رفع اختلاف در وظایف دستگاه های ارائه دهنده خدمات عمومی و مشخص نمودن دستگاه مسئول، شفافیت مالی شهرداری ها و تسریع در پاسخگویی، کاهش بهاء خدمات ارائه شده و... می توان به مشکلات و معضلات مطروحه فائق آمد.

واژگان کلیدی: شهرداری، مدیریت شهری، مشارکت، نارضایتی، عملکرد.

۱- کارشناس معماری و شهرسازی شهرداری اسکو، دانشجوی مقطع دکتری تخصصی معماری، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز. تبریز، ایران.

۲- استادیار و عضو هیات علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز. تبریز، ایران. (نویسنده مسئول) sahar.toofan@gmail.com

۱- مقدمه

شهرداری به عنوان یکی از مهم‌ترین عناصر مدیریت شهری می‌تواند نقش تأثیرگذاری در ارائه خدمات عمومی و اداره پارهای از امور شهری داشته باشد. آن‌ها در مقوله مدیریت و اداره امورات مربوط به مدیریت شهری وظایف متنوع و متعددی دارند که این درجات و وظایف از حاکمیت تام محلی گرفته تا اجرای امورات شهری کم‌اهمیت، متغیر است. (رستمی-عامری، ص: ۱۴۱) در نظام حقوقی ایران، قانون شهرداری‌ها، به عنوان یک قانون معیار بوده که علی‌رغم رشد آگاهی سیاسی و اجتماعی مردم، با نسخ مواد متعددی از آن، رویکردی واپسگرایانه به خود گرفته است بدین نحو که اساسی‌ترین وظایف و اختیارات شهرداری، از آن ستانده و به دولت و یا سایر نهادها و ارگان‌های دولتی واگذار شده است (رستمی-عامری، ص: ۱۴۱) از نتایج این امر می‌توان به افزایش فرآیند زائد اداری، اتلاف وقت، کاغذبازی و ... نهایتاً به نارضایتی مردمی و به تبع آن کاهش مشارکت شهروندان در اداره امور محلی شهر، اشاره نمود.

احساس رضایت شهروندان از محیط شهر و خدمات شهرداری، عامل مهمی در جهت ایجاد انگیزه در مردم برای مشارکت در توسعه شهری و بهبود کیفیت محل سکونت آن‌هاست. علاوه بر آن رضایت شهروندان از عملکرد مدیریت شهری می‌تواند موجب ترغیب آنان برای همکاری با نهادهای شهری در جهت انجام بهتر وظایف و ارائه خدمات مطلوب‌تر در سطح شهر شود، درحالی‌که نارضایتی از عملکرد نهادهای عمومی و احساس تبعیض در ارائه خدمات از سوی شهرداری‌ها در مناطق مختلف شهر موجب یاس، ناامیدی و بی‌مسئولیتی آن‌ها خواهد شد.

ایجاد حس رضایت در شهروندان و مشارکت آنان در اداره شهر نیازمند برنامه‌ریزی منظم و همه‌جانبه است تا مدیریت شهری را قادر سازد با ارائه تصویری مطلوب از شهرداری و ایجاد تعاملی مؤثر، شهروندان را در عرصه فعالیت‌های شهری امیدوار سازد. گام اول در این زمینه طراحی سازوکار مناسب به منظور شناسایی و درک چگونگی نگرش مردم نسبت به عملکرد شهرداری و به تبع آن میزان رضایت‌مندی شهروندان از خدمات شهری است. برای اداء بهتر موضوع، مطلوب است قبل از ورود به بحث اصلی و پرداختن به آسیب‌شناسی و علل نارضایتی مردم از شهرداری‌ها، گریزی به مفاهیم و اهداف مدیریت شهری، وظایف قانونی شهرداری‌ها و چالش‌های پیش روی آن‌ها بیفکنیم.

پژوهش حاضر قصد دارد تا به سوالات زیر پاسخ دهد:

- چرا علیرغم خدمات ارائه‌شده از شهرداری اسکو، شاهد نارضایتی عامه از این مجموعه هستیم؟
- چگونه می‌توان بر اعتماد مردمی و به تبع آن مشارکت مردمی در اجرای خدمات شهرداری‌ها افزود؟

۲- ضرورت تحقیق

شناخت و بررسی علل شکل‌گیری شهرداری‌ها، تدقیق در وظایف قانونی محوله به این اداره و به تبع آن سنجش میزان رضایت عمومی و بررسی و شناسایی علل نارضایتی عموم از این مجموعه، توأم با معرفی راهکارهایی جهت رفع یا کاهش این نارضایتی‌ها می‌تواند ضمن افزایش اعتماد عمومی به بدنه شهرداری‌ها - و در مقیاس کلان دولت مرکزی - سبب افزایش مشارکت آنان گردد. همین امر نیز سبب خواهد شد تا مدیریت شهری بتواند در اجرای وظایف محوله گام‌هایی اساسی‌تر بردارد. بی‌شک بدون شناسایی آسیب‌ها و معضلات موجود در بدنه شهرداری‌ها، امکان رفع و ارائه راهکار جهت رفع آسیب‌های مطروحه میسر نخواهد بود.

۳- اهداف پژوهش

در این پژوهش، دستیابی به اهداف زیر مورد نظر بوده است:

۱. شناخت و معرفی وظایف محوله به شهرداری‌ها با رویکردی به سیر تکوینی قانون ملاک عمل آن‌ها
۲. بررسی مسائل و مشکلات فرا روی مدیریت شهری و شهرداری‌ها
۳. آسیب‌شناسی و بررسی علل نارضایتی عامه از شهرداری اسکو
۴. جمع‌بندی و ارائه راه کارهایی در جهت رفع آسیب‌های مطروحه

۴- روش تحقیق

روش تحقیق اتخاذ شده در این پژوهش، روش تحقیق کیفی می باشد که با جمع‌آوری اطلاعات به صورت میدانی و کتابخانه‌ای، با رویکرد توصیفی به تشریح داده‌ها پرداختیم و سپس با تحلیل بر روی یافته‌ها در پی حصول نتیجه می باشد.

۵- پیشینه پژوهش

قبلا مقالاتی در خصوص سنجش میزان رضایت شهروندان از عملکرد شهرداری‌ها به انضمام مقالاتی با مضامین نقش مدیریت شهری در افزایش مشارکت مردمی، شهر و شهرداری الکترونیک کار شده ولی بطور تحلیلی و گسترده، هیچ مقاله‌ای به مسایل و مشکلات موجود در بدنه شهرداری‌ها و بررسی علل نارضایتی از مجموعه شهرداری‌ها نپرداخته است. علی اکبر نجفی کانی و همکاران طی مقاله‌ی تدوین شده در سال ۱۳۹۳، با عنوان بررسی رضایت شهروندان در حاشیه شهرهای میانی (مطالعه موردی شهر بابل) صرفا به مقوله خدمات شهری پرداخته و طی آن موفقیت شهرداری را منوط به تامین آسایش و امنیت شهروندان دانسته است. سعید هادی زاده فیروز جایی و همکارانش، در سال ۱۳۹۲، در مقاله‌ای با عنوان تحلیل نقش شهرداران به عنوان ارگان اصلی مدیریت شهری و اثرات آن بر ساختار فضایی شهر بابل، تغییر مکرر متصدیان مسئولیتهای مرتبط با مدیریت شهری و ضعف کارایی آن‌ها، به انضمام تعدد در مراجع تصمیم‌گیری در امور شهری را سبب شکل‌گیری زائده‌های فیزیکی در پیکره شهر بابل دانسته است. میر نجف موسوی و همکارانش، در سال ۱۳۹۲، در مقاله‌ای با عنوان تحلیلی بر نقش عوامل تأثیر گذار بر عملکرد شهرداری‌ها و سنجش میزان رضایت‌مندی شهروندان (مطالعه موردی یزد) احساس رضایت شهروندان از محیط شهر و خدمات ارائه‌شده شهرداری را عامل مهمی در ایجاد انگیزه در مردم برای مشارکت در توسعه شهری دانسته و با بررسی وضعیت مالی شهرداری‌های یزد بر سنجش میزان رضایت‌مندی شهروندان یزد از خدمات ارائه‌شده توسط شهرداری‌های مناطق مختلف یزد پرداخته است. علی قربانی و همکارانش در سال ۱۳۹۵، در مقاله‌ای با عنوان بررسی زیرساخت‌های استمرار شهرداری الکترونیک در شهر تبریز، ایجاد شهرداری الکترونیک را در بهبود ارائه خدمات شهری و رضایت شهروندان مؤثر دانسته‌اند. عبدالله محمودی و همکارانش در سال ۱۳۹۳، در نوشتاری با عنوان تأثیر استمرار شهرداری الکترونیکی بر شفافیت عملکرد شهرداری‌ها، ایجاد شهرداری الکترونیکی را باعث کاهش هزینه‌های پرسنلی و اداری و سیستماتیک شدن فرآیندهای خدماتی دانسته‌اند. محمود یزدانی امیری و همکارانش در سال ۱۳۹۲، در پژوهشی با عنوان مشکلات حقوقی شهرداری‌ها در اداره شهرهای ایران، پراکندگی قوانین شهرداری‌ها و مؤثر نبودن آن‌ها، منطبق نبودن قوانین با نیازهای جامعه، برخورد سلیقه‌ای با قوانین و ... را موجب ایجاد مشکلات پیچیده برای شهرداری‌ها دانسته است.

جدول ۱- جدول واژه‌شناسی تخصصی پژوهشی-منبع: نگارندگان، ۱۳۹۹

ردیف	واژه/ اصطلاح	تعریف	مضمون
۱	مدیریت	به فرایند سازماندهی و یکارگیری مؤثر و کارآمد منابع سازمانی-اعم از مادی و انسانی- و همچنین هدایت و کنترل آن‌ها در راستای تحقق اهداف سازمانی، اطلاق می‌گردد. در حقیقت مدیریت، فرایند و روش نیل به اهدافی است که برای یک سازمان لحاظ شده است(والائی؛ ۱۳۸۷: ۳۶۹).	سازماندهی
۲	مدیریت شهری	عبارت است از اداره امور شهری در راستای ارتقای مدیریت پایدار در مناطق مختلف شهری، با لحاظ اهداف و سیاست‌های اقتصادی و اجتماعی کشور یا می‌توان گفت مدیریت شهری به عنوان چارچوب سازمانی توسعه شهر، به سیاست‌ها، برنامه‌ها، طرح‌ها و عملیاتی اطلاق می‌شود که بتواند بین دو مقوله اساسی رشد جمعیت و تامین زیرساخت‌های اساسی مورد نیاز آن توازن و هماهنگی ایجاد نماید(والائی؛ ۱۳۸۷: ۳۷۰).	چارچوب سازمانی
۳	مدیریت یکپارچه شهری	به معنی یکپارچه سازی برنامه‌ریزی، تامین زیرساخت‌های شهری و همچنین یکپارچه سازی نهادی و سازمانی است (Mc Gill.2001,347-354).	تعریف و قانونمندی
۴	رضایت	عبارت است از میزان ارضای امیال فرد، به گونه‌ای که با رفع نیازهای فرد، رضایت و خشنودی وی بیشتر شود (کوشا؛ ۱۳۷۹: ۸۸).	خشنودی جمعی
۵	مشارکت	معادل واژه Participation است. این کلمه از کلمه Part به معنی جز، بخش گرفته شده و از ریشه لاتین Participation به معنای با خود داشتن و سهیم شدن در چیزی یا گرفتن قسمتی از آن است(آریانپور و کاشانی؛ ۱۳۷۴: ۲۸۵).	همکاری عمومی

۶- شهرداری‌ها و سیر تکوینی آن در ایران

سابقه تشکیل شهرداری، به مفهوم امروزی، مربوط به زمان تشکیل حکومت مشروطه (در دوره قاجار) بوده که حسب آن شهرداری‌ها با تصویب قانون بلدیة در سال ۱۲۸۶ شمسی پا به عرصه وجود نهادند. عبارتی اولین مجوز قانونی تشکیل شهرداری در ایران مصادف با زمان تصویب قانون بلدیة در سال ۱۲۸۶ است. این قانون با این طلیعه که مقصود اصلی تاسیس بلدیة، حفظ منافع شهر و ایفای حوائج اصلی شهر (منجمله نظافت و تامین نان) در ۵ فصل و ۱۰۸ ماده به تصویب رسیده است (نایمی؛ ۱۳۴۹: ۲۳-۱۹). با روی کار آمدن دولت سید ضیاء وی برای عملی کردن اهدافش، تصمیم به ادغام و یکپارچه سازی نهادهای مستقلی نظیر شهرداری با دولت نمود به این جهت با تدوین نظام نامه ای در هیات دولت اداره بلدیة را به دولت وابسته نمود. رضاخان نیز با تصویب لایحه جدیدی برای بلدیة ها - سال ۱۳۰۹- دست دولت را در اداره انجمن بلدیة باز گذاشت(رضایی

زاده؛ ۱۳۹۰: ۴۹). در قانون بلدیه سال ۱۳۰۹ شمسی، سبک و روش اداره شهر ترکیبی از تمرکز و عدم تمرکز بود (طاهری؛ ۱۳۸۹: ۲۰۱). از یک سو با اعطای شخصیت حقوقی به شهرداری‌ها بر اختیار و اعتبار مالی آن‌ها افزوده شد و از سوی دیگر با متمرکز ساختن حق تصمیم‌گیری درباره مسائل مهم شهری در وزارت داخله و هیات دولت، شرکت مردم در اداره امور به میزان قابل توجهی کاهش یافت (بهرامی؛ ۱۳۸۸: ۲۰-۱۹). در سال ۱۳۱۵ شمسی، واژه شهرداری جایگزین واژه بلدیه شد (زمانیان جهرمی؛ ۱۳۹۰: ۷۹). نهایتاً در سال ۱۳۳۴، لایحه پیشنهادی وزارت کشور به انضمام لوایح متمم آن، با اصلاحاتی به تصویب رسید. هدف تفویض سیستم مدیریت شهری، تقویت فرآیند توسعه شهری و به دنبال آن تامین آسایش شهروندان است. در قالب این هدف کلان میتوان سه هدف خرد برای تمامی سیستم‌های مدیریت شهری تعیین نمود:

- حفاظت از محیط فیزیکی و کالبدی شهر
 - تلاش در راستای توسعه اقتصادی و اجتماعی شهر و نهایتاً تلاش برای رسیدن به یک توسعه پایدار شهری
 - ارتقاء، تسهیل و بهبود شرایط کار و زندگی شهروندان (طاهرخانی؛ ۱۳۷۹: ۴ و ۵).
- سازمان ملل متحد برای ارتقای مدیریت شهری، ارتقای مردم‌سالاری و تحقق اهداف آن، به موضوعات ذیل تاکید نموده است:
- بازنگری در ماهیت دولت و جایگاه مدنی آن
 - تعیین راهبردهای شهری و توسعه آن با تکیه بر جلب مشارکت مردمی
 - شفافیت مالی در تمام سطوح مالی و اجرایی
 - آزادی اطلاعات
 - اخلاق مداری و تبیین ضوابط اخلاقی بر رفتارهای مدیران شهری (صرافی؛ ۱۳۷۹: ۸۱).

۷- وظایف قانونی شهرداری

رشد سریع جمعیت و افزایش میزان جمعیت شهرنشین و تبعات ناشی از آن، توسعه شهری را با چالشی جدی مواجه نموده است. عدم هماهنگی بین نیازهای ساکنین شهر با امکانات و توانایی‌های سازمان‌های محلی و مدیریت شهری، سبب ایجاد نوعی گسست میان ساکنان شهری با مدیریت شهری گردیده و به نوعی مدیریت شهری را با یک چالش اساسی مواجه ساخته است. بورژوا و کاستلر چالش‌های فراروی مدیریت شهری را به شرح ذیل بیان نموده اند:

- ایجاد بنیه اقتصادی برای شهرها
- تامین زیرساختهای شهری
- افزایش سطح کیفی زندگی
- تضمین یکپارچگی اجتماعی
- تضمین و شکل‌گیری حکمروایی شهری

قانونگذار طی ماده ۵۵ قانون شهرداری‌ها، اقدام به برشمردن وظایف شهرداری‌ها نموده است (حجتی اشرفی؛ ۱۳۸۶: ۲۶-۲۳). در یک تقسیم‌بندی کلی می‌توان وظایف شهرداری‌ها را در قالب وظایف و صلاحیتهای اجرایی و وظایف و صلاحیتهای پلیسی تقسیم‌بندی نمود؛ که صلاحیتهای اجرایی - شهرداری - مشمول وظایف مالی، عمرانی، حقوقی و اجتماعی آن بوده درحالی‌که وظایف پلیسی مربوط به نظم عمومی و مسایل مرتبط با آن است.

الف) وظایف اجرایی شهرداری‌ها را می‌توان به‌صورت زیر عنوان نمود:

وظایف مالی: برابر بند ۸ ماده ۵۵ قانون شهرداری‌ها، برآورد و تنظیم متمم بودجه و اصلاح و تفریغ بودجه شهرداری‌ها از وظایف شهرداری است (قربانی؛ فرج‌الله؛ ۱۳۷۶: ۷۵). از طرفی برابر با بند ۲۶ ماده ۵۵ همین قانون، پیشنهاد برقراری یا الغاء عوارض شهر و همچنین تغییر نوع و میزان آن - بر اساس وضعیت معیشتی مردم و اقتصاد جامعه - از وظایف شهرداری است (قربانی؛ ۱۳۷۶: ۷۵).

وظایف حقوقی: وفق بند ۷ ماده ۵۵ قانون شهرداری‌ها، حفظ و اداره دارایی‌های شهری (اعم از منقول و غیر منقول) و اقامه دعوی علیه اشخاص و دفاع از دعاوی اشخاص علیه شهرداری، از وظایف حقوقی شهرداری‌هاست (قربانی؛ ۱۳۷۶: ۷۵).

وظایف عمرانی: از جمله وظایف عمرانی شهرداری‌ها که در ماده ۵۵ قانون شهرداری‌ها به صراحت بیان شده است، عبارتند از: ایجاد و نگهداری خیابان‌ها و کوچه‌ها، میدان‌ها، باغ‌های عمومی، مجاری آب و توسعه معابر در حدود قوانین موضوعه مندرج در بندهای ۱ و ۲ ماده ۵۵ (قربانی؛ ۱۳۷۶: ۷۳). ایجاد غسالخانه و گورستان عمومی، تهیه وسایل حمل‌اموات و مراقبت در انتظام امورات آن‌ها، موضوع بند ۱۳ (قربانی؛ ۱۳۷۶: ۷۵). تهیه و تعیین میدان‌های عمومی برای خرید و فروش ارزاق و توقف وسائط نقلیه و غیره موضوع بند ۱۸، احداث بناها و ساختمان‌های موردنیاز عمومی نظیر رختشویخانه، سرویس بهداشتی، حمام عمومی، کشتارگاه، میدان‌ها و باغ کودکان مندرج در بند ۲۱ ماده ۵۵ (قربانی؛ ۱۳۷۶: ۷۷) اشاره کرد.

وظایف اجتماعی: برابر با بند ۵ ماده ۵۵ قانون شهرداری‌ها، جلوگیری از تکدی گری و گدایی و واداشتن گدایان به کار و توسعه آموزش عمومی و ... از وظایف شهرداری‌هاست (قربانی؛ ۱۳۷۶: ۷۴).

بند ۲۲ نیز به تشریک مساعی شهرداری در حفظ بناها و آثار باستانی شهر و ساختمان های عمومی، مساعد و ... اشاره دارد. (ب) وظایف پلیسی شهرداری‌ها:

پلیس اداری: تامین نظم، امنیت، ایمنی و سلامت شهر از مهم ترین وظایف پلیس اداری است. از این رو نظافت، نگهداری، تسطیح معابر و نهر های عمومی و مجاری آب ها و فاضلاب ها، مندرج در بند ۲ ماده ۵۵، رفع سد معبر عمومی، اشغال پیاده رو ها و استفاده غیرمجاز از آن ها و آزاد نمودن اماکن یاد شده از وظایف شهرداری ها مندرج در تبصره ۱ بند ۲ ماده ۵۵ است. مراقبت در امور بهداشتی ساکنین شهر، موضوع بند ۴ و اتخاذ تدابیر مؤثر و انجام اقدامات لازم برای حفظ شهر از خطر سیل و حریق موضوع بند ۱۴، جلوگیری از ایجاد و تاسیس کلیه اماکنی که به نحوی موجبات مزاحمت برای ساکنین را فراهم می آورند یا مخالف اصول بهداشتی در شهرها هستند، از دیگر وظایف شهرداری ها، مندرج در بند ۲۰ می باشد.

ج- وظایف پلیس قضایی: در قانون شهرداری و سایر قوانین موضوع به صراحت به وظایف شهرداری ها از این منظر توجهی نشده است. لذا در این خصوص باید با تسامح به تبصره مندرج در بند ۲۴ ماده ۵۵، اشاره نمود که به شهرداری ها، راسا اجازه ی تعطیلی محل کسب بدون پروانه را به وسیله مامورین خود اعطا نموده یا حسب ماده ۱۰۰ قانون شهرداری ها، به شهرداری اجازه جلوگیری از تخلفات ساختمانی را صادر نموده است.

در موضوع رفع خطر از بناها و دیوارهای شکسته و خطرناک واقع در معابر عمومی -موضوع بند ۱۴ - قانونگذار صریحا مسئولیت رفع خطر یا مزاحمت از موارد اعلامی را در صورت استتکاف مالکین، به شهرداری ها واگذار نموده است. (رستمی-عامری، ص: ۱۵۵)

حال با توجه به موارد مطروحه و لحاظ محتوی قوانین مندرج در قانون شهرداری ها محرز و مشخص می گردد، قانون تدوین شده برای شهرداری های ایران -که عمدتا از قوانین کشورهای بلژیک و فرانسه اقتباس گردیده- علیرغم قدمت ۶۵ ساله خود، از جامعیت در حد قابل قبولی برخوردار بوده ولی علی رغم جامعیت قانون ملاک عمل شهرداری ها، میزان رضایت از عملکرد این نهاد نامطلوب است. میزان شکایات وارده به مراجع قضایی-منجمله دیوان عدالت اداری - اعتراضات رخ داده از عملکرد شهرداری ها و ... نیز گواه این ادعاست که در این مقاله به آن ها خواهیم پرداخت.

کیفیت مدیریت شهری نه تنها بر چگونگی پرداختن به این چالشها بستگی دارد بلکه با یکپارچگی آن ها برای ایجاد انسجام در توسعه شهری نیز مرتبط است (برک پور و اسدی؛ ۱۳۸۸: ۴۲).

۸- آسیب شناسی و بررسی علل عمده نارضایتی شهروندان

الف- انتخاب شهردار: فصل پنجم از قانون شهرداری ها طی مواد ۵۰ تا ۵۳ به انتخاب شهردار پرداخته است. به موجب ماده ۵۰ و نیز بند ۲ ماده ۷۱ قانون تشکیلات، وظایف و انتخابات شوراهای اسلامی شهر، مصوب ۱۳۷۵، قانونگذار انتخاب شهردار را از وظایف اصلی شوراهای شهر دانسته است. مطالعات صورت گرفته حاکی از آن است که با تصویب قانون مذکور و واگذاری حق انتخاب شهرداران به شوراهای شهر، شهرهای کشور عملا شاهد پسرفت و انحطاط نهاد حقوقی، عمومی و غیر دولتی شهرداری ها بوده اند. به بیان بهتر دیدگاه سنتی موجود در شوراهای شهر-علی الخصوص در شهرهای کوچک و کم جمعیت - سبب گردیده تا شوراهای شهر، بدون توجه به وظایف محوله قانونگذار به شهردار و شهرداری ها و لحاظ توانایی های فردی شهردار، اقدام به انتخاب و معرفی وی نمایند (زمانیان جهرمی، ص: ۸۳) که همین امر نیز سبب بروز مشکلات آتی در شهر و بدنه شهرداری ها گردیده و موجب نارضایتی شهروندان شده است.

از سویی شهردار منتخب برای حفظ منزلت و جایگاه خود مجبور به تمکین به نظر اعضای شورای شهر بوده و همین امر در بسیاری از موارد سبب نقض پارهایی از ضوابط و قوانین شهری و شهرسازی خواهد شد. به بیان دیگر انتخاب شهردار توسط شوراهای شهر، زمینه ساز قانون گریزی شهرداران -به جهت عدم نظارت مستمر - را فراهم ساخته است.

ب- تعدد ضوابط و قوانین و مغایرت آن ها با هم: تعدد قوانین و ضوابط و حتی وجود تناقض در قوانین، سبب گردیده تا عوامل شهرداری ها در اجرای قوانین یا تفسیر آن ها دچار ابهام شوند که این ابهام ضمن سردرگمی عوامل شهرداری، سبب ایجاد عملکرد سلیقه ایی در عوامل شهرداری گردیده و همین تناقض ایجاد شده در اجرای امورات مشابه و در بازه های زمانی مختلف سبب ایجاد نارضایتی در افراد جامعه گردیده است. به عنوان مثال در تبصره ۵ ماده صد قانون شهرداری ها، فضای مورد نیاز پارکینگ برای هر واحد مسکونی ۲۵ مترمربع لحاظ گردیده که این مقدار در مبحث چهارم مقررات ملی ساختمان بر اساس نحوه آرایش خودرو ها تعریف و بسته به آن به میزان ۵*۲ یا ۶*۲ مترمربع تقلیل یافته است.

ماده ۹۹ قانون شهرداری ها، تهیه مقررات برای کلیه اقدامات عمرانی از قبیل قطعه بندی، تفکیک اراضی، خیابان کشی، ایجاد باغ و ساختمان، ایجاد کارگاه و کارخانه و همچنین تهیه مقررات مربوط به حفظ بهداشت عمومی حریم شهرها، با توجه به نقشه عمرانی شهر، از وظایف شهرداری ها دانسته (قربانی؛ ۱۳۷۶: ۸۷) و حسب آن قانونگذار طی ماده ۱۰۰ قانون شهرداری ها، مالکین

کلیه اراضی واقع در محدوده و حریم شهرها را مکلف به اخذ پروانه ساختمانی، قبل از هرگونه عملیات عمرانی دانسته و طی قانون تعاریف محدوده و حریم شهر، روستا و شهرک و نحوه تعیین آن‌ها، قانونگذار شهرداری‌ها را مکلف به نظارت بر حرایم شهری دانسته است.

این در حالی است که تاکنون، ماده ۹۹ قانون شهرداری‌ها در شهرهای ایران اجرا نشده و از طرفی برخی از وظایف محوله به شهرداری‌ها، طی ماده فوق‌الذکر، به اداره راه و شهرسازی-مسکن و شهرسازی سابق- واگذار گردیده است. از طرفی با تصویب قانون حفظ کاربری اراضی و باغ‌ها نقش و آزادی عمل شهرداری‌ها در اجرای ماده ۹۹ قانون شهرداری‌ها کم رنگ تر شده است. به بیان دیگر شهرداری‌ها که خود قبلاً به عنوان دولت محلی، راساً به استعلامات وارده مربوط به اراضی واقع در حریم شهرها پاسخگو بوده اند، حال مجبورند قبل از پاسخگویی به استعلامات وارده اقدام به اخذ نظر سایر ارگان‌ها، منجمله جهاد کشاورزی نمایند.

سلب برخی از اختیارات مقرر در قانون شهرداری، از شهرداری‌های کشور و واگذاری آن به سایر دستگاه‌های دولتی سبب عدم تمرکز گرایی در مدیریت شهری گردیده و همین امر سبب تنزل نقش مدیریت شهری به پیمانکار عمده که صرفاً مسئول انجام وظایف خدماتی است و نه مدیریتی گردیده است. همین امر سبب گسترش نامعقول و غیرکارشناسی بدنه دولت، تداخل وظایف و به تبع آن مخدوش شدن پاسخگویی ارکان دولتی گردیده است. از طرفی سلب برخی از اختیارات شهرداری‌ها و تجزیه و خودمختاری برخی از ادارات زیر مجموعه شهرداری از آن سبب، گردیده تا شهرداری‌ها در صدور پروانه ساختمانی -علی‌الخصوص در حریم شهرها -اقدام به استعلام از ۲۰ ارگان دولتی نمایند؛ که همین امر ضمن طولانی نمودن پروسه مربوطه، سبب زمان بر بودن فرآیند مذکور گردیده و زمینه ساز اعتراضات و عدم رضایت شهروندان خواهد شد. عدم هماهنگی ارگان‌های دولتی با هم و به تبع آن استقلال مالی نهادهای مطروحه ضمن بروز پارهایی از مسائل و کاغذبازی‌ها، سبب تحمیل هزینه های مضاعف به مالکین گردیده است.

ج- طرح‌های شهری و مسایل مربوط به آن: ماده ۷ قانون تاسیس شورای عالی شهرسازی و معماری ایران، شهرداری‌ها را مکلف به اجرای ضوابط و طرح‌ها و مصوبات آن مرجع نموده و صلاحیت اظهار نظر در خصوص تغییرات اساسی و غیر اساسی مطروحه را به کمیسیون مندرج در ماده ۵ همین قانون، محول نموده است. (حجتی اشرفی؛ ۶۸۱) این در حالی است که طرح‌های توسعه شهری -اعم از طرح هادی، جامع، تفضیلی و... - توسط مشاورین غیر بومی و نا آشنا به شهر و محیط شهری شهر مورد مطالعه تدوین و تهیه شده و نهایتاً بدون بررسی سوابق پرونده‌های موجود در شهرداری، وضعیت موجود ملک، مصوبات قانونی اخذ شده از کمیسیون‌های ذیصلاح -نظیر کمیسیون ماده ۵- و بدون اطلاع مالکین، بر اساس نقشه هوایی و با مینا قراردادن طرح قبلی مصوب، تهیه و پس از طی تشریفات قانونی مربوطه تصویب و جنبه اجرایی می‌یابند. از سویی فرآیند بررسی و تهیه آن‌ها زمان بر بوده به گونه ای که طرح تصویب شده -مثلاً- در سال ۱۳۹۰، بر پایه مطالعات رخ داده در سال ۱۳۸۰ تصویب و اجرا می‌شوند که همین امر نیز سبب بروز مشکلات عدیده ایی هم برای مالکین و هم برای شهرداری‌ها شده است.

استانی بودن کمیسیون‌های ماده ۵ و زمان بر بودن پروسه رسیدگی به تقاضای مالکین در کمیسیون‌های مذکور، اعمال سلیقه ایی اعضا کمیسیون در مجوزات صادره و ... نیز از دیگر مواردی است که موجبات نارضایتی شهروندان از اقدامات شهرداری‌ها را فراهم آورده است.

د- اعلام خودکفایی شهرداری‌ها و الزام نمودن آن‌ها به تامین منابع مالی مورد نیاز خود: نبود بودجه مصوب دولتی برای شهرداری‌ها و اعلام خودکفایی آن‌ها با توجه به وضعیت اقتصادی جامعه و لحاظ وظایف خطیر محوله، شهرداری‌ها را در اجرای بخشی از وظایف و نیازهای عمومی به تنگنا کشانده است. همین امر سبب گردیده تا شهرداری‌ها در راستای تامین منابع مالی مورد نیاز خود اقدام به افزایش عوارضات شهری نمایند که این امر نیز به جهت وضعیت معیشتی مردم، تورم و ... سبب بروز نارضایتی‌هایی در سطح جامعه شده است.

استفاده از روش‌های سنتی و وقت گیر در پاسخگویی به استعلامات وارده -علی‌الخصوص در شهرهای کوچک- عدم وجود بایگانی منسجم- عدم وجود نقشه‌های بروز شهری و ... همه و همه از دیگر مواردی هستند که سبب ایجاد وقفه در پاسخگویی به شهروندان می‌باشند.

۹- پیشنهاد‌های برای رفع آسیب‌ها

با عنایت به تجربیات اخذ شده در سنوات اخیر، پیشنهاد می‌گردد اولاً نظام سیاسی حاکم بر کشور از نظام تخصصی آن جدا گردد بدین صورت که شهرداری‌ها از مجموعه سیاسی وزارت کشور خارج و به زیر نظر ارگان تخصصی تر نظیر راه و شهرسازی هدایت شوند یا با تعریف مجموعه ایی جدید و تجمیع یافته و در عین نظام مند و واحد، ارگان‌های تخصصی و مهندسی کشور - نظیر راه و شهرسازی، شهرداری‌ها، نظام مهندسی، بنیاد مسکن و... - اقدام گردد و ثانیاً وفق آن انتخاب شهرداران از وضعیت کنونی خارج و شهرداران توسط نخبگان آن نهاد تخصصی شکل یافته، با لحاظ تجربه، توان مدیریتی افراد، کارآیی و سوابق تخصصی انتخاب و بر اعمال آنان نیز مستمراً نظارت گردد.

البته این به معنی حذف شوراهای شهر نبوده و شوراهای شهر نیز می‌توانند کما فی السابق با اصلاح قوانین مربوطه، به عنوان شورای شهر و نه صرفاً شورای شهرداری، نسبت به شناسایی مسائل و مشکلات شهری، ارائه راه کارها، جلب مشارکت مردمی و از همه مهمتر به عنوان ناظر عام، بر وضعیت مالی شهرداری‌ها نظارت نمایند.

در خصوص تعدد ضوابط و قوانین و بعضاً مغایرت آن‌ها نیز پیشنهاد می‌گردد کارگروهی متشکل از حقوقدانها، نمایندگان مجلس، متخصصین و صاحب نظران حوزه مدیریت شهری و کارشناسان حوزه‌های تخصصی بخش عمرانی کشور (منجمله معماران، شهرسازان، برنامه ریزان شهری و مهندسين عمران) تشکیل تا نسبت به بررسی دقیق قوانین و مصوبات موجود اقدام تا نهایتاً پس از جمع‌بندی مغایرتها، قوانین مربوطه اصلاح و در صورت لزوم نسخ و نهایتاً با لحاظ و همسو سازی وظایف مجموعه مدیریت یکپارچه شهری و وظایف ارگان‌های تحت نظر آن، بروز رسانی و ابلاغ گردند.

در خصوص طرح های شهری نیز پیشنهاد می‌گردد، مطالعات طرحهای مذکور قبل از اتمام مهلت طرح های جاری، با لحاظ وضعیت موجود شهر و چشم انداز افق طرح توسط مهندسين بومی آشنا به محل، عملیاتی شده و طرحهای پیشنهادی و ضوابط منضم به آن نیز در راستای مرتفع نمودن مشکلات شهری، حل و فصل و رفع معضلات و نیازهای اساسی شهر صورت پذیرد.

تشکیل کارگروه فنی در شهرستان، به منظور بررسی و اعلام نظر در خصوص مغایرتهاهای اساسی و غیر اساسی طرح ها نیز می‌تواند مفید واقع گردد و از هدر رفت زمان و سرمایه های گزاف تشکیل کمیسیون های ماده ۵ استانی بکاهد.

در خصوص سایر موارد نیز می‌توان گفت پیگیری سیاستهای کلی نظام در زمینه تمرکزگرایی، واگذاری وظایف و اختیارات منفک شده قبلی به شهرداری‌ها، تعریف و ایجاد منابع پایدار مالی می‌تواند گره گشا باشد.

استقرار شهرداری الکترونیک و ایجاد شفافیت مالی نیز می‌تواند ضمن کاهش مراجعات به شهرداری، از هدر رفت انرژی بکاهد و زمینه را برای مشارکت مردمی مساعد نماید.

مدیران شهری با جلب مشارکت مردم می‌توانند بر توانایی های مدیریت شهری بیفزایند. هر چه توده مردم مشارکت بیشتری در امور خود داشته باشند، امکان کسب رضایت عمومی و به تبع آن کاهش مخالفت ها، تنش ها و موانع اجرایی بیشتر فراهم می شود.

مشارکت مردم در هر یک از مراحل مدیریت شهری، می‌تواند سبب افزایش رضایت‌مندی، مسئولیت پذیری و حس تعلق خاطر شهروندان گردد. از سویی فرآیند مشارکت، علاوه بر جلب رضایت عموم کیفیت تصمیم ها را بالا برده و دولت را تشویق می کند تا با توان بیشتری به یکپارچه سازی ساختار های درونی خود بپردازد.

۱۰- نتیجه گیری

در نظام های توسعه یافته، شهرداری‌ها به عنوان قوه اجرایی محلی یکی از ارکان اساسی مدیریت شهری به شمار می روند. قانونگذار طی قانون شهرداری‌ها، مصوب ۱۳۳۴، توانسته است تا حد مطلوبی، جایگاه شهرداری‌ها را در حد جایگاه یک نهاد مدیریتی شهری پیش بینی نماید؛ اما متأسفانه با تصویب قوانین بعدی، پارهایی از وظایف و اختیارات شهرداری‌ها از آن‌ها ستانده شده و به سایر ادارات و ارگان‌های دولتی واگذار شده است، این امر افزون بر آنکه جایگاه مدیریتی شهرداری‌ها را به جایگاه یک پیمانکار عمده خدماتی تنزل داده، سبب افزایش غیر کارشناسی بدنه دولت - و تداخل وظایف سازمانی آن‌ها نیز گردیده است که همین امر ضمن طولانی تر نمودن پروسه اداری، سبب مخدوش شدن فرآیند پاسخگویی و کاهش مشارکت مدنی شهروندان در امورات شهری محل سکونت خود شده است.

با توجه به نتایج زیان بار واپس گرایی، قانونگذار در سالهای اخیر درصدد بهبود مدیریت شهری و تقویت عناصر اساسی این مدیریت برآمده است. از این رو در قانون برنامه سوم توسعه، به واگذاری وظایف کیفی دستگاه‌های دولتی به شهرداری‌ها توجه و تاکید نموده است، اگر چه به دلیل همسو نبودن مدیران دولتی به ویژه در سطوح عالی، اراده ای برای تحقق مدیریت واحد شهری صورت نپذیرفته است.

بر اساس رویکردهای مورد وفاق، بطور کلی آنچه در این حوزه ضروری است پیگیری سیاست های کلی نظام در زمینه تمرکز زدایی، واگذاری وظایف، گسترش سطوح محلی نظام مدیریت محلی و نیز ایجاد پایداری مالی در اداره امور محلی کشور به انضمام تامین زیرساختهای اجتماعی، اقتصادی و شهروندی است.

توجه به توسعه پایدار و توسعه کرامت انسانی در وظایف و فعالیت‌های شهرداری، کاهش موازی کاریها، رفع اختلاف در وظایف دستگاههای ارائه‌دهنده خدمات عمومی و مشخص نمودن دستگاه مسئول، مجزی نمودن مدیریت سیاسی از مدیریت تخصصی، شفافیت مالی شهرداری‌ها بواسطه ارائه عملکرد مالی از طریق تدوین و ارائه تراز نامه ها و بیلان ها، برنامه‌ریزی مالی و عملکردی، تسريع در پاسخگویی و ارائه خدمات، کاهش بهاء خدمات ارائه‌شده و و تلاش برای ایجاد درآمدهای پایدار برای شهرداری‌ها، واگذاری صلاحیت انتخاب شهرداران به استانداران ها -البته در شرایط فعلی- و نظارت بر اعمال شهردار و کارکنان شهرداری، آموزش عوامل شهرداری، تربیت شهری و شهروندی، سوق دادن شهرداری‌ها به سمت هوشمند سازی، ارائه خدمات تحت وب، بدون نیاز به مراجعه افراد، حذف پروسه‌های زائد و تلاش برای یکپارچگی مدیریت شهری و به تبع آن حرکت بسوی تمرکزگرایی

مدیریت شهری به همراه افزایش مشارکت شهروندان در اداره امور شهری از دیگر مواردی است که توصیه می شود به آن ها پرداخته شود.

منابع

۱. آریانپور، عباس، کاشانی، منوچهر. ۱۳۷۴؛ فرهنگ دانشگاهی انگلیسی به فارسی. انتشارات سپهر.
۲. برک پور، ناصر، اسدی، ایرج. ۱۳۸۸؛ مدیریت و حکمروایی شهری. چاپ اول، دانشکده هنر. تهران.
۳. بهرامی، پورهنک. ۱۳۸۸؛ بودجه شهرداری و مدیریت بودجه بندی در شهرداری‌های ایران. چاپ دوم. تهران. انتشارات سازمان شهرداری‌ها و دهیاری‌های کشور.
۴. رستمی، ولی و عامری، معصومه. ۱۳۹۵؛ شهر در نظام حقوقی ایران و فرانسه، نشریه مطالعات حقوق تطبیقی، صفحات ۱۴۱-۱۶۱.
۵. رضایی زاده، محمدجواد. ۱۳۹۰؛ حقوق برنامه‌ریزی شهری، چاپ اول. تهران. انتشارات مجد.
۶. زمانیان جهرمی، علی. ۱۳۹۰؛ حقوق نظارت قدرت عمومی بر شهرداری‌ها. چاپ اول. تهران؛ دانشگاه امام صادق(ع).
۷. صرافی، مظفر و عبدالهی، مجید. ۱۳۸۷؛ تحلیل مفهوم شهروندی و ارزیابی جایگاه آن در قوانین، مقررات و مدیریت شهری کشور، فصلنامه پژوهش‌های جغرافیایی، شماره ۶۳ دانشگاه تهران.
۸. طاهرخانی، حبیب‌الله. ۱۳۷۹؛ بررسی موردی وظایف و اختیارات شهرداری‌ها، فصلنامه مدیریت شهری، شماره دوم.
۹. طاهری، ابوالقاسم. ۱۳۹۱؛ اداره امور سازمان‌های محلی. چاپ چهاردهم. تهران. انتشارات دانشگاه پیام نور.
۱۰. قربانی، فرج‌الله. ۱۳۷۶؛ مجموعه کامل قوانین و مقررات شهرداری و خدمات عمومی. چاپ پنجم. تهران. انتشارات فردوسی.
۱۱. کوشا، تیمور. ۱۳۷۹؛ بررسی نگرش بومیان نسبت به غیر بومیان و تأیید آن بر مشارکت اجتماعی در شهر بندر عباس. دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه اصفهان.
۱۲. حجتی اشرفی، غلامرضا. ۱۳۸۶؛ مجموعه کامل قوانین و مقررات محشای شهرداری و شوراهای اسلامی. چاپ سوم. تهران. کتابخانه گنج دانش.
۱۳. محمودی، عبدالله و داوودی، کامل. ۱۳۹۳، تاثیر استقرار شهرداری الکترونیکی بر شفافیت عملکرد شهرداری‌ها، دوفصلنامه مدیریت شهری، دوره ۱۳، شماره ۳۵. سازمان شهرداری‌ها و دهیاری‌های کشور.
۱۴. موسوی، میرنجم و سرور، رحیم و باقری کشکولی، علی. ۱۳۹۲، تحلیلی بر نقش عوامل تاثیرگذار بر عملکرد شهرداری‌ها و سنجش میزان رضایت مندی شهروندان مطالعه موردی: شهرداری یزد. فصلنامه مطالعات مدیریت شهری، دوره ۵، شماره ۱۶. دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات.
۱۵. نجفی کانی، علی اکبر و بابائیان، طاهره و کرمی، شهاب. ۱۳۹۲، بررسی رضایت شهروندان از عملکرد شهرداری در حاشیه شهرهای میانی مطالعه موردی: شهر بابل، پنجمین کنفرانس برنامه‌ریزی و مدیریت شهری، مشهد.
۱۶. نیامی، علی. ۱۳۴۹. مدیریت شهرداری، شهرداری در ایران. جلد ۳. چاپ اول. تهران. چاپخانه بازرگانی.
۱۷. والائی، ذکریا. ۱۳۸۷؛ مفاهیم کلیدی در مطالعات شهری و شهرسازی. تبریز: انتشارات افق دانش.
۱۸. هادی زاده فیروزجایی، سعید و خدایی، زهرا. ۱۳۹۲، تحلیل نقش شهرداری به عنوان ارگان اصلی مدیریت شهری و اثرات آن بر ساختار فضایی شهر بابل، فصلنامه مدیریت شهری، دوره ۵، شماره ۱۴. دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات.
۱۹. یزدانی امیری، محمود و کرمی، رقیه و نادری، افشین و سلطانی، فاطمه. ۱۳۹۲، مشکلات حقوقی شهرداری‌ها در اداره ی شهرهای ایران، پنجمین کنفرانس برنامه‌ریزی و مدیریت شهری، مشهد.
20. Mc gill, Ronald. Urban Management Checklist. Cities. Vol18.no.5.pp347-354(2001)

بررسی ارتباط متقابل حکمروایی شایسته شهری و مشارکت شهروندی در مدیریت شهری

تاریخ دریافت: ۹۹/۰۶/۱۷

تاریخ پذیرش: ۹۹/۱۰/۲۱

کد مقاله: ۲۷۰۵۸

ثمینه ابراهیمی دهکردی^۱

چکیده

امروزه رویکرد حکمروایی شایسته شهری به عنوان اثربخش ترین، کم هزینه ترین و پایدارترین شیوه اعمال مدیریت شهری معرفی می شود. تحقق حکمروایی مطلوب شهری در مدیریت شهرها، مستلزم عینیت بخشیدن به مشارکت همه ذی نفعان شامل حکومت، سازمان ها، نهادهای دولتی و غیردولتی، جامعه مدنی و شهروندان در ابعاد گوناگون است. شاخص های مشارکت، شفافیت، قانون مداری، پاسخگویی، عدالت محوری، مسئولیت پذیری، کارایی، اثربخشی و اجتماع محوری در مبانی نظری به عنوان مؤلفه های حکمروایی خوب شهری معرفی شده اند؛ از این روی برای شکل گیری حکمروایی شایسته به ویژه در کشورهای در حال توسعه نیاز به تغییراتی در شیوه های سیاسی - اداری کشور در سطوح کلان و خرد می باشد. تغییرات کلان مربوط به قوانین حقوقی، تمرکززدایی و تعیین سطوح مشارکت در فرایندهای مختلف برنامه ریزی می باشد؛ تغییرات خرد نیز نیازمند برنامه های اجتماعی مثل تغییر در باورها، عقاید و نگرش مردم، ارتقاء سطح آگاهی، اعتماد متقابل میان آنان و مسئولین، ایجاد حس تعلق نسبت به محل سکونت و ... در راستای ترغیب شهروندان به همکاری و مشارکت می باشد. حکمروایی شایسته شهری همراه با مشارکت شهروندی جامعه را به سوی پایداری و ثبات شهری هدایت می کند و باعث تعادل در فعالیتهای اقتصادی، زیست محیطی و کالبدی می شود، لذا اصلاح و بازنگری در نظام مدیریت شهری کشور با نظر به تحولات ساختاری و محتوایی دیدگاه های مطرح در زمینه مدیریت شهری، ضمن مطابقت با رویکردهای نوین و همچنین همخوان با شرایط و ویژگی های اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی حاکم بر شهرهای ایران، به طور جدی مورد تأکید می باشد. نوشتار حاضر سعی دارد تا حد امکان به بررسی و تحلیل مفاهیم، اصول و شاخص های مرتبط با حکمروایی شایسته شهری و رابطه آن با مشارکت شهروندی بپردازد.

واژگان کلیدی: حکمروایی مطلوب، مشارکت شهروندی، مدیریت شهری.

۱- کارشناس ارشد طراحی شهری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز، ایران، samin_brahimii@yahoo.com

۱- مقدمه

پژوهش‌های انجام‌شده نشان می‌دهند که جهان همچنان با روند رو به رشد شهرنشینی روبه‌رو است؛ به گونه‌ای که تا سال ۲۰۲۰ بیش از ۶۶ درصد جمعیت جهان در شهرها زندگی خواهند کرد (Morgan, T. 2003:7). این رشد سریع و بی‌رویه شهرها و انبوه جمعیت شهرنشین جهان، بیش از هر زمان دیگری نه تنها معنای هویت شهری و کارکردهای مورد انتظار از آن را به‌ویژه در شهرهای بزرگ و مناطق پیرامون آن‌ها تغییر داده است؛ بلکه مدیریت شهری را به یکی از پیچیده‌ترین و اصلی‌ترین عرصه‌های روابط حکومت و مردم تبدیل کرده است (James, M, B. 1991:11). جامعه جهانی، امروزه به این نتیجه رسیده است که مشکل عمده مدیریت شهری کمبود منابع مالی یا تکنولوژی مدرن و یا نیروی انسانی ماهر نیست بلکه پیش و بیش از همه، مشکل اصلی در شیوه اداره این عوامل است (ترابی، ع: ۱۳۸۳). وضعیت مدیریت شهری در ایران نیز نشان از آن است که به دلایلی چون تمرکزگرایی، برون‌زا بودن برنامه‌ها و طرح‌های شهری، اقتصاد رانتی و ... مدیریت شهری، از مدیریت یکپارچه و سیستمی فاصله گرفته، بدل به مدیریت بخشی و سلولی همراه با نگرش‌های از بالا به پایین گشته است.

با مطرح شدن الگوی حکمروایی شایسته، دولت‌ها در تلاش‌اند تا این روش مدیریتی را در سه سطح ملی، منطقه‌ای و محلی به اجرا درآورند. به دلیل ناتوانی دولت‌ها در انجام وظایفشان و نیز توسعه سریع شهرنشینی، بحث تمرکززدایی و واگذاری برخی امور دولتی به بخش‌های غیردولتی، نهادهای محلی و شهرداری‌ها مطرح شده است تا زمینه‌ی مناسبی فراهم شود تا دولت، شهروندان و نهادهای خصوصی در ارتباط با یکدیگر به تعامل بپردازند. موضوع مشارکت در شهرسازی، در چند دهه اخیر و به دنبال تغییراتی که در سیستم‌های فکری، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی بشر روی داد اهمیت پیدا کرد. تغییرات نظام‌های فکری، گسترش دموکراسی در جوامع، ناکارآمدی نظام‌های سنتی برنامه ریزی از بالا به پایین و متمرکز؛ درک عمومی از اهمیت مفهوم مشارکت به مثابه ابزاری قوی در حل مسائل و معضلات شهری؛ نظام شهرسازی معاصر را ملزم به به‌کارگیری شیوه‌های مشارکتی جهت دست یافتن به حداکثر کارایی و تحقق طرح‌ها و برنامه‌های شهری گردانیده است. امروزه اهمیت و نقش مشارکت (مابین بخش دولتی، عمومی، بخش‌های خصوصی، نهادهای مدنی، شهروندان) در توسعه‌های شهری بر کسی پوشیده نیست و این امر به یکی از رهیافت‌های بی‌بدیل حوزه شهرسازی و نظام مدیریت توسعه شهری بدل شده است. بدین ترتیب در پارادایم جدید مدیریت شهری، مشارکت شهروندی جایگاه خاصی یافته است (حیدری، ۱۳۹۵).

۲- پیشینه حکمروایی شایسته شهری و مشارکت مردمی

از آنجایی که حکروایی در بیانی ساده، فرآیندی از تصمیم‌سازی و روندی است که تصمیم‌ها در آن به اجرا در می‌آیند، می‌توان آن را به قدمت تمدن بشری دانست (فرزین‌پاک، ۱۳۸۳: ۶۸). اگرچه کاربرد مفهوم حکروایی شهری از اواخر دهه ۱۹۸۰ و از آفریقا آغاز گردید، اما «برایان مک‌لارین»^۱ اولین نظریه‌پرداز است که در سال ۱۹۷۳ به این مفهوم پرداخته است (زیبایی، ۱۳۸۷: ۲). او عقیده دارد تقاضای روزافزون مردم شهرها این است که حکومت شهری باید نسبت به روندهای تغییر در شهر پاسخ‌گوتر، اقداماتش با مسائل شهری و تحول آن‌ها متناسبتر، نسبت به اجتماع مسئول‌تر، به عنوان بخشی از نظام یادگیری بهتر عمل کند و سرانجام نقش مهم در پیش‌بینی، کشف و استقبال از آینده ایفا کند. جهت تحقق این تقاضاها و ارتباط با نظام اجتماع را ضروری می‌داند که متضمن نظام به‌هم‌پیوسته‌ای است که هم حکومت و هم اجتماع را در بر می‌گیرد. (برک‌پور، ۱۳۸۵: ۴۹۱).

موضوع مشارکت در حکمروایی شایسته شهری از اواخر دهه ۱۹۸۰ آغاز شد (کاظمیان، ۱۳۸۶: ۶) و اهمیت آن با مطالعات گسترده افراد بسیاری نمایان گشت؛ که از جمله آن‌ها می‌توان به مطالعات «آنتونی گیدنز»^۲ که به پر مسئولیت بودن دولت، «یورگن هابرماس»^۳ که به بحران مشروعیت دولت و «رابرت نازیک»^۴ که به دولت حداقل پرداختند و همچنین به نظریه رژیم شهری «الکین استون»^۵، اشاره داشت. هر یک از این نظریه‌ها از منظر متفاوت به بحث حکمروایی مطلوب شهری پرداخته‌اند اما نقطه مشترک تمامی آنها، تأکید بر کاهش نقش دولت و افزایش نقش نهادهای غیر دولتی در اداره زندگی اجتماعی و مدیریت سرزمینی و شهری است (برک‌پور، ۱۳۸۵: ۵۶).

در میان مطالعات صورت گرفته با این موضوع در داخل کشور، کمان رودی و جنگجو (۱۳۹۱) در مقاله‌ای با عنوان بسترهای مدیریتی لازم برای تحقق حکمروایی خوب شهری در تهران با استفاده از روش تحلیلی توصیفی و با استفاده از منابع اسنادی کتابخانه‌ای در سطح مناطق ۲۲ گانه تهران ضمن معرفی اصول و شاخص‌های مدیریتی تحقق حکمروایی خوب شهری به بررسی

1 Bryan McLalein
2 Antony Gidzenz
3 Yorgen Habermars
4 Rabert Nazik
5 Alkin Eston

و آسیب شناسی اقدامات شهرداری پرداخته اند و به این نتیجه رسیده اند که گام های متعددی برای فراهم کردن زمینه های اولیه حکمروایی خوب شهری در شهرداری تهران برداشته شده، اما این اقدامات از برنامه ریزی منسجم و همگرایی پایدار مدیریت شهری و دولت برخوردار نبوده و به استقرار و تثبیت بسترهای مدیریتی لازم تحقق حکمروایی خوب منتهی نشده است.

مطالعات بسیاری با هدف نشان دادن نقش مثبت مشارکت مردمی در موفقیت پروژه های شهری و فرایند مدیریت شهری انجام شده است که از این دست می توان به مشکاتی (۱۳۸۴) اشاره داشت؛ وی بیان می دارد که ورود مردم و گروه های اجتماعی به فرایند مشارکت در تصمیم سازی و نظارت بر امور مربوط به خود، از اهمیت فزاینده برخوردار می باشد که تحت تاثیر ساخت اجتماعی جامعه و متاثر از رفتارها، میزان همبستگی جمعی و ارزش ها و انتظارات مردمی می باشد. (انصاری، ۱۳۷۹). همچنین ابراهیم زاده و دیگران (۱۳۹۲) در پژوهش خود با عنوان تحلیل و ارزیابی میزان تحقق پذیری حکمروایی خوب شهری در ایران، با تاکید بر بعد مشارکتی و همکاری (شورای شهر، دولت و شهروندان) به بررسی میزان تحقق پذیری حکمروایی شهری از طریق همکاری متقابل شورای شهر، دولت و شهروندان می پردازند.

با دیدگاهی متفاوت رجبی (۱۳۹۰) در مقاله ای تحت عنوان شیوه های مشارکت شهروندی در فرایندهای توسعه شهری، تاکید می کند در ایران به دلیل بها ندادن به مشارکت مردم در برنامه ریزی های ملی، منطقه ای، شهروندان فقط زمانی از طرح مطلع می شوند که بخواهند پروانه ساخت و ساز ملک شخصی خود را بگیرند که چنین وضعیتی باعث می شود شهروندان احساس تعلق روحی و معنوی کمتری به شهر خود و مدیریت و اداره آن داشته باشند و نه تنها مشوق اجرای طرح های توسعه نباشند، بلکه طرح ها را به خاطر دخل و تصرف در ملک شخصی خود، مانعی قلمداد کنند.

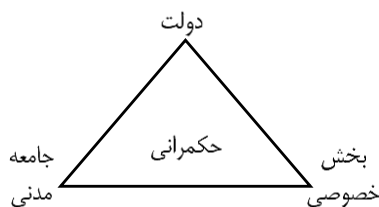
۳- مبانی نظری پژوهش؛ تعاریف و مفاهیم

۳-۱- معنای واژه حکمروایی شایسته

در ادبیات منتشر شده «حکمروایی خوب» را برگردان واژه «Good Governance» عنوان کرده اند. با وجود این اکثر صاحب نظران داخلی معتقدند، به جای ترکیب عربی-فارسی «حکمروایی»، واژه «حاکمیت» را معادل Governance می توان به کار برد و به جای واژه «خوب»، واژه «شایسته» را معادل (Good) قرار داد (اطهاری و همکاران، ۱۳۸۶: ۹). واژه «حاکمیت شایسته» به چند دلیل بر واژه هایی چون حکمرانی یا حکمروایی خوب ترجیح دارد. حاکمیت یک فرایند است تا یک محصول، فرآیندی که در سطوح مختلفی عمل می کند و واژه حاکمیت گویای معنای «Governanc» است (عسگری، ۱۳۷۸: ۱۳۵). از طرفی دیگر موضوع مورد بحث درباره ی خوبی یا بدی حاکمیت نیست؛ بلکه کارآمدی، زندگی و مشارکت مورد نظر است. از این رو واژه شایسته گویای معنای «Good» خواهد بود (اطهاری، ۱۳۸۶: ۳۲). استفاده ما از واژه حکمروایی خوب یا حاکمیت شایسته، گذشته از واژه شناسی، به همان مفهومی است که به وسیله سازمان های جهانی توسعه به کار گرفته شده است. به طور کلی، در ادبیات منتشر شده در سال های اخیر، واژه های «حکمرانی خوب شهری»، «حکمروایی خوب شهری» و «حاکمیت شایسته شهری» بیش از سایر اصطلاحات، مورد نظر کارشناسان بوده است؛ اما با وجود این، آنچه مورد اهمیت می باشد، مفهوم و اصول رویکرد مورد نظر است. حکمروایی، ساز و کارها فرایندها و نهادهایی را در بر می گیرد که از طریق آن ها شهروندان و گروه ها علائق خود را ابراز نموده، اختلاف هایشان را حل و فصل می کنند و از حقوق و الزامات قانونی خود بهره مند می شوند.

۳-۲- مفهوم حکمروایی شهری

حکمروایی شهری، فرآیندی است که بر اساس کنش متقابل میان سازمان ها و نهادهای رسمی و مدیریت شهری از یک طرف و نهادهای غیر رسمی جامعه مدنی یا عرصه عمومی از طرف دیگر شکل می گیرد. مشارکت نهادهای غیررسمی و تقویت عرصه عمومی در مدیریت توسعه شهری می تواند به سازگاری منافع گوناگون و در نتیجه به پایداری توسعه شهری منجر شود. حکمروایی شهری بر خلاف مدیریت شهری، فرایندی مدیریتی است که به اتخاذ و حفظ زیربناها و خدمات شهری می پردازد. حکمروایی شهری فرایندی کاملاً سیاسی در نظر گرفته می شود بنابراین حکمروایی شهری را می توان فرایندی دانست که بر اساس کنش متقابل میان سازمان ها و نهادهای رسمی اداره شهر از یک طرف و سازمان های غیردولتی و تشکلهای جامعه مدنی از طرف دیگر شکل می گیرد.



شکل ۱- مفهوم حکمروایی شهری
(نوبری و رحیمی، ۱۳۸۹: ۷)

۳-۳- حکمروایی شایسته شهری

عنوان حاکمیت شایسته از اواخر قرن نوزدهم به عنوان پاسخی به فساد مدنی در حمایت از کارفرمایان و دستگاه‌های سیاسی به وجود آمد. جنبش‌های ملی با هوشمندی از افزایش ظرفیت حکمروایی و اخلاق مدنی، به عنوان پادزهری برای هرج و مرج زندگی شهری، پشتیبانی کردند (Cave, 2005:308). تعریف ساده حکمروایی شهری را می‌توان کیفیت روابط میان حکومت و شهروندان بیان کرد (Sheng, 2010:134). حکمروایی شایسته عبارت است از مشارکت، شفافیت، پاسخگویی، اثربخشی، تساوی‌خواهی و حاکمیت قانون. حکمروایی خوب تضمین می‌کند که اولویت‌های سیاسی اجتماعی و اقتصادی مبتنی بر اجماع وسیعی در جامعه باشد. در یک جامعه حکمروایی، مشتمل بر دولت، بخش خصوصی و جامعه‌ی مدنی است. دولت یک محیط حقوقی و سیاسی راهبر ایجاد می‌کند. بخش خصوصی مشاغل و درآمد به وجود می‌آورد، جامعه مدنی تعامل اجتماعی و سیاسی گروه‌ها را برای مشارکت در فعالیت‌های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی تسهیل می‌کند (کافمن و دیگران، ۲۰۰۴) (به نقل از حمیدپاداش). بانک جهانی اصطلاح حکمروایی شایسته شهری را اولین بار وارد گفتمان توسعه کرد (Sadashiva, 2008:7) و سپس از طریق نهادهای بین‌المللی توسعه، همانند بانک توسعه آسیا در سال (۱۹۹۵)، صندوق بین‌المللی پول (۱۹۹۶) و برنامه توسعه سازمان ملل متحد در سال (۱۹۹۷) به جریان عادی سازمان ملل متحد، با ادبیات موجود تبدیل شد (Roberts, 2007:970). حکمروایی شایسته شهری بر پایه اصل شهروندمداری است و بر این نکته تأکید می‌کند که هیچ زن، مرد یا کودکی نباید از دسترسی به الزامات زندگی شهری از جمله سرپناه، امنیت شغلی، آب سالم، بهداشت و بهره‌مندی از محیط زیست سالم، آموزش، تغذیه و امنیت اجتماعی محروم گردد (Nobari, 2010:22).

۳-۴- شاخص‌های حکمروایی شایسته

شاخص‌های حکمروایی شایسته عبارتند از:

- مشارکت: مشارکت زنان و مردان نقطه اصلی حکمروایی خوب است. مشارکت می‌تواند مستقیم و یا از طریق موسسات قانونی میانی یا نمایندگان صورت پذیرد. مشارکت نیازمند شکل یافتن و سازماندهی بوده و به مفهوم آزادی تشکیل موسسه و آزادی بیان از یک سو و جامعه مدنی سازمان یافته از سوی دیگر است.
- پیروی از قانون: حکمروایی خوب نیازمند چارچوب‌های عادلانه‌ی قانونی است که بی‌طرفانه به اجرا درآیند و در عین حال نیازمند حمایت کامل از حقوق بشر به ویژه در خصوص اقلیت‌هاست. اجرای منصفانه قوانین نیازمند نظام قضایی غیروابسته و نیروهای پلیس غیرمغرض و فسادناپذیر است.
- شفافیت: شفافیت به مفهوم پیروی تصمیم‌های گرفته شده از مقررات و قوانین است و بدین مفهوم است که اطلاعات آزادانه در دسترس و مستقیماً در اختیار کسانی قرار می‌گیرد که از این تصمیمات و اجرای آن تأثیر می‌پذیرند. همچنین شفافیت یعنی اطلاعات کافی به شکلی قابل فهم فراهم شده باشد.
- اجتماع‌گرایی: در یک اجتماع مفروض، کنش‌گران گوناگونی به چشم می‌خورند و در نتیجه دیدگاه‌های متفاوتی نیز وجود دارند. حکمروایی خوب نیازمند میانجیگری میان علایق مختلف در جامعه برای رسیدن به اتفاق نظر در اجتماع است.
- اهداف و دربرگیری: رفاه جامعه به تضمین این امر وابسته است که همه اعضای جامعه حس حمایت شدن را در خود داشته باشند و نه جدا ماندن از جریان اجتماع، بدین ترتیب نیاز است که همه گروه‌ها به ویژه آسیب‌پذیرترین آن‌ها فرصت بهبود و یا حفظ شرایط رفاهی خود را داشته باشند.
- اثربخشی و کارآمدی: حکمروایی خوب به مفهوم آن است که فرآیندها و مؤسسات نتایجی را ارائه کنند که نیازهای جامعه را برآورده سازند و در کنار آن به بهترین شکل از منابع بهره‌برداری کنند. مفهوم کارآمدی در حکمروایی خوب استفاده پایدار از منابع طبیعی و حمایت از محیط زیست را در بردارد.
- پاسخگویی: پاسخگویی از مقتضیات حکمروایی خوب است. نه تنها موسسات دولتی بلکه بخش خصوصی و سازمان‌های جامعه مدنی نیز بایستی پاسخگوی عموم و همچنین موسسات ذی‌نفع باشند. در حالت کلی، سازمان‌ها یا موسسات پاسخگوی افرادی‌اند که از تصمیم‌ها یا عملکرد آن‌ها تأثیر می‌پذیرند. پاسخگویی نمی‌تواند بدون شفافیت و رعایت قوانین اعمال گردد (فرزین پاک، ۱۳۸۹: ۷۰).

۳-۵- معنای واژه مشارکت

مشارکت کلمه‌ای است عربی از باب مفاعله و معادل فارسی آن هم‌یاری، همراهی، شریک و هم‌دست شدن در کارها و همکاری کردن به معنای «سهمی در چیزی غیر از خود داشتن» (آریان‌پور، کاشانی، ۱۳۷۴)، با هم شریک شدن (عمید، ۱۳۸۹) است؛ به عبارت دیگر مشارکت به معنای شریک کردن متقابل در امری است (سعیدی، ۱۳۸۲) و معادل آن در زبان انگلیسی

«participation» در فرهنگ آکسفورد به معنای «عمل شرکت در یک فعالیت یا رویداد» آورده شده است. این واژه به لحاظ معنا در مقابل واژه موافقت قرار می‌گیرد در موافقت، موافقت کننده یاری ویژه‌ای نمی‌کند، بلکه تنها آنچه را که پیش رویش می‌گذارند، تصویب می‌کند. در واقع در موافقت، نقش اصلی را تصمیم‌گیرنده بازی می‌کند که می‌کوشد تا با استفاده از توانایی‌های خویش، جمع را به موافقت وادارد (علوی تبار ۱۳۷۹). در دایره‌المعارف علوم اجتماعی نیز مشارکت به معنای شرکت فعالانه انسان‌ها در حیات سیاسی اقتصادی و فرهنگی و به‌طور کلی تمامی ابعاد حیات خود آمده است (ساروخانی، ۱۳۷۰). در واقع مشارکت فرآیندی است که دربرگیرنده‌ی انواع کنش‌های فردی و گروهی به منظور دخالت در تعیین سرنوشت خود و جامعه و تأثیرگذاران بر تصمیم‌گیری درباره‌ی امور عمومی است (محسنی تبریزی، ۱۳۷۵). مشارکت را در مفهوم گسترده، به معنای گسترش حساسیت مردم و در واقع به معنای افزایش درک و توان آنان در پاسخ‌گویی به طرح‌های توسعه و نیز به مفهوم تشویق ابتکارات محلی تعریف کرده‌اند (سام‌آرا، ۱۳۷۵). مشارکت درگیری ذهنی و عاطفی اشخاص در موقعیت‌های گروهی است که آنان را برمی‌انگیزد تا برای دستیابی به هدف‌های گروهی یکدیگر را یاری دهند و در مسئولیت کار شریک شوند. در این تعریف سه جزء مهم مورد ملاحظه قرار می‌گیرد:

- درگیری ذهنی و عاطفی: در مرتبه نخست، مشارکت به معنی درگیری ذهنی و عاطفی بوده و تنها به کوشش‌های بدنی محدود نمی‌شود. در مشارکت خود شخص نیز درگیر است و تنها مهارت و توانایی‌های وی درگیر نیست.
 - انگیزش برای یاری دادن: شخص در مشارکت این فرصت را می‌یابد که از قابلیت‌ها، ابتکارات و آفرینندگی خود برای دستیابی به هدف‌های گروهی استفاده نماید.
 - پذیرش مسئولیت: مشارکت، اشخاص را برمی‌انگیزد تا در کوشش‌های گروه خود مسئولیت بپذیرند. در واقع مشارکت هنگامی تحقق می‌یابد که بی‌تفاوتی و بی‌مسئولیتی جای خود را به احساس وابستگی، سرنوشت و مسئولیت مشترک بدهد (علوی تبار، ۱۳۷۹: ۱۵).
- بدون شک مشارکت یکایک شهروندان در عمران و آبادانی و توسعه همه جانبه شهری که در آن زندگی می‌کنند، نوعی ضرورت اجتماعی و وظیفه شهروندی است. به دیگر سخن، انتظار داشتن شهری آباد و درخور شأن، بدون بهره‌گیری از جلوه‌های زیبای مشارکت‌های گسترده مردمی، انتظار ناصواب خواهد بود. مشارکت مردم در تدوین قوانین و تصمیم‌گیری‌ها به‌ویژه در تصمیم‌گیری‌های محله‌ای، تأثیرات عمده و مهمی بر زندگی آنان خواهد گذاشت (غمامی، ۱۳۸۷). مشارکت شهروندان را می‌توان در سه نوع مطرح نمود:
- اجتماعی: در قالب تشکّل‌ها همکاری‌های جمعی و محلی در تهیه و اجرای طرح‌ها و نظارت و پیگیری
 - اقتصادی: در جهت جلب همکاری و سرمایه‌گذاری بخش خصوصی در توسعه و عمران
 - علمی و فنی: همیاری با نهادها و موسسات حرفه‌ای و تخصصی شهرسازی در زمینه تهیه طرح‌ها و برنامه‌ها (مه‌دیزاده، ۱۳۸۶: ۳۱۸)

۴- حکمروایی شایسته و مشارکت شهروندی

مشارکت در عرصه مدیریت شهری به دو معنی وجود دارد. در معنای اول به مفهوم شرکت کردن است که می‌تواند مختص به همکاری بخش خصوصی با شهرداری، بر مبنای کسب سود اقتصادی باشد و در مفهوم دوم، مشارکت در همکاری بخش مردم با شهرداری تجلی پیدا می‌کند که قصد آن از مشارکت در اداره امور شهر نه بر مبنای انتفاع مالی بلکه انگیزه‌های اجتماعی صورت می‌گیرد. اعضای این بخش در سازمان‌های غیردولتی (NGO)، سازمان‌های داوطلبانه (P.V.O) و سازمان‌های مبتنی بر جامعه محلی (C.B.O) متشکل شده‌اند و هدف این بخش هم‌یاری و خوداتکایی است (کاظمیان، رضوانی، ۱۳۸۰: ۳۳). مشارکت زنان و مردان نقطه اصلی حکمروایی شایسته است. مشارکت می‌تواند مستقیم و یا از طریق موسسات قانونی میانی یا نمایندگان صورت پذیرد. مشارکت نیازمند شکل یافتن و سازماندهی است. این موضوع به مفهوم آزادی تشکیل موسسه و آزادی بیان از یک‌سو و جامعه مدنی سازمان یافته از سوی دیگر است (فرزین پاک، ۱۳۸۳: ۷۰).

۵- محدودیت‌های عمده برای دستیابی به مشارکت

برای دستیابی به مشارکت سازمان یافته و نهادینه راه طولانی در پیش است؛ زیرا هنوز موانع باز دارنده زیادی برای تحقق امر مشارکت وجود دارد. آگاهی که محور اساسی مشارکت است هنوز وجود ندارد. مشارکت نیازمند بستری قانونمند آگاهانه و مشارکت طلب است. محدودیت‌های عمده برای دستیابی به مشارکت عبارت است از: محدودیت‌های ساختاری (نبود سازماندهی و زیرساخت ارتباطی و اطلاع رسانی)؛ محدودیت فرهنگی- اجتماعی (تعداد زبان‌ها، مذاهب و نژادها و ...؛ محدودیت نهادی (رویکردهای نخیه‌گرا، دیدگاه‌های تحمیلی متخصصان و نظایر آن‌ها)؛ محدودیت‌های قانونی (نبود قوانین و مقررات ویژه ناظر بر روند تحول

تشکل‌ها، سازمان‌های غیردولتی و مردم؛ محدودیت‌های اقتصادی در زمینه‌های حمل و نقل، ساختار خانواده و عایله و محدودیت‌های زمانی؛ محدودیت‌هایی در روش‌های مورد استفاده از عقاید مردم وجود دارد؛ زیرا اگر عقاید مردم هم در فرآیندهای مختلف استفاده شود، در زمانی استفاده می‌گردد که تمام تصمیمات قبلاً اتخاذ شده است (الوانی، ۱۳۸۰).

از میان علل و عوامل تأثیرگذار بر عدم تحقق مشارکت می‌توان به موارد زیر اشاره داشت: عدم توجه به زمینه‌های بومی و بسترهای متفاوت اجتماعی، اقتصادی، سیاسی ایران با سایر جوامع؛ و نیز بی‌توجهی به موارد فوق‌الذکر در سطح جوامع محلی کشور؛ فقدان مسئولیت‌پذیری در مدیران شهری و عدم پاسخگویی و شفافیت در نتیجه، بی‌اعتمادی شهروندان و کاهش رغبت و تمایل به مشارکت در امور شهری و محلی؛ بی‌توجهی مدیران شهری به مسئله کاهش سطح اعتماد اجتماعی؛ وابستگی مدیریت محلی به سطوح ملی مدیریت و نداشتن استقلال در تصمیمات مربوط به امور محلی و فقدان مبنای دموکراتیک قوی برای حکومت‌های محلی؛ پراکندگی، متفرق و غیرمتشکل بودن قدرت شهروندی و بی‌توجهی به ظرفیت‌ها و استعدادها و سازمان‌های مردم‌نهاد و جامعه مدنی و رهبران محلی. نبود قوانین و مقررات ویژه ناظر بر روند تحول تشکل‌ها، سازمان‌های غیردولتی و مردم؛ به رسمیت نشناختن حق شهروندان و بیان نظریات خود، از طرف مسئولین امور شهری؛ بی‌توجهی به آموزش و اطلاع‌رسانی و ایجاد زمینه‌های مستحکم فرهنگ مشارکت در بین مردم؛ عدم به‌کارگیری شیوه‌ها و روش‌های روزآمد، تکنیک‌های مشارکتی متنوع و ترکیب آن‌ها با بسترها و زمینه‌های فرهنگی، تاریخی، اجتماعی و ... در الگوهای مشارکتی اتخاذ شده.

۶- نقش حکمروایی شایسته در بهبود روند فرآیند مشارکت

مسئولان باید نخست با به رسمیت شناختن حق شهروندان و بیان نظریات خود در خارج از چارچوب سنتی پارلمانی و اداری نشان دهند که برای ورود به بحث عمومی آمادگی دارند تا ظرفیت پذیرش نظام اجتماعی تقویت شود. دوم، تضمین کنند که شرایط فکری و مادی مناسب برای مشارکت از مجاری پیکار با بی‌سوادی، توسعه فرهنگی و آموزشی، توسعه اطلاع‌رسانی و ارتباطات و آموزش مداوم وجود دارد؛ اما به نظر می‌رسد علاوه بر این موارد و ضرورت وجود احراز آن‌ها جهت تحقق مشارکت مردمی، ویژگی‌های جامعه‌ی انسانی مورد نظر و ظرفیت‌ها و استعدادها و مردمی و بومی در چگونگی و میزان بروز مشارکت نقشی اساسی ایفا می‌نماید (علی‌الحسابی، ۱۳۹۰).

نهادهای فعال مردمی و یا افراد مؤثر و با کفایت که با ابعاد مختلف انسانی، فرهنگی، جغرافیایی و امکانات اقتصادی محیط آشنایی داشته و قادر باشند تا با استفاده از ظرفیت‌های محیط‌زیست‌شان تصمیمات منطقی و واقع‌گرایانه اتخاذ نمایند، در تحقق مشارکت مردمی نقشی غیرقابل انکار ایفا می‌نمایند. رهبران محلی آگاه و قدرتمند همواره توانسته‌اند منشأ اثرات گسترده مثبت در جوامع خود بوده و ارتقای کیفیت‌های وابسته به آن جامعه را تسریع نمایند. به نظر می‌رسد در پاره‌ای موارد حضور و وجود این افراد یا نهادها می‌تواند حتی فقدان برخی از شروط و ضروریات مشارکت را جبران نماید. در این شرایط حتی در جامعه‌ای که به لحاظ بسترهای هنجاری مشارکت و فرهنگ آن دچار نارسایی است، تحقق مشارکت مردمی امری دور از دسترس نیست. لذا می‌توان به شروط فوق‌الذکر، ظرفیت‌ها و استعدادها و سازمان‌های مردم‌نهاد و رهبران محلی را نیز افزود (علی‌الحسابی، ۱۳۹۰).

به منظور بهبود روند فرآیند مشارکت، موارد زیر پیشنهاد می‌گردد:

بحث‌های مشارکتی در مقابل مردم به صورت بدبینانه طرح نشود؛ به نظرات دیگران با احترام و ارزش برخورد شود؛ آگاهی جمعی در استفاده از ارتباطات محلی ارتقاء یابد؛ تنها بر جلسات عمومی که احتمال برگزار نشدنشان زیاد است تکیه نشود؛ با مخالفان مذاکره شود، فرصت برای بحث و شناسایی مشکلات به صورت واقعی و نه با تحمیل عقیده فراهم گردد؛ برای یافتن و بیان دیدگاه افرادی که وارد مشارکت نشده‌اند، اقدام شود؛ توانمندسازی (empowerment) در سطح محلی و ایجاد نهادهای لازم برای عهده‌دار شدن آن صورت پذیرد؛ به فرآیند توان‌بخشی گروه‌ها و نهادهای محلی توجه شود (رفیعیان و همکاران، ۱۳۹۱).

مشارکت شهروندان در اداره امور شهر، بنیان و اساس سازماندهی اجتماع است. از آن‌جا که شهروندان همواره اولین کسانی هستند که با مشکلات شهری درگیر می‌شوند و معضلات شهری را عمیقاً درک می‌کنند، طبیعتاً در حل مشکل نیز فعالیت بیشتری از خود نشان می‌دهند. همچنین به دلیل درگیری مستقیم با مشکلات شهری، تحلیل آن‌ها از معضلات و تنگناها واقعی‌تر و ملموس‌تر است و در این زمینه می‌توانند راه‌حل‌های عملی‌تری نیز ارائه دهند. مشارکت می‌تواند مستقیم و از طریق مؤسسات قانونی و یا با مدد گرفتن از تشکل‌های غیردولتی صورت گیرد، اما در همه حال باید آگاهانه و سازمان‌یافته باشد. چنین خصوصییتی به مفهوم آزادی مجامع و آزادی بیان از یک‌سو و وجود جامعه مدنی سازمان‌یافته از سوی دیگر است.

۷- نتیجه‌گیری

اصولاً حکمروایی شهری به عنوان رویکردی از نظام تصمیم‌گیری و اداره امور شهری تلقی می‌شود و در واقع فرآیندی است که بر اساس کنش متقابل میان سازمان‌ها و نهادهای رسمی اداره شهر از یک‌سو و سازمان‌های غیردولتی و تشکل‌های جامعه‌ی

مدنی، از طرف دیگر شکل می‌گیرد. حکمروایی شایسته شهری به همراه مشارکت فعال مردم در برنامه‌ریزی شهری می‌تواند بهترین رویکرد برای جامعه شهری ایران جهت ایجاد تعادل بین عوامل اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی باشد. نبود مشارکت مردمی از مسائل مهمی است که در جوامع شهری وجود دارد. حضور مردم در مسائل تصمیم‌گیری بسیار کم و یا اصلاً وجود ندارد که البته ناشی از ضعف سیستم‌های حکومتی و پایین بودن سطح مردم‌سالاری است در این کشورها می‌باشد. به دنبال مطرح شدن الگوی حکمروایی شایسته، دولت‌ها می‌بایست تلاش کنند تا این روش مدیریتی را در سه سطح ملی، منطقه‌ای و محلی به اجرا درآورند. اجرای این الگوی مدیریتی نیاز به اصولی مانند مشارکت، شفافیت قانون‌مداری و نظارت دارد. مشارکت شهروندان نقطه اصلی حکمروایی شایسته است که باید مورد تأکید قرار گرفته و تقویت شود از این روی برای شکل‌گیری حکمروایی شایسته به ویژه در کشورهای در حال توسعه نیاز به تغییراتی در شیوه‌های سیاسی-اداری کشور در سطوح کلان و خرد می‌باشد. تغییرات کلان مربوط به قوانین حقوقی، تمرکززدایی و تعیین سطوح مشارکت در فرایندهای مختلف برنامه‌ریزی می‌باشد؛ تغییرات خرد نیز نیازمند برنامه‌های اجتماعی مثل تغییر در باورها، عقاید و نگرش مردم، ارتقاء سطح آگاهی، اعتماد متقابل میان آنان و مسئولین، ایجاد حس تعلق نسبت به محل سکونت و ... در راستای ترغیب شهروندان به همکاری و مشارکت می‌باشد.

منابع

- آریانپور کاشانی، ع؛ و م (۱۳۷۴). "فرهنگ دانشگاهی انگلیسی فارسی سپهر".
- ابراهیم‌پور، حبیب؛ روشندل اربطانی، طاهر (۱۳۸۷). بررسی جایگاه رسانه ملی در الگوی حکمرانی پایداری در ایران، نشریه مدیریت دولتی، دوره ۱، شماره ۱.
- اطهاری، کمال؛ برک‌پور، ناصر؛ کاظمیان، غلامرضا و مهدیزاده، جواد (۱۳۸۶). حکمروایی شهری مبانی نظری و ضرورت شکل‌گیری آن در ایران (گفتگو)، جستارهای شهرسازی، سال ششم، شماره ۱۹ و ۲۰، بهار.
- اطهاری، کمال (۱۳۸۶). حاکمیت شایسته و ضرورت احیای حوزه عمومی، جستارهای شهرسازی، سال ششم، شماره ۱۹ و ۲۰، بهار.
- برک‌پور، ناصر (۱۳۸۵). حکمروایی شهری و نظام اداره شهرها در ایران، مجموعه مقالات همایش برنامه‌ریزی و مدیریت شهری، دانشگاه فردوسی.
- پاداش، حمید؛ جهان‌شاهی، بابک؛ صادقین، علی (۱۳۸۶). مولفه‌ها و شاخص‌های حکمروایی شهری، جستارهای شهرسازی، شماره ۱۹ و ۲۰.
- ترابی، علیرضا (۱۳۸۳). مدیریت پایدار شهری در گرو حکمرانی خوب، شهرداری‌ها، سال ششم، شماره ۶۹، بهمن.
- حیدری، شیمیا (۱۳۹۵). بررسی علل عدم تحقق مشارکت شهروندی در طرح‌های توسعه شهری، دومین کنفرانس بین‌المللی دستاوردهای نوین پژوهشی در عمران، معماری و مدیریت شهری، اردیبهشت.
- رجبی ازیتا (۱۳۹۰). شیوه‌های مشارکت شهروندی در فرایندهای توسعه شهری، فصلنامه جغرافیایی امایش محیط، شماره ۱۲.
- زیبایی، نیره (۱۳۸۷). حکمروایی شهری زمینه‌ساز پایداری شهر، <http://citymanager.blogfa.com>، ۲۵ دی‌ماه.
- ساروخانی، ب (۱۳۷۱). دایره المعارف علوم اجتماعی، تهران، کیهان.
- سام آراء، ع (۱۳۷۵). "مشارکت اجتماعی در روستاهای ایران"، مجموعه مقالات اولین همایش ملی طرح مسائل جامعه شناسی ایران.
- سعیدی، م. (۱۳۸۲). درآمدی بر مشارکت مردمی و سازمان‌های غیردولتی، تهران؛ انتشارات سمت.
- عسگری، علی؛ (۱۳۸۷). طرح طراحی نظام جامع مدیریت مجموعه‌های شهری کشور، پژوهشکده شهری و روستایی، مرحله سوم.
- علوی‌تبار، ع (۱۳۷۹). بررسی الگوی مشارکت شهروندان در اداره امور شهرها (تجارب جهانی و ایران)، تهران، انتشارات سازمان شهرداری‌های کشور.
- علی‌الحسابی، م (۱۳۹۰). نقش سازمان‌های مردم‌نهاد و رهبران محلی در توسعه روستایی، نمونه موردی بندر لافت، فصلنامه مسکن و محیط روستا، شماره ۱۳۴.
- عمید، ح (۱۳۸۹). فرهنگ فارسی عمید.
- غمامی، م (۱۳۸۷). درباره مسائل شهرسازی در ایران امروز، نشر آگه.
- فرزین پاک، شهرزاد (۱۳۸۳). از آموختنی‌های شهر حکمروایی خوب چیست؟ شهرداری‌ها، سال ششم، شماره ۳۰، بهمن.
- کاظمیان غلامرضا و سعیدی رضوانی نوید، (۱۳۸۰). امکان‌سنجی واگذاری وظایف جدید شهرداری‌ها، انتشارات سازمان شهرداری‌های کشور.

۲۱. کاظمیان غلامرضا (۱۳۸۶). درآمدی بر الگوی حکمروایی شهری، جستارهای شهرسازی، شماره ۱۹ و ۲۰، بهار.
۲۲. لاله‌پور، منیژه؛ حکمروایی شهری و مدیریت شهری در کشورهای در حال توسعه، جستارهای شهرسازی، شماره ۱۹ و ۲۰، بهار ۱۳۸۶.
۲۳. محسنی تبریزی، ع (۱۳۷۵)، بیگانگی مانعی برای مشارکت و توسعه ملی: بررسی رابطه میان بیگانگی و مشارکت اجتماعی سیاسی، نامه پژوهش فصلنامه‌ی تحقیقات فرهنگی، شماره ۱، مرکز پژوهش‌های بنیادی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۲۴. مشکاتی، پیام (۱۳۸۴)؛ اداره شهرهای جهان با الگوهای مشارکتی، شهرداری‌ها، تهران، شماره ۶۹.
25. Caves, W. Roger. (2005), Encyclopedia of the city, Routledge, London and New York.
26. James, M.B."Managing the Modern City"; Chicago; Centre forGovernmental Stickles, 1991.
27. Morgan,T.M. EnveronmentalHealth, Wadsworth, Canada,2003.
28. Nobari, N. and Rahimi, M. (2010). Good urban governmentis an indispensable necessity. Center for Study and Planning of Tehran, Knowledge on City, 11
29. Robert s S.M. Wright S. and O'Neil PH. (2007), Good governance in the Pacific? Ambivalence and possibility, Geoforum, No. 38, pp: 967- 984
30. Sadashiva M. (2008), Effects of civil society on urban planning and governance in Meysore, India, Doctoral thesis, Technical university of Dortmund.
31. Sheng, Y.K, (2010). Good Government in South Asia, Environment and Urbanization ASIA, 1, 2:131-147.

بررسی مؤلفه های هویت بخش نما در مواجهه با معماری معاصر نمونه موردی شهر قزوین

تاریخ دریافت: ۹۹/۱۰/۰۲

تاریخ پذیرش: ۹۹/۱۱/۰۵

کد مقاله: ۶۴۶۳۴

محمد بهزاد پور^۱، مهشاد توکل^{۲*}

چکیده

معماری و شهرسازی اصیل ایرانی دارای ارزش های استواری است که علاوه بر پاسخگویی به جنبه های عملکردی، پاسخگو مناسب نیازهای روحی و روانی مردم نیز بود که از جمله نمونه بارز آن می توان به مساجد و فضاهای شهری ساخته شده تا قبل از ورود مدرنیته به ایران اشاره نمود. این معماری چنان دارای هویت و مفهوم است که هنوز پس از گذشت سالیان متمادی می تواند به عنوان الگوی مناسبی در طراحی و ساخت بناها از آن استفاده نمود و حتی با تکرار الگوهایی ویژه از رویدادها در مکانی خاص عنصری مناسب و مشخص در ساختار مکانی زمان باشد. امروزه هویت و کیفیت معماری و فضاهای شهری تنزل یافته است. بحران هویت، از خود بیگانگی، واژگانی است که در فضاهای شهری و معماری به وفور به چشم می خورد؛ که عامل اصلی وقوع این بحران نشأت گرفته از آشفتگی و پریشانی نماهای شهری است که روزه روز، چهره حادثری به خود می گیرد و جنبه های بیشتری از ناهمگونی میان این نماها و فرهنگ و اقلیم، نمود می یابد. در بی هویتی نماهای امروز، تردیدی نیست و بایستی برای هویت بخشی به معماری و فضاهای شهری در ابتدا سعی در ارتقا کیفی نماهای آن ها نمود. از این رو پژوهش حاضر به دنبال رسیدن به مؤلفه های مؤثر در هویت بخشی و ارتقا کیفی نماهای شهری است بنابراین با پیشبرد تحقیق به روش گردآوری اطلاعات به صورت کتابخانه ای و میدانی، پرسشنامه (SPSS) و روش تجزیه و تحلیل اطلاعات روش کیفی می باشد.

واژگان کلیدی: هویت، کیفیت، نما، معماری، فضاهای شهری.

۱- استادیار و عضو هیات علمی گروه معماری دانشکده فنی و مهندسی، واحد هشتگرد، دانشگاه آزاد اسلامی، هشتگرد، البرز، ایران

۲- دانشجوی کارشناسی ارشد، گروه معماری، دانشگاه رجا، قزوین، ایران (نویسنده مسئول)

۱- مقدمه

بدنه های شهری از مؤثرترین عناصر تأثیرگذار بر کیفیت فضاهای شهری محسوب می گردند که اصلاح آنها می تواند به بالا رفتن کیفیت منظر عینی شهر منجر شود. در این میان، نمای خیابان به عنوان یکی از اجزای اصلی بدنه های شهری باید مورد توجه قرار گیرد. منظر عینی نامناسب شهرهای امروزی ما، نتیجه دور باطلی است که برون رفت از آن نیازمند شناخت ریشه ای معضل و ارائه قواعدی است که بتواند حرکت نیروهای مرتبط را در یک راستا هماهنگ کند. تدوین چارچوب برای بدنه های شهری خود دارای اهمیتی خاص است و باید متناسب با زمینه، شرایط فیزیکی و با توجه به نوع کاربری صورت پذیرد. معماری و شهر به عنوان مکان هایی برای زیست انسان ها که در تمام لحظات زندگی انسان به گونه های مختلف همراه او هستند و وجود او را در بر می گیرند، زمانی می توانند به حقیقت بستر وقوع زندگی در معنای حقیقی آن و رشد و تعالی انسان ها در مراتب مادی و معنوی وجودشان باشند که در هماهنگی با الگوهای ذهنی و رفتاری، شیوه زندگی، ارزش ها و باورهای اعضای آن اجتماع شکل گرفته و جریان زندگی انسان ها را در تطابق با نیازها و خواسته های آشکار و پنهان، به بهترین وجه سامان دهند. این مقوله به خصوص در زمینه معماری خانه، به عنوان عام ترین جنبه معماری که خود می بایست موجد مکانی برای سکونت انسان و آرام یافتن او باشد از اهمیتی مضاعف برخوردار است؛ اما در معماری معاصر سرزمین ما، با وجود تنوع عظیم فرهنگی و طبیعی و برخورد از سابقه زیست طولانی، امروز با بناهایی مواجه هستیم که تمام ویژگی های فرهنگی مخاطبان خود و مشخصات طبیعی محیط و لزوم هماهنگی با این مختصات را یکسره به فراموشی سپرده اند. بناهایی که نه تنها با ویژگی های مختلف فرهنگی اقوام گوناگون ایرانی هماهنگ نیستند، بلکه اساساً لزوم انطباق با اصول و ارزش های فرهنگ ایرانی در معنای عام و فراگیر آن را نیز از یاد برده اند (رحیمی و همکاران، ۱۳۹۱: ۱۶).

هدف: هدف از تحقیق این پژوهش بررسی هویت از دست رفته در نما های دوران معاصر و ارائه راهکاری برای بازیابی آن در این دوران غرب زدگی است.

روش تحقیق: بصورت کیفی و کاربردی می باشد، روش گرد آوری داده ها برای دستیابی به پاسخ پرسش های تحقیق مبتنی بر بهره گیری از منابع کتابخانه، برداشت های میدانی، پرسشنامه (SPSS) کتب و مجلات و شبکه اینترنت می باشد.

۲- پیشینه تحقیق

جدول ۱- پیشینه تحقیق (مأخذ: نگارنده)

موضوع	محقق	سال	عنوان	نتیجه گیری
۱	بررسی و ارزیابی شاخص های مؤثر در هویت شهری	سید علیرضا نوفل، پارسین کلبدادی، محمدرضا پورجعفر	۱۳۸۸	مقاله
۲	سنجش هویت شهری در شهرهای جدید ایران بر اساس اصول هویت بخش مکتب اصفهان	کرامت اله زیاری موسی پژوهان احمد خلیلی	۱۳۹۱	مقاله
۳	ارزیابی معنا شناختی نشانه های شهری بر مبنای هویت اسلامی (نمونه موردی: سیمای محلات سنتی و معاصر تبریز)	مژگان نرج آبادی فام	۱۳۹۵	پایان نامه
				مقاله

۳- نما (ساختمان)

نما عصری است که امروزه جزء جدائی ناپذیر از بدنه شهری محسوب می گردد مانند دیگر پدیده های معماری دارای تاریخی است که در اینجا مورد مطالعه قرار می گیرد. طبیعی است که نما به مفهوم عام خود در طراحی معماری که تصویر علمی ساختمان در یکی از جهات چهارگانه می باشد مورد نظر ما نیست منظور از نما ضلعی از ساختمان است که در معرض دید عموم و در تماس با فضاهای عمومی شهر قرار می گیرد، نقش نما تفکیک زندگی خصوصی از زندگی شهر است، سیما و زیبایی شناسی نمای ابنیه انحصاری و انفرادی نیست، نماها تعریف کننده فضای خیابان و یا میدان هستند و به همین دلیل است که نما از حساسیت و اهمیت بیشتری برخوردار است. در طراحی ساختمان، نما مهمترین بخش به شمار میرود زیرا نما چارچوب کار برای بقیه اجزای ساختمان را مشخص میکند. بسیاری از نماها ارزش تاریخی دارند و در کشورهای گوناگون قوانین سختگیرانه ای در مورد موضوع تغییر نما وجود دارد که برخی از این قوانین هر گونه دگرگونی در نماهای تاریخی را ممنوع میکند. در معماری سنتی ایرانی، آرایشی که پس از پایان کار ساختمان بر آن بیافزایند را آمود می گویند، مانند تزئین الحاقی، نماسازی سنگی یا آجری، کاشیکاری و گچبری. به گفته هارالد دیلمان و همکارانش از نما چهار عملکرد آن:

۱. حفاظت
۲. ایجاد ارتباط
۳. معرفی
۴. جزیی از یک فضای شهری (داریوش شایگان، ۱۳۷۸).

۴- تحولات معماری نما در ایران

تحول در ایران روندی متفاوت از اروپا را پیمود. در شهر اسلامی قدیمی هیچ چیز در وهله اول مقدار ثروت و توانگری مالک یا ساکن خانه را مشخص نمی کرد در همین راستا در ایران به دلایلی چون خطر مصادره و فروتنی ناشی از تفکر اسلامی، خانه تا اواخر قرن نوزدهم به صورت درونگرا باقی ماند و هر گونه جلوه گری را به جداره های حیاط مرکزی و فضای خصوصی محدود می کرد. تأکید و تزئین نمای بیرونی، بسیار محتاطانه بود و حداکثر در اطراف درب ورودی شکل می گرفت بقیه ی سطح نما دیواری کاهگلی بود که نفوذ ناپذیری و یکپارچگی یک سد را القاء می کرد (نجم الدین، ترجمه دکتر محمدحسین حریری و منیژه اسلامبولچی ۱۳۶۹). معمار سنتی خلق کردن را منحصر به خداوند می دانست. برای همین سعی نمی کرد جلوه گری و خودنمایی کند و خود را یک صنعت گر سازنده می پنداشت. شایگان می گوید برای او ارزشها و هنجارهایی مانند حیا، حریمیت و حجاب بسی مهم تر از خودنمایی بود اگر زمانی پایش می لغزید یا به دستور مافوق مجبور به هنرنمایی می شد. هنر نماسازی اش را در بناهای مذهبی و با شدتی کمتر در ساختمان های عمومی غیرمذهبی نشان می داد. شاید ادعایی جسارت آمیز مرسوم بوده و پرداختن به آن کاری نه چندان شایسته. اگر نمایی داده «نمایش» و «نما» باشد که در فرهنگ درونگرا می شد برای محارم بود و اگر نمایی برپا می گردید در پشت یک حجاب به نام دیوار خانه بود (داریوش شایگان، ۱۳۷۸).

۵- سیر تحول نماد معماری ایران

مفهوم نما در معماری ایران، به وسعت سرزمین هایی است که فرهنگ ایرانی در آن نفوذ یافته است از این رو یافتن تعریفی واحد، و رای تفاوت های موضوعی، مکانی و زمانی محال است؛ اما با توجه به این متغیرهای اصلی، می توانیم چند ویژگی مهم نما را در معماری ایرانی شناسایی کنیم. در معماری ایران بناها را می توان به دو دسته رسمی و بومی تقسیم کنیم. بناهای رسمی شامل بناهای حکومتی و آیینی و بناهای بومی ساختمان های مردم عادی است. اگرچه معماری بومی و رسمی با هم تفاوت دارند، اما بین آنها ارتباطی ظریف هم وجود دارد. یکی از منابع تغذیه معماری رسمی، الگوهای معماری بومی است.

در دوره اشکانی و ساسانی که به دلیل وقفه فرهنگی ناشی از حمله اسکندر، دانش مهندسی کاخ های هخامنشی از بین رفته بود، معماران با بازگشت به الگوهای معماری بومی، با سازه های تاقی و دیوار باربر که از دوره هخامنشیان تا ساسانیان رواج داشت، بناهای مهم آن دوره را ساختند. به عبارتی معماری رسمی، ویرایشی از معماری بومی را در مقیاس نمادین ارائه می کرد. اگر نمای نقش رستم در نزدیکی شیراز با خانه ای روستایی در بجنورد مقایسه کنیم، می بینیم معماری رسمی هخامنشی، نمایش تزئینی و حجاری شده عناصر ساده سازه های است (تیرها، ستون های چوبی، سقف کاهگل) که در معماری بومی نقشی اساسی (و نه صرفاً تزئینی) داشته اند. لذا می توان با توجه به مشابهت هایی موجود نماها را به صورت جمعی مورد بررسی قرار داد. این موضوع در دوره های بعدی نیز بعد از اسلام ادامه یافت. ایرانیان با بهره گیری از معماری پیش از اسلام به ساخت بناها در دوران بعدی ادامه دادند و اسلام با آموزه ها و اصول خود به این بناها رنگ و بویی جدید بخشید. در دوران بعد از اسلام سازندگان سعی کردند در تزئینات و فضاسازی ها، خود را به اصول اسلام نزدیک کنند و این امر در هر دوره با تفاوت هایی انجام شد به صورتی که در دوران اسلامی بر اساس حکومت هایی که در راس بودند مشخصه های نما متفاوت می شدند. (رخشان و همکاران، ۱۳۹۶، ۷۷). در جامعه ما به ویژه پس از انقلاب با رشد جمعیت و سهم شهرنشینی، بازسازی های جنگ، گسترش شدید شهرها در پاسخ به اسکان مهاجرین رخ داد. در گذشته ساختمان های شهر، نه تنها از جنبه انفرادی، زیبا و مطابق با اصول زیباشناختی بصری طراحی

می شدند، بلکه در کمال احترام به اطراف و محیط شهری ساخته می شدند. با ظهور مفاهیم و عناصر مدرنیته، شهرسازی ایران، مانند بسیاری مسائل دیگر، با سرعت دستخوش تغییراتی شد. جداره ها و نمای پیرامونی ساختمان ها نقشی محکم در شکل دهی به عرصه های عمومی شهر دارند، این جداره ها در گذشته به صورت متحدالشکل حول محور عنصر مقدس که عموماً مسجد بود شکل می گرفت. تنها مسجد بود که با تفاوت در رنگ و مصالح و فرم در میان بافت سر بر می آورد و گویی سایر بناها در زیر سایه آن آرمیده بودند. نمای خیابان ها در ارتباط با بافت و مصالح بومی بود و می شد تا مفهوم وحدت در کثرت را در آن مشاهده نمود. متأسفانه در دوران معاصر نماهای نا همگون و متفاوت با علایق شخصی و بر اساس ارزشهای مادی در کنار هم قرار گرفته اند و سیمای شهری را ملقم های از سبک ها و مدها شکل داده است. جداره های شهری متأسفانه با جلوه های نازیبا و بی هویت منجر به شکل گیری جداره هایی مهاجم شده اند و تاثیراتی منفی بر روح و روان شهروندان دارند (رخشان و همکاران، ۱۳۹۶، ۷۸).

۶- تعاریف هویت

هویت عبارت است از مجموعه ای از صفات و مشخصاتی که باعث تشخیص فرد یا شیء از افراد و اشیاء دیگر می گردد. شناسایی و کشف تفاوت های اشخاص و اشیاء از یکدیگر عامل تعیین هویت انسان است. (تختی و وثوقی، ۱۳۸۵: ۱۱۸). به عبارت دیگر هویت مجموعه خصلت هایی است که محل ی را از سایر مکان ها جدا می سازد، این خصلت ها شامل ویژگی های کالبدی سیم و منظر و سرزندگی محیط است و با حضور فعالیت و رفتارهای اجتماعی، کیفیت های اکولوژیک و محیط طبیعی، خاطرات جمعی و دیگر زمینه های کیفی از محیط ادراک میشود و ابعاد کاملتری به مفهوم هویت مکان می بخشد. (ذکاوت، ۱۳۸۵: ۱۸۷). لینچ معتقد است که هویت اغلب با زندگی دراز مدت در یک محل و همچنین آشنای زیاد حاصل میشود که خود موجب ایجاد خاطراتی از آن محل در ذهن ساکنانش می گردد (لینچ، ۱۳۷۶: ۱۶۷). هویت بخشی از شخصیت وجودی هراسان است که هویت فردی او را می سازد: مکانی است که خود را با آن می شناسد و به دیگران می شناسند. در واقع میان فرد و مکان رابطه ای عمیق تر از صرف بودن یا تجربه کردن آن مکان بر قرار است. (رضازاده، ۱۳۸۰: ۶).

۷- مفهوم تحلیلی هویت شهر

شهر، پدیده ای سرزمینی، تکوین یافته در تاریخ، حاصل فرهنگ و جلوه فضایی نقش های انسان در محیط جغرافیایی است. اولین شهرها زمانی که جوامع ابتدایی از توان تولید، نگهداشت و داد و ستد ارزش افزوده بهره مند شدند، بنا نهاده شدند، لیکن اشکال و روش های مختلف ساخت آن ها ضمن آنکه پاسخی است به نیازهای فردی و جمعی ساکنان شهر، برخوردار از ویژگی هایی است که نشان از درک متفاوت جوامع گوناگون از هستی و خلقت نیز دارد. از این رو مجتمع های زیستی همراه با نفس وجودی خود، نقش و مهر فرهنگ سازندگان خود را به همراه دارند. فرهنگی که به این ترتیب دو وجه مادی غیرمادی برای آن میتوان قائل شد؛ به گونه که وسایل، ابزارهای زندگی و کالاهای مادی و شیوه تولید آنها را میتوان جزئی «از فرهنگ مادی» و رسوم، اعتقادات، علوم و هنر ها و هنجارهای اجتماعی را، اجزاء «فرهنگ غیرمادی» یا «فرهنگ معنوی» جوامع شهرنشین برشمرد. (زاد رفیعی، ۱۳۸۴: ۱۵).

۸- عوامل هویت بخش شهری

شناخت هویت شهر بایستی برپایه مولفه های تشکیل دهنده شخصیت آن فضا شناسایی میشود، از جمله مولفه های تشکیل دهنده شخصیت یک شهر عبارتند از: مولفه های طبیعی، مصنوع و انسانی است؛ که این موارد هر کدام صفات و متغیرهای خاص خود را دارا می باشند (نوفل و همکاران، ۱۳۸۸، ۳).

جدول ۲- مولفه های هویت کالبدی شهر مأخذ: (دنبلی و همکاران، ۱۳۹۷: ۴)

۱	مولفه های طبیعی هویت شهر
	جایگاه کلی طبیعی (طول و عرض جغرافیایی آن شهر و شاخص های وابسته) مولفه های ساختاری جغرافیایی (توپوگرافی، هیدروگرافی و شاخص های وابسته) مولفه های ساختار طبیعی (رودها و دره ها) مولفه های حوزه ای و ساختن طبیعی (تنوع خاک، پوشش گیاهی و سرریز حوضه ها) مولفه های نقطه ای (چشمه ها، تپه ها و غیره) مولفه های نقطه ای خطی (مسیر آب و مشابه)
۲	مولفه های مصنوع هویت شهر
	منظر عمومی: کلیت فرم شهر بادی پرنده (خطی-شطرنجی، شعاعی یا ارگانیک) عناصر خطی-ساختاری شاخص: خیابان های اصلی ساخت شهر

	شاخص های کانونی ونقطه ایی شهری: میدان ها، دروازه ها، پارک ها وغیره شاخص های خطی-نقطه ایی تاریخی وکالبدی: کاخ ها وبازار ها وغیره تک بناهای شاخص شهری توده ها، حوزہ ها و فضاهای شاخص شهری: محلات قدیمی شهرقدیم، مجموعه ساختمان های مسکونی و نظیر آنها
۳	مولفه های انسانی هویت شهر تبار و نیاکان اوضاع دینی ومذهبی آداب ورسوم زبان

۹- مؤلفه های سیمای شهر

عوامل موثر که سیمای شهر را شکل می دهند شامل موارد زیر می باشند:

جدول ۳- مؤلفه های موثر در سیمای شهر مأخذ: (دنبلی وهمکاران، ۱۳۹۷، ۴)

۱	سیمای شهری نشانه: در هویت دادن به سیمای شهر موثر هستند وجهت یابی در شهر را آسان میکند. تاثیر نشانه بر سیمای شهر علاوه بر هویت متنوع است که آن را از بی حالتی و یکنواختی که پسندیده طبع آدمی نیست در می آورد. راه: کیفیت دور منظر: نقطه ایی جالب مثل ساختمان، منظر یا فضایی چشم گیر در انتهای راه مثل مسجد یا بنای یادبود. شبیه و یستا یا دور منظر: پله ها، آب نماها و شیب که برای رسیدن به نقطه ی انتهایی جالب توجه به سرعت صورت نگیرد. پانورامیک: مناظر مقابل ناظر گشوده و گسترده باشد (مثل اتوبان) لبه: مرز و شکافی بین دو قسمت پیوسته شهر: نهر یا رودخانه-ردیف ساختمان های مشابه در امتداد خیابان گره: تراکم ساختمان ها یا فعالیت- اجتماع مردم: تقاطع راه ها محله: خصوصیات مذهبی، نژادی واقتصادی ساکنین محله ها از یکدیگر
۲	چهره شهر نما طرح نما: مثل نمای کلاسیک که در ایجاد تاثیر بصری موثر هستند مقیاس: ابعاد مختلف معماری ونسبت فضای معماری به بدن آدمی تناسبات: ابعاد پنجره به ابعاد در نسبت بلندی ساختمان شیوه ساختمان: ساختمان که نمای اصلی آن پرده ای است با ساختمان که نمایش از سیمان، آجر، آهن، بتن وغیره است. رنگ ونسج: رنگ ونسج مصالح تبحر در ساخت: آجر کاری_کاشی کاری وغیره فضا فضای شهری: فضای عمومی-فضای نیمه عمومی(دالان وهشتی) فضای خصوصی-فضای نیمه خصوصی فضای سبز و پارک نما واثاثیه: هویت دهنده فضای شهر: میدان- میدان چه-فضای سبز وبازارهای خطی در شهرهای قدیمی ایران که در چهره شهر یک سر در کوچک دارند. (تیمچه) اثاثیه شهر: آب نماها، تندیس ها، درختان و گیاهان، کف سازی وغیره
۳	پیکر شهر: تاثیرات کلی که ناظر از شهرهای مختلف در ذهن دارد و ناشی از تاثیرات بصری است. ورودی شهر: شهرهای قدیمی دارای دروازه بودند. پیکر شهر مشابه تندیس است که در فضا قد برافراشته است حجم های پרוخالی: حجم های پر (solids) وحجم های خالی (voids) تندیس پیکر: بازی باحجم-ترکیب حجم ها که میتواند موزون و چشم نواز باشد. رنگ کلی پیکرنیز تاثیر بصری دارد. خط آسمان: با خط دور احجام، کل حجم یا تمام پیکر دیده میشود. نیمرخ: هرگاه نور در پس پیکر قرار گیرد، سطحی روشن بالای خط آسمان دیده میشود.
۴	روحیه شهر: مردم و فعالیت ها، خصوصیات سینتیک یا حرکتی شهر صدا و بو

۱۰- شناخت مولفه های سازنده هویت

لایه های مختلف سازنده هویت شهری که وابسته به حیطه ادراک فردی و تأثیر عوامل مختلف ارتباط با نما، به صورت شاخص تر نمود داشته است و به عنوان مهمترین مؤلفه های سازنده هویت در منظر نماهای شهری می تواند مطرح باشد، دربرگیرنده مؤلفه های کالبدی، تاریخی مذهبی، اجتماعی و فرهنگی است. جهت دستیابی به ابعاد دقیق تر موضوع، با شناسایی ویژگی های هر بخش می توان به ابعاد ساختاری هویت دست یافت. در این راستا پس از مطالعات انجام شده شاخصه، مؤلفه ها و معیارهای مرتبط با هر کدام از ابعاد دربردارنده هویت به دست آمد. آنچه در رابطه با این مؤلفه ها می توان عنوان نمود، این است که برخی از آنها را می توان در بیش از یک عنوان مطرح کرد که ویژگی های بیشتر آن در قالب معیار، بیان شده است (جدول ۴)، جمع بندی کلی مفاهیم مورد نظر را ارائه می دهد:

جدول ۴- شناخت مؤلفه های سازنده مأخذ: (نگارنده)

مؤلفه های کالبدی سازنده هویت		
شاخصه	مؤلفه	معیار
بوم و اقلیم	مورفولوژی و ساختارشناسی در ارتباط با نما (armanshahr, 1993: 3)	جهت و چگونگی استقرار نماها نسبت به هم
زمینه گرای	عناصر تغییرناپذیر، ماندگار و ارزشمند سایت و درک ارزش های زمینه و تداوم آن در آینده (Yazdani & Merovati, 2013: 67)	فرم، چشم انداز، منظر، پیوستگی و ریتم نما، سازگاری/همگنی، سازگاری با زمینه کالبدی، وسعت/فراخی، کیفیت/ارزش
زیبایی شناسی	ارزش، لذت و تعجب (Lynch, 2009: 257)	یکپارچگی (هماهنگی نما با محیط احاطه کننده، ریتم و مقیاس) شکل، رنگ و فرم
سرزندگی	سرزندگی بیولوژیکی (زیست شناختی) (گلکار، ۱۳۸۰: ۹۰)	ایمنی و امنیت در محیط، سازگاری، بقاء و پایداری
انعطاف پذیری	همزیستی فعالیت ها در قلمرو مکانی تعریف شده (Bentley et al, 1985: 92)	تنوع فعالیت ها
غنا ی حسی	نما عامل ایجادکننده حس تعلق و هویت (Bentley et al, 1985: 23)	حس تعلق به مکان و هویت
تناسبات بصری	طراحی نما با توجه به کاهش فضاهای ناامن (Tavassoli, 1997: 89)	مقیاس، تناسبات بصری
عملکرد	رابطه بین فرم و عملکرد و معنی (Tavassoli, 1996: 181)	انطباق فرم بنا با عملکرد آن، ایمنی و امنیت
دید و منظر	کیفیت بصری (Golkar, 2000: 22)	نظم نما: (توازن، تقارن، تکرار و چارچوب ساختاری)
		وحدت نما: تکرار سبک، الگوهای اصلی و نقوش مشترک در معماری الگوی روزنه، رفتار ورودی ها، عرض نماها، مصالح محبوبیت بصری نما
		نمادین سازی: خوانایی (افزایش مقیاس، گونه متضاد، جزئیات فراوان، کیفیت بالای مصالح)
		تمامیت نما: ظاهر بنا بیان کننده اهداف و عملکرد آن
ماندگاری	معنی (Alexander, 2013: 457)	جزئیات: غنا ی بصری و زیبایی و ظرافت نما، جذابیت و پیچیدگی، زیبایی ظرافت
		عوامل ماندگاری نما: مقیاس های مختلف، تکرار، تناوب، شکل خوب، تقارن موضعی، انسجام، ابهام عمیق، تضاد، درجه بندی، ناهمگونی، پژواک، فضاهای خالی، سادگی و آرامش درونی، جدایی ناپذیری، مراکز نیرومند.
خوانایی	قابل درک شدن یک نما یا یک مکان (Lynch, 2009: 23)	خوانایی نما (راه، لبه، گره، نشانه، محله)
مؤلفه های تاریخی، مذهبی سازنده هویت		
زمینه گرای	ارزش زیبایی شناختی ساختمان های قدیمی (armanshahr a, 1993: 12)	استمرار پیام های گذشته، حفظ ارزش های موجود در بافت و کاربرد آنها در طرح های جدید
مؤلفه های اجتماعی سازنده هویت		
تاریخ کالبد دارای تجربه	ارضاء احساسات مردم نسبت به معماری و شهر در اثر گذشت تاریخ و تجربه	توانایی تطبیق نما با زمینه

غناى حسى (محيط و انسان)	برقرارى دوسويه ميان محيط و انسان (Lynch, 1994: 231)	حس مكان (ادراك وجهت يابى در فضا)، معنا و خاطره مكان، شناسايى مكان: حس تعلق انسان به مكان و حس مالكيت مكان، تعلق، احترام، توجه به مكان (حس مالكيت مكان، تعلق، احترام)
مؤلفه هاى فرهنگى سازندهى هويت		
تناسب نما با زمينه گشاده روى، حس اطمينان، حس مكان	تناسب نما با زمينه گشاده روى، بيريايى، حس اطمينان و احترام، حس مكان (armanshahr b, 1993: 14)	تناسب نما با زمينه گشاده روى، بيريايى، حس اطمینان و احترام، حس مكان

۱۱- بحران در معماری معاصر ایران

انتقاد از وضع موجود معماری و شهرسازی در دهه های اخیر چنان گسترده بوده که طیف وسیعی از معماران، شهرسازان، جامعه شناسان، هنرمندان و دیگر اندیشمندان را هم به انتقاد شدید علیه آن واداشته است. چنانچه هر کدام از دیدگاه خود وضعیت کنونی را به ارکستری تشبیه می کند متشکل از: «مهندسی، زمین بازی، بساز بندازی، نا پایداری، بی اعتنائی به نا بودی ثروت ملی، مداخله و تجاوز به علف طبیعت و ... که همه سازشان باهم کوک شده و هر زمان گوش ها از صدای ناپهتجار آن به فریاد می آیند». صارمی، در توصیف وضعیت کنونی شهرهای ما، احساسی مشترک برآمده از آن ها را به ویژه درباره توسعه های جدیدشان بیان می کند بدین مضمون که آن ها به گونه ای مشابه هم در حال رشد، از زمین کنده شدن و ارتفاع گرفتن هستند. این گونه است که می توان «بجای تهران، اصفهان و شیراز، نام های کراچی، دهلی، سئول، آنکارا، جدو و حتی برلین را نیز جایگزین کرد» (صارمی، ۱۳۸۲: ۲۲). در این میان برخی بیگانگی مردم و معماری را با یکدیگر بررسی کرده اند و از اینکه هیچ یک دارای اعتبار و احترام نبوده، ابراز نگرانی می کنند و بیان می دارند که «نه مردم معماری را می شناسند و به آن به عنوان دستاویزی جهت ارتقای سطح کیفی زندگی و آرامش روحی و عینیت بخشیدن به باورهای ذهنی و خاستگاه ها و عوالم ذهنی و هويت بخش جامعه خود می نگرند و نه معماری توانسته است پاسخ گوی مناسبی، برای مردم باشد» به بیان دیگر بیان «در معماری جامعه امروز کشور ما، مردم از متن معماری حذف گشته اند و با شرایط گسستگی پیوند و ضعف ارتباط میان معماری و مردم، واضح و مبرهن است؛ آن هم در کشوری که سال ها مهد تمدن و معماری آن دارای پیشینه ای متعالی بوده است (همان).

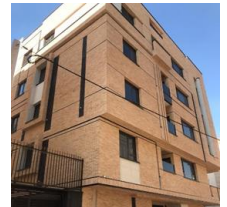
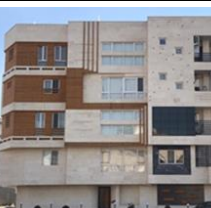
۱۲- محدوده مورد مطالعه

قزوین یکی از شهرهای ایران است که در قسمت مرکزی این کشور واقع شده و در گذشته برای مدتی پایتخت ایران نیز بوده است. تاریخچه و ریشه این شهر به دوران ساسانیان باز می گردد زمانی که به دستور شاپور پادشاه ساسانی رونق یافت و آثار تاریخی زیادی در آن به ثبت رسیده است؛ که از این آثار کهن و باستانی گوناگون می توان کاروان سرای سعدالسلطنه، مسجد جامع قزوین، میمون قلعه، حمام قجر، آب انبار سردار، پیغمبریه، کاخ چهل ستون، امامزاده حسین و خیابان سپه (اولین خیابان ایران) نام برد قزوین از جمله مناطق زیبا، با فرهنگ و متمدن ایران است که در کنار طبیعت زیبا، خدادادی و مناظر بهشت گونه خود از غنای تاریخی و فرهنگی قابل توجهی نیز برخوردار است؛ و حال که در این پژوهش که بحث هویت و مولفه های هویت بخش مطرح است تصمیم بر آن شد شهر قزوین را با این قدمت ارزشمند در مواجهه با معماری معاصر و ورود عناصر غرب زده بررسی کرد.

۱۳- نمونه معماری شهر قزوین در دوران معاصر

متأسفانه اخیراً در قزوین شاهد پلان ها، نماها، مصالح و در کل معماری بوده ایم که با معماری اصیل ایرانی سنخیتی ندارد. برای تکمیل شدن تحقیق طی بررسی میدانی در سطح شهر به چند نمونه از نماهای دوره معاصر اشاره شد.

جدول ۵- نمایه شهری (مأخذ: نگارنده)

تصویر نمایه شهری	تحلیل و بررسی	تصویر نمایه شهری	تحلیل و بررسی
	استفاده از عناصر نا مفهوم که نه تنها زیبایی ندارد بلکه هویت معماری ایران را نیز زیر سوال برده است.		آشنفگی بصری نماها در خیابان‌های شهر که از هیچ قاعده‌ای پیروی نمی‌کنند.
	استفاده از متریاال های متنوع بدون سنجیدن در کنار هم که زیبایی بنا را از بین برده است.		سعی در استفاده از نما به سبک ایرانی با استفاده از متریاال آجر.
	عدم هماهنگی عناصر به کاررفته با یکدیگر در نماهای شهری.		نماهای رومی که هیچ سنجیتی با معماری اصیل ایرانی ندارند و این نما بینهایت در شهر قابل رویت می باشند.

۱۴- تجزیه و تحلیل یافته ها

دراین پژوهش برای تجزیه و تحلیل یافته ها از پرسش نامه در نرم افزار SPSS و برای سنجش روایی و پایایی پرسش نامه از روش آلفا کرونباخ استفاده شده است؛ که به شرح زیر است:

جدول ۶- نتایج آماری در نرم افزار SPSS طبق پرسش نامه

	Scale Mean if Item Deleted	Scale Variance if Item Deleted	Corrected Item-Total Correlation	Cronbach's Alpha if Item Deleted
آشنایت نسبت به تاریخ شهر	29.550	13.945	-.225	.875
شناخت به معماری اصیل ایرانی	30.850	11.713	.257	.749
حفظ عناصر های گذشته	30.0500	14.997	-.331	.493
زندگی در خانه‌های غربگرا	28.7000	10.958	.774	.262
عدم یکپارچگی در نماهای شهری	27.7500	12.934	.072	.831
جایگزینی معماری ایرانی بامعماری غربی	28.2500	9.039	.588	.048
از بین رفتن عناصر معماری ایرانی	28.3000	9.589	.654	.517
میزان رضایت نسبت به نماهای غرب زده	28.6500	11.818	.039	.833
آشنفگی نما های امروزه	30.8500	11.713	.857	.749
زیبایی منظرشهری	28.2000	10.063	.341	.674

جدول ۷- لیست متغیرهای موجود طبق پرسشنامه

	N	%
Valid	20	100.0
Excluded ^a	0	.0
Total	20	100.0

a. Listwise deletion based on all variables in the procedure.

جدول ۸- بررسی روایی و پایایی پرسشنامه

Cronbach's Alpha	N of Items
.816	10

۱۴-۱- تحلیل جداول spss

با توجه به سولاتی مطرح شده که در مرحله نخست علاقه و شناخت مردم نسبت به تاریخ شهرقزوین بود و در و در پایان از میزان رضایتمندی آنان از زندگی در خانه های مدرن و نماهای ساختمانی غرب زده امروزی پرسش شد، هدف از این پرسش نامه آن بود که بدانیم مردم چه اطلاعاتی از هویت معماری ایران دارند که به دنبال اینگونه معماری غرب گرا می روند و این دست از ساختمان ها را وارد حومه ی شهر خود می کنند. پاسخ هایی که از طریق خروجی نرم افزار SPSS بدست آمد نشان می دهند که مردمان با ارزش های تاریخی شهر آشنا هستند ولی آنان نمیتوانند زیبایی و آرامشی را که در بناهای اصیل ایرانی وجود داشته است که دارای هویت بوده اند را امروزه در نمای شهری بدست آورند. در آخر می توان پاسخ ها را این گونه تحلیل و بررسی کرد که مردم پیشرفت کردن و مدرن بودن را در گرو پیروی از معماری غرب می بینند، حتی اگر نتیجه ی آن از دست دادن هویت معماری ایرانی باشد.

۱۵- نتیجه گیری

با توجه به مطالب جمع آوری شده در این پژوهش کاملاً مشهود است که مردم به معماری و هویت خود وابسته و علاقه مند هستند ولی عدم آگاهی آنان، چشم و هم چشمی، پیروی کورکورانه از معماری غربی و از همه مهم تر عدم آگاهی آنان از معماری اصیل و هویت ایرانی و طریقه استفاده آن به صورت مدرن امروزی است که مردم را به سمت معماری غرب سوق داده است، عناصر معماری ایرانی همچون حوض ها، هشتی ها، دالان های قدیمی، آجر، خشت، المان های بکار رفته در بناهای ایرانی برای مردم معنا مفهوم دیگری دارد؛ اما افزایش روز افزون جمعیت و نیاز به آپارتمان نشینی امکان استفاده از این عناصر معماری را کمتر کرده است و معماری اصیل ایرانی را رو به فراموشی سپرده است. علاوه بر آن چه لطمه هایی به معماری و منظر و هویت یک شهر وارد شده است که این بحران هویت را میتوان در دوران معاصر و تقلید کورکورانه ای از غرب دانست.

منابع

۱. تختی، بیتا، ویدا وثوقی (۱۳۸۵). تقویت هویت در شهرهای جدید، مجموعه مقالات هویت شهرهای جدید، وزارت مسکن و شهرسازی.
۲. داودپور، زهره (۱۳۸۴). سرعت تحولات شهری و ساله هویت، مجله آبادی، ش ۱۳.
۳. دنبلی سارا، کلاتنری خلیل آباد حسین، آقاصفیری عارف (۱۳۹۷)، بازشناسی مولفه های هویت منظر شهری در شهرهای ایرانی - اسلامی، نمونه موردی شهر تهران، فصلنامه علمی-پژوهشی نقش جهان، شماره ۴.
۴. ذکاوت، کامران. (۱۳۸۵)، چارچوب استراتژیک مدیریت بصری شهر. فصلنامه آبادی، (۳)، ۸-۳۵۱، ۶۳۵۱.
۵. رحیمی، روح اله؛ محمدی، علی و حس نژاده داوودی، شکرالله. (۱۳۹۱)، الگوی هولوگرافیک در سیر تکاملی شهر، شهر مورد مطالعه: آمل. باغ نظر، ۱۱ (۳۱) ۸۹ - ۹۸.
۶. رخشان، احسان، ذبیحی، حسین، ماجدی، حمید (۱۳۹۶)، بازخوانی مولفه های هویت بخش نما در منظر شهرهای معاصر، مجله مدیریت شهری، شماره ۵۱، تابستان ۱۳۹۷.
۷. رضازاده، راضیه. (۱۳۸۰) اصول و معیارهای ساماندهی و ضوابط و مقررات سیمای شهری در ساختوساز، وزارت مسکن و شهرسازی، معاونت شهرسازی و معماری، مرکز مطالعاتی و تحقیقاتی شهرسازی و معماری.
۸. زادرفیعی، ناصر (۱۳۸۴)، "فرایند اجتماعی - فضایی هویت شهر" مجله آبادی، شماره ۴۸.
۹. شایگان، داریوش (۱۳۷۸): آسیا در برابر غرب»، تهران، انتشارات امیرکبیر.
۱۰. گلکار، کورش (۱۳۸۰)، فصلنامه آبادی، سال شانزدهم، شماره ۸- گلکار، کورش، از تولد تا بلوغ طراحی شهری، ۱۱۱ نشریه علمی پژوهشی صفا، شماره ۶ صص ۳۸۳، ۲- شماره.
۱۱. صارمی، علی اکبر (۱۳۸۲)، مدرنیته و رهاوردهای آن در معماری و شهرسازی ایران، نشریه گفتگو، زمستان ۱۳۷۴، دوره - شماره ۱۰؛ از صفحه ۵۹ تا صفحه ۵۹.
۱۲. لینیچ، کوین (۱۳۷۶) تئوری شکل شهر، سید حسین بحرینی، دانشگاه تهران، تهران.
۱۳. نجم الدین. ترجمه ی دکتر محمدحسین حریری و منیژه اسلامبولچی. شهر اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی. تهران. زمستان ۱۳۶۹.
۱۴. نوفل سیدعلیرضا، کلبادی پارین، پورجعفر محمدرضا (۱۳۸۸)، بررسی و ارزیابی شاخص های موثر در هویت شهری (نمونه موردی محله جلفا در شهر اصفهان)، دو فصلنامه معماری و شهرسازی آرمان شهر، شماره ۳.
15. Alexander Christopher (2013): "The Nature Of Order, Sirous Sabri Reza and Ali Akbari, Tehran. Parham Naghsh. No 457.

16. Armanshahr (a), Winter(1998): "Architects & Architects Consulting Engineers", Urban Design of the Western Coast of the City of Bushehr, First Volume, Theoretical Basis of Design with Emphasis on the Design of Axes and Nodes.
17. Bentley, Ian. Alcock, A. Murrain, P. McGlynn, S. & Smith, G. (1985): "Responsive Environment: A Manual for Designers", London, Architectural Press.
18. Golkar, Kourosh(2000): "Builder Components of Urban Design Quality", Sofe Science Journal, No. 22.
19. Lynch, Kevin, (2009): "The Theory of the Good Shape of the City", Translator: Hussein Bahraini, Tehran: University of Tehran. Pp. 257
20. Tavassoli, M. Parsi, H. (2000): "Urban Design", Kargar Street, Tehran, Civil and Urban Improvement Company.
21. Yazdani Enayatullah and Merovati nader(2013), "Globalization and Challenges of National Identity in Developing Countries", Political and International Research of Islamic Azad University of Shahreza Branch,, 6th year, No 1-67.

قلمروی صلاحیت شهرداری ها در عرصه ارتقای سطح سلامت روانی و اجتماعی

تاریخ دریافت: ۹۹/۰۸/۱۸

تاریخ پذیرش: ۹۹/۱۰/۲۴

کد مقاله: ۷۸۳۴۲

محمد رمضانی^۱

چکیده

در زمره ارکان برخورداری از جامعه‌ای پویا و توسعه‌یافته، ارتقای سطح سلامت روانی و اجتماعی است؛ در این خصوص، یکی از نهادهای کنشگر در زمینه حفظ و ارتقای سطح سلامت روانی و اجتماعی، شهرداری‌ها هستند. در حقیقت، شهرداری‌ها با لحاظ جایگاهی که در عرصه مدیریت امور شهری به عهده دارند از ظرفیت‌های مساعدی در زمینه حفظ و ارتقای سطح سلامت روانی و اجتماعی برخوردار هستند. خوشبختانه، قانونگذار ایران با درک اهمیت امر در مقررات متعددی از جمله قانون شهرداری‌ها ۱۳۳۴ (با لحاظ اصلاحات بعدی)، وظایف مهمی را در زمینه‌های توسعه آموزش همگانی، رعایت بهداشت ساکنین شهر و مقابله با اقدام‌هایی که سلامت شهروندان را به خطر می‌اندازد متوجه شهرداری نموده است؛ بدین ترتیب، شهرداری‌ها از رسالت‌های پیشگیرانه و درمانی و توانبخشی به صورت توأمان در عرصه حفظ سلامت روانی و اجتماعی برخوردار هستند. با این اوصاف، در طی این جستار تلاش بر آن است تا با تبیین و تشریح شاخص‌های سلامت روانی و اجتماعی به تعیین و بررسی قلمروی صلاحیت شهرداری‌ها در مقابله با ایراد لطمه به ابعاد سلامتی پادشده اقدام گردد.

واژگان کلیدی: سلامتی، سلامت اجتماعی، سلامت روانی، امنیت اجتماعی و مدیریت شهری.

۱- دانش‌آموخته کارشناسی ارشد حقوق عمومی دانشگاه آزاد اسلامی واحد مرودشت Ramezani10200@gmail.com

۱- مقدمه

حق بر سلامت^۱ در زمره مصداق‌های حقوق بشری^۲ و شهروندی به شمار می‌آید که حکومت‌ها موظف به تأمین و ارتقای سطح سطح آن در جوامع هستند. در این زمینه، حق بر سلامت تنها شامل سلامت جسمی نیست بلکه در یک قلمروی گسترده‌تر، شامل گونه‌های مهمی چون سلامت روانی و اجتماعی نیز می‌گردد. سلامت روانی و اجتماعی به عنوان ابعاد مهمی از سلامت از برهم‌کنشی با یکدیگر برخوردار هستند؛ بدین‌ترتیب، حفظ و تضمین سلامت اجتماعی بدون تأمین سلامت روانی افراد قابل تصور نیست. به بیانی روشن‌تر، ابعاد مذکور از سلامت در شمار مفاهیم درهم‌تنیده‌ای هستند که برای برخورداری از جامعه‌ای پویا، سالم و منسجم، تأمین هر دوی آن‌ها ضروری است. در این مسیر، تأمین حق سلامتی تنها در انحصار وظایف دولت‌ها جای نمی‌گیرد بلکه سایر نهادها به ویژه شهرداری‌ها هم به خاطر جایگاهی که در تأمین حقوق شهروندان دارند قدرت مداخله در این زمینه پیدا می‌کنند؛ بدین‌ترتیب، شهرداری‌ها می‌توانند کارکرد متنوعی از پیشگیری تا درمان و توانبخشی را در حوزه سلامت روانی و اجتماعی به عمل آورند.

خوشبختانه با نگاهی به مقررات موضوعه ملاحظه می‌شود که قانونگذار در تعیین صلاحیت شهرداری‌ها به این موضوع نیز توجه نشان داده است؛ بدین‌ترتیب، قانونگذار در موارد متعددی به ویژه در تبیین وظایف شهرداری‌ها به شرح موجود در ماده ۵۵ قانون شهرداری‌ها ۱۳۳۴ (با لحاظ اصلاحات بعدی)، شهرداری‌ها را موظف به حفظ بهداشت و سلامت شهروندان به صورت مطلق نموده است. به هر روی، آشکار است که شهرداری‌ها با لحاظ ماهیت و جایگاه قانونی که در زمینه مدیریت امور شهری به عهده دارند از امکان مداخله بالایی در عرصه تأمین و پاسداشت از سلامت روانی و اجتماعی برخوردار هستند.

روش انجام این تحقیق بر پایه مطالعه‌های توصیفی و تحلیلی استوار شده است. در این زمینه، تلاش شده است تا با جستجوی مفاهیم و عبارت‌های کلیدی مثل «سلامت روانی-اجتماعی» و «مداخله شهرداری‌ها در عرصه سلامت» در پایگاه‌های اطلاعاتی مثل مگ‌ایران،^۳ نورمگز،^۴ پرتال جامع علوم انسانی^۵ و علم‌نت^۶ به بررسی و ارزیابی منابع مرتبط با موضوع جستار حاضر مبادرت شود. با این اوصاف، در طی جستار حاضر تلاش بر آن است تا در گام نخست به تبیین و تشریح مفاهیم سلامت و گونه‌شناسی آن مبادرت شود و سپس، شناسایی و بررسی شاخص‌های تشکیل‌دهنده هریک از این ابعاد سلامت در دستور کار قرار گیرد. متعاقب بر آن، از رهگذر شناخت مناسبی که در خصوص مفاهیم و شاخص‌های سلامت روانی و اجتماعی به دست آمد به بررسی و ارزیابی جایگاه و عملکرد شهرداری‌ها در تأمین و سرمایه‌گذاری بر هریک از حوزه‌های سلامت روانی و اجتماعی اقدام می‌شود. سرانجام نیز کارکرد پیشگیرانه شهرداری‌ها (پیشگیری سطوح اول، دوم و سوم) در راستای مقابله با ایراد آسیب و لطمه به سلامت روانی و اجتماعی مشمول بررسی قرار می‌گیرد.

۲- سلامت و گونه‌شناسی آن

به منظور کسب شناخت مناسب از مفهوم و قلمروی موضوعی سلامت در گام نخست آن را تعریف نموده و متعاقب بر آن، گونه‌شناسی آن در دستور کار قرار می‌گیرد.

۱-۲- تعریف سلامت

مطابق با فرهنگ واژه‌های فارسی، سلامت به معنای بی‌گزندشدن، بی‌عیب شدن، رهایی‌یافتن و نجات‌یافتن آمده است. (معین ۱۳۸۶: ۸۷۱) همچنین به ترتیب معادل انگلیسی و فرانسوی واژه سلامت، health (رفیعی ۱۳۹۱: ۲۴۴) و santé (لطفی و کوثری ۱۳۹۴: ۲۱۲) است. در اصطلاح، بنا به تعریف سازمان جهانی بهداشت (WHO)،^۷ سلامتی حالت کاملی از رفاه جسمی، روانی و اجتماعی است و صرفاً [به معنای] عدم وجود بیماری یا ناتوانی نیست.^۸ در این خصوص گفته شده است، تعریف سلامت از منظر

1. The right to health.

در ایران، قانون اساسی و بسیاری از اسناد بالادستی، حق سلامتی را به عنوان یک حق بنیادین به رسمیت شناخته‌اند و آن را در نظام حقوقی خود شناسایی کرده‌اند. (عباسی و دیگران ۱۳۹۳: ۱۹۶)

۲. در این خصوص، در ماده ۱۲ میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی ۱۹۶۶ آمده است که دولت‌های عضو این میثاق، حق هر فردی را به بهره‌مندی از بالاترین استاندارد قابل حصول سلامتی جسمی و روانی به رسمیت می‌شناسند. به منظور ملاحظه ترجمه متن انگلیسی این سند بین‌المللی به پایگاه مرکز اطلاعات سازمان ملل متحد در تهران به آدرس زیر مراجعه نمایید:

<http://www.unic-ir.org/hr/convention-ec.htm> (Accessed: November 4, 2020)

3. <https://www.magiran.com/>

4. <https://www.noormags.ir/>

5. <http://ensani.ir/fa>

6. <https://elmnet.ir/>

7. World Health Organization (WHO).

8. <https://www.who.int/about/who-we-are/constitution> (Accessed: November 6, 2020)

سازمان جهانی بهداشت (WHO) از ابتدا با منطق رفاه کامل در سه بعد اصلی جسمی، روانی و اجتماعی شروع و با مباحث و اقدام‌های مرتبط با بعد سلامت معنوی در گذر زمان تکمیل شده است. (فیض‌آبادی و دیگران ۱۳۹۶: ۱۶۲)

در یک مفهوم وسیع‌تر، در اسناد بین‌المللی منظور از سلامتی هم سلامت جسم و هم سلامت روان است و بعضاً در کنار این دو، سلامت اجتماعی و معنوی نیز به کار رفته است و این اسناد تمتع هرکس را از بهترین حالات جسمی و روانی ممکن‌الحصول بدون درنظرگرفتن تفاوت‌های نژادی، مذهبی، باورهای سیاسی، شرایط اقتصادی اجتماعی به رسمیت می‌شناسند و تدابیری که دولت‌ها باید برای استیفای کامل بهداشت و سلامت و تأمین امکان یک زندگی سالم اتخاذ کنند بیان می‌دارد. (عباسی و دیگران ۱۳۹۴: ۱۴۵)

۲-۲- گونه‌شناسی سلامت

زمانی که صحبت از سلامتی می‌شود تنها منصرف به سلامت جسمی نمی‌شود بلکه در یک قلمروی وسیع‌تر، مشتمل بر گونه‌های روانی و اجتماعی نیز می‌گردد. در این راستا، به منظور کسب شناخت لازم از قلمروی موضوعی سلامت، تبیین برخی از مهمترین انواع سلامتی به ترتیب زیر در دستور کار قرار می‌گیرد.

۲-۲-۱- سلامت جسمی

سلامت جسمی^۱ شناخته‌شده‌ترین گونه سلامت محسوب می‌شود؛ در این خصوص گفته شده است، سلامت جسمی به معنای عملکرد مناسب بدن است. (Tassoni 2006: 329)

۲-۲-۲- سلامت روحی

سلامت روحی^۲ به معنای توانایی دست پیدا کردن به صلح و آرامش از طریق خود است؛ این نوع از سلامتی به طور معمول با باورهای مذهبی افراد در ارتباط است. (Tassoni 2006: 329)

۲-۲-۳- سلامت عاطفی

سلامت عاطفی^۳ عبارت است از توانایی ما در تصدیق و احترام به احساسات خود و همچنین احساسات دیگران (Brocklesby 2011: 369).

۲-۲-۴- سلامت زیست‌محیطی

سلامتی زیست‌محیطی^۴ از آن دسته از ابعاد سلامتی انسان مثل کیفیت زندگی که به وسیله عوامل جسمانی، زیستی، اجتماعی و روانی در محیط زیست تعیین می‌شود، تشکیل می‌گردد. (1 Bassett 2012: 1)

۲-۲-۵- سلامت روانی

بهداشت یا سلامت روانی^۵ در شمار اقسام سلامت قرار می‌گیرد. در این خصوص، مطابق با رویکرد سازمان جهانی بهداشت (WHO) بهداشت روانی در درون مفهوم کلی بهداشت جای می‌گیرد و بهداشت یعنی، توانایی کامل برای ایفای نقش‌های اجتماعی، روانی و جسمی؛ بهداشت، تنها نبود بیماری یا عقب‌ماندگی نیست. (گنجی ۱۳۸۰: ۹) به دیگر سخن، سلامت روانی عبارت است از سازگاری انسان‌ها با یکدیگر و دنیای پیرامون خود همراه با حداکثر اثربخشی و خوشبختی. (Basavanthappa 2011: 25) نقص سلامت روانی بر سلامت عاطفی و جسمی تأثیر منفی گذاشته و توانایی افراد را در مواجهه با فعالیت‌های روزانه زندگی کاهش می‌دهد. (Macdonald 2011: 269) همچنین می‌توان در تعریف سلامت روانی رویکرد کاربردی‌تری را دنبال کرد؛ بدین ترتیب، منظور از این بعد از سلامت، مقابله با تشکیل و شدت گرفتن هرگونه اختلال و بیماری روانی در افراد و به دنبال آن، شیوع حس پویایی و نشاط در محیط‌های اجتماعی است.

1. Physical health.
2. Spiritual health.
3. Emotional health.
4. Environmental health.
5. Mental health.

۲-۶-۲- سلامت اجتماعی

مطابق با تعریف سازمان جهانی بهداشت (WHO)، سلامت اجتماعی^۱ یکی از ابعاد سلامت به شمار می‌آید و از دو بعد دیگر سلامت یعنی سلامت جسمی و روانی تاثیر پذیرفته و بر آن‌ها اثر متقابل دارد. کمیت و کیفیت تعامل فرد با اجتماع به منظور ارتقای رفاه آحاد جامعه یکی از تعاریف سلامت اجتماعی است. نتیجه نهایی این تعامل، ارتقای سرمایه اجتماعی، امنیت اجتماعی، کاهش فقر و بی عدالتی است و نقطه مقابل آن افزایش آسیب‌های اجتماعی است. (دماری و دیگران ۱۳۹۲: ۴۵) با این ترتیب می‌توان در تعریف سلامت اجتماعی چنین گفت، این بعد از سلامتی عبارت است از حفظ و پاسداری از سطح مناسبی از رفاه و امنیت آحاد جامعه و مقابله با هرگونه ناهنجاری و نقض ارزش‌های جامعه‌ی. در این تعریف، سلامت اجتماعی پیوند نزدیک و ناگسستگی با سلامت روانی دارد؛ زیرا بدیهی است که هرگونه اختلال روانی در افراد می‌تواند بستر مناسبی را برای جامعه‌ستیزی، پیدایش و شیوع ناهنجاری‌ها و آسیب‌های اجتماعی فراهم آورد. بنابراین به منظور حفظ و تضمین سلامت اجتماعی، تأمین سلامت روانی اعضای جامعه ضروری جلوه می‌کند. به بیانی روشن‌تر، نمی‌توان مفاهیم سلامتی اجتماعی و روانی را بدون ارتباط با یکدیگر در نظر گرفت؛ زیرا در غیر این صورت، هرگونه تلاش برای تأمین سلامت اجتماعی بدون احتساب سلامت روانی آحاد جامعه محکوم به شکست خواهد بود.

در حقیقت، این موضوع که اعضای یک جامعه از سلامت روان در سطح مناسبی برخوردار نباشد بر کارکرد آن جامعه تاثیر چشمگیری بر جای خواهد گذاشت؛ چرا که لازمه پویایی و توسعه جامعه مستلزم سلامت تابان آن است. چطور امکان دارد افراد جامعه دچار بیماری باشند ولی جامعه در سلامت به سر برد. به دیگر سخن، سلامت روانی از جایگاه مهمی در تضمین پویایی و کارآمدی هر جامعه برخوردار است. (مذهب‌دار قشقایی ۱۳۹۲: ۵۵) در این خصوص همچنین گفته شده است، بهداشت و سلامت روانی در زمره نیازهای اجتماعی است؛ زیرا عملکرد مطلوب جامعه مستلزم برخورداری از افرادی است که از حیث سلامت و بهداشت روانی در وضعیت مطلوبی قرار داشته باشند؛ بر این اساس، یکی از اهداف و برنامه‌های نظام‌های اجتماعی، تلاش به منظور بالابردن رفاه و بهزیستی افراد جامعه است. (موحد ابطی ۱۳۸۳: ۴)

۳- صلاحیت شهرداری‌ها در عرصه حفظ و ارتقاء سطح شاخص‌های سلامت روانی و اجتماعی

برای تشخیص سلامت روانی و اجتماعی در هر مقیاسی اعم از محله، شهر، استان و غیره لازم است یک‌سری شاخص‌هایی مشمول بررسی و ارزیابی قرار گیرند؛ شناسایی و بررسی شاخص‌های مذکور این آگاهی را در دسترس مخاطب قرار می‌دهد تا به سهولت در مورد اندازه‌گیری و سنجش سلامت روانی و اجتماعی مطالعه و کاوش انجام دهد. با این اوصاف، به موازات تبیین شاخص‌های سلامت روانی و اجتماعی، به تشریح و بررسی صلاحیت شهرداری‌های در تأمین و رعایت چنین شاخص‌هایی نیز مبادرت می‌شود تا از این رهگذر به روشنی تعیین گردد که شهرداری‌ها در حوزه سلامت روانی و اجتماعی از چه ظرفیت‌های قانونی برخوردار هستند. با این مقدمه، در گام نخست به معرفی و تشریح شاخص مقابله با اعتیاد و درمان مبتلایان به آن اقدام می‌شود.

۳-۱- مقابله با اعتیاد به مواد و درمان مبتلایان به آن

یکی از مهمترین شاخص‌های سلامت روانی و اجتماعی، پیشگیری از اعتیاد به مواد و درمان مبتلایان به آن است؛ در این‌جا منظور از مواد اعم از مواد مخدر، روانگردان و مشروبات الکلی است. با این اوصاف، برای تعیین و شناسایی جایگاه قانونی شهرداری‌ها در زمینه پیشگیری از اعتیاد به مواد و درمان مبتلایان به آن، ابتدا مواد مخدر و روانگردان و سپس مشروبات الکلی تشریح و بررسی می‌شود.

۳-۱-۱- اعتیاد به مواد مخدر و روانگردان

یکی از مهمترین عوامل تهدیدکننده سلامت روانی و اجتماعی، شیوع استفاده از مواد مخدر و روانگردان در میان آحاد جامعه است. در این راستا، شهرداری‌ها به لحاظ نقشی که در حوزه مدیریت امور شهری دارند از وظایف مهمی نیز در راستای مقابله با شیوع مواد مخدر و روانگردان برخوردار هستند؛ در این خصوص، به موجب بند ۳ قسمت «ث» ماده ۸۰ قانون برنامه پنج‌ساله ششم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران ۱۳۹۵: «... از طریق وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی (سازمان بهزیستی) با همکاری شهرداری‌ها نسبت به بهره‌برداری و تکمیل مراکز نگهداری، درمان و کاهش آسیب معتادان متجاهر و بی‌خانمان و راه‌اندازی مراکز جامع توانمندسازی و صیانت اجتماعی برای معتادان بهبودیافته در استان‌ها با رعایت احکام ماده (۷۰)

1. Social health.

این قانون اقدام نماید. اداره این مراکز به عهده سازمان بهزیستی کشور یا شهرداری‌ها حسب مورد با بهره‌گیری از ظرفیت سازمان‌های مردم‌نهاد و بخش غیردولتی خواهد بود ...».

همانطور که در ماده قانونی بالا مشاهده می‌شود، شهرداری‌ها به عنوان یکی از نهادهای کنشگر در زمینه حفظ سلامت اجتماعی از طریق درمان و توانبخشی افراد معتاد به مواد مخدر شناسایی شده است؛ در این زمینه، شهرداری‌ها نه تنها در زمینه فراهم‌سازی وسایل درمان اعتیاد بلکه به منظور جلوگیری از ابتلای مجدد افراد به اعتیاد از طریق راه‌اندازی مراکز جامع توانمندسازی و صیانت اجتماعی برخوردار از صلاحیت شناخته شده‌اند. البته این موضوع تنها به عنوان وظیفه انحصاری شهرداری‌ها مدنظر قرار نگرفته است بلکه سایر نهادها به ویژه وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی نیز از رسالت‌های مهمی در همکاری با شهرداری‌ها برخوردار شده‌اند.

۳-۱-۲- اعتیاد به مصرف مشروبات الکلی

یکی از عوامل راجع به حفظ سلامت روانی و اجتماعی مقابله با اعتیاد به مصرف مشروبات الکلی است؛ بدین ترتیب، با توجه به آثار سوء ناشی از اعتیاد به مواد مذکور، مقابله با اعتیاد و درمان مبتلایان به آن به منظور تأمین سلامت اجتماعی سنجیده ارزیابی می‌گردد. به بیانی روشن‌تر، اعتیاد به مصرف مشروبات الکلی نیز به مانند اعتیاد به مواد مخدر و روانگردان تنها از پیامدهای فردی برخوردار نبوده بلکه دارای عوارض اجتماعی نیز است. در این راستا همچنین گفته شده است، مصرف الکل و الگوی شرب‌خواری با افزایش خطر پیامدهای منفی اجتماعی در فرد همراه است. (Haerens 2012: 51) به دیگر سخن، اعتیاد به نوشیدن الکل (الکیسم)^۱ منجر به ترویج بی‌اخلاقی، خشونت علیه زنان، آزار جنسی، تجاوز، جنایت، قتل عمد، فقر و غیره در جامعه می‌شود. (Clement 2012: 61)

در این مسیر، هرچند شهرداری‌ها به نحو صریح دارای وظایف قانونی نیستند^۲ اما به لحاظ جایگاهی که در مدیریت امور شهری دارند از پتانسیل مناسبی به منظور مقابله با اعتیاد به مصرف مشروبات الکلی و پیامدهای آن در زندگی فردی و اجتماعی برخوردار هستند. خوشبختانه شهرداری تهران رویکرد مناسبی را در زمینه مقابله با ترک اعتیاد به مصرف مشروبات الکلی اتخاذ نموده است. در این زمینه، نهاد یادشده نه تنها به تأسیس مراکز ترک الکل ورود نموده است بلکه در حوزه پیشگیری از اعتیاد به مصرف مشروبات الکلی نیز فعالیت می‌نماید.^۳ هرچند اتخاذ چنین تدابیری تنها زمانی می‌تواند به نتیجه مناسبی منتج شود که به صورت یکپارچه و به میزان کافی در سطح تمامی مناطق کشور انجام شود اما نمی‌توان از نوع سیاست اتخاذی شهرداری تهران در زمینه اهتمام توأمان به تدابیر پیشگیرانه و درمان و توانبخشی نیز چشم‌پوشی کرد.

۳-۲- پیشگیری و درمان اختلال‌های روانی

یکی از مهمترین شاخص‌های مربوط به سلامت روانی و اجتماعی، پیشگیری و درمان اختلال‌های روانی^۴ است؛ اختلال‌های روانی از جمله افسردگی منشأ بسیاری از آسیب‌های اجتماعی به شمار می‌آیند؛ از این رو، به منظور داشتن جامعه‌ای سالم لازم است تا در مقابل بروز و تشدید اختلال‌های روانی تدابیر مناسبی اندیشیده و به کار گرفته شود. در رابطه با تأثیرگذاری اختلال روانی بر بروز و تشدید آسیب‌های اجتماعی، مطابق با تحقیقی که در میان ۹۲ نفر از زنان آسیب‌دیده اجتماعی و ۱۵۴ نفر از زنان عادی بوشهری انجام شد مشخص گردید که زنان آسیب‌دیده اجتماعی در مقایسه با زنان عادی در ۱۱ اختلال از ۱۴ اختلال شخصیت و در همه ۱۰ نشانگان بالینی شخصیت به طور معناداری اختلال بیشتری نشان می‌دهند. (پاکیزه ۱۳۹۱: ۷۹) با این اوصاف، شهرداری‌ها به منظور عمل به وظایف قانونی خود در عرصه مدیریت شهری ناگزیر به تمرکز و تدبیرگشایی در زمینه پیشگیری و درمان اختلال‌های روانی افراد جامعه هستند؛ در غیر این صورت، امکان داشتن شهری پویا و سالم دور از تصور است.

1. Alcoholism.

۲. در این خصوص، شهرداری‌ها به موجب بند ۴ ماده ۵۵ قانون شهرداری‌ها ۱۳۳۴ (با لحاظ اصلاحات بعدی)، موظف به مراقبت در امور بهداشت ساکنین شهر هستند؛ بنابراین از آنجا که واژه «بهداشت» به شکل مطلق در ماده قانونی مذکور کار رفته است می‌توان آن را مشتمل بر همه موارد نقض سلامت اعم از زیستی، روانی و اجتماعی دانست.

۳. در این خصوص همچنین آمده است: «شهرداری تهران سازمانی است که ارائه بخشی از خدمات ترک اعتیاد الکل به متقاضیان را برعهده گرفته است. اگرچه شهرداری در موضوع ترک الکل مستقیماً هیچگونه وظیفه‌ای را عهده دار نیست اما به گفته مدیرعامل سازمان رفاه و خدمات شهرداری تهران، این سازمان از تمام ظرفیت و توان خود برای بهبود استانداردهای زندگی در شهر تهران استفاده می‌کند که ارائه خدمات ترک الکل در این راستا انجام می‌شود». به نقل از: مسئولیت مراکز ترک اعتیاد الکل با کیست؟ (۱۳۹۵/۵/۵)؛ پایگاه خبری مشرق‌نیوز.

4. Mental disorder.

در حقیقت، شهرداری‌ها تنها مؤلف به رعایت بهداشت جسمی شهروندان نبوده بلکه در مقابل بهداشت روانی آن‌ها نیز دارای تکلیف هستند. در این زمینه، بند ۴ ماده ۵۵ قانون شهرداری‌ها ۱۳۳۴ (با لحاظ اصلاحات بعدی)، مراقبت از بهداشت ساکنان شهر را در زمره وظایف شهرداری ذکر نموده است. خوشبختانه در همین اواخر شهرداری‌ها با درک اهمیت بالای حفظ و ارتقای سطح سلامت روانی شهروندان، کمپینی با عنوان سلامت روان راه‌اندازی نمودند. هدف اصلی این کمپین درمان اختلال‌های روانی افراد از طریق استفاده از متخصصان امر است.^۱ با این مراتب، سنجیده آن است تا با استفاده از تمامی ظرفیت‌های موجود، مراکز مربوط به درمان اختلال‌های روانی شهروندان در همه شهرها تأسیس و مدنظر قرار گیرد؛ چرا که سلامت روان جامعه ایرانی در یک نمای کلی مدنظر بوده و تنها به پایتخت یا کلان‌شهرها خلاصه نمی‌شود. این مسئله به ویژه در مقطع کنونی با شیوع ویروس کرونا^۲ در جامعه از اهمیت دوچندانی نیز برخوردار شده است؛ بدین ترتیب، مناسب است تا تمامی نهادها از جمله شهرداری‌ها با احتساب ظرفیت‌هایی که دارند در حوزه سلامت روان آحاد شهروندان اقدام‌های مورد نیاز را انجام دهند.

۳-۳- خشونت‌زدایی

یکی از مهمترین شاخص‌های مربوط به سلامت روانی و اجتماعی، خشونت‌زدایی و مقابله با خشونت خیابانی است. شیوع و تشدید خشونت در جامعه می‌تواند تمامی جامعه را تحت تأثیر قرار دهد و سلامت روانی و اجتماعی را به مخاطره اندازد. در این راستا، شهرداری‌ها از ظرفیت‌های مناسبی برای حفظ و ارتقای سلامت روانی و اجتماعی از طریق خشونت‌زدایی و مقابله با خشونت خیابانی برخوردار هستند.

در واقع، شهرداری‌ها با استفاده از اصول مناسب در طراحی فضاهای شهری و مقابله با حاشیه‌نشینی می‌توانند در حوزه مقابله با خشونت اقدام‌های مؤثری را انجام دهند؛ در این خصوص، مطابق با تحقیقی که بر تعداد ۴۰۰ نفر از شهروندان تهرانی از پنج حوزه شهری شمال، جنوب، شرق، غرب و مرکز تهران انجام شد مشخص گردید که میزان بروز خشونت‌های شهری در فضاهای مختلف شهری به یک میزان نیست و برخی فضاهای شهری (فضاهای بی دفاع) به سبب ویژگی‌های کالبدی و اجتماعی به صورت بالقوه پذیرای خشونت هستند و بستری مطمئن برای فعالیت‌های امنیت‌زدا و خشونت‌آمیز فراهم می‌کنند. (محسنی و دیگران ۱۳۹۵: ۱۲۵) به علاوه مطابق با تحقیقی که در میان ۴۰۰ نفر از جوانان ۱۵ تا ۲۹ ساله ساکن در چهار منطقه در شهر کرمانشاه شامل دو منطقه حاشیه‌ای به نام‌های جعفرآباد و دولت‌آباد و دو منطقه غیرحاشیه‌ای به نام مسکن و الهیه انجام شد مشخص گردید که وضعیت مالکیت مسکن و تراکم تعداد افراد در مسکن بر میزان خشونت مؤثر است. (کریمی و دیگران ۱۳۹۵: ۸۳) البته بدیهی است که تمامی عوامل مربوط به خشونت در جامعه منحصر به طراحی شهری و نوع مسکن و موارد مرتبط با آن نیست اما حداقل یکی از عوامل آن را تشکیل می‌دهد؛ بدین ترتیب، شهرداری‌ها می‌توانند با تکیه بر ظرفیت‌های قانونی^۳ خود برخی از عوامل شیوع خشونت در جامعه را تا حدی خنثی کنند.

۳-۴- فقرزدایی و ایجاد رفاه اقتصادی

یکی از شاخص‌های راجع به سلامت روانی و اجتماعی، فقرزدایی و ایجاد رفاه اقتصادی است. بدیهی است، جامعه‌ای که بخش قابل توجهی از اعضای آن دچار فقر اقتصادی باشند نمی‌تواند کارکرد مناسب و مؤثری از خود نشان دهد. البته این موضوع را نیز باید دقت داشت که فقر اقتصادی می‌تواند زمینه‌ساز بسیاری از انحراف‌ها و آسیب‌های اجتماعی مثل طلاق، اعتیاد، سرقت، فساد و غیره باشد. در این راستا، شهرداری‌ها با عمل به وظایفی که در مقابل افراد فقیر و بی‌بضاعت مثل تهیه مسکن ارزان‌قیمت و ایجاد شغل به عهده دارند می‌توانند اقدام‌های مؤثری در زمینه فقرزدایی انجام دهند؛ به طور مثال، طبق بند ۲۱ ماده ۵۵ قانون شهرداری‌ها ۱۳۳۴ (با لحاظ اصلاحات بعدی)، شهرداری‌ها مؤلف هستند تا با اتخاذ تدابیر لازم ساختمان خانه‌های ارزان‌قیمت

۱. در این باره گفته شده است، «مدیرکل سلامت شهرداری تهران با بیان اینکه این کمپین با همکاری ۱۷ ارگان و نهاد علمی اجرا می‌شود، اعلام کرد: از جمله این نهادها و سازمان‌ها می‌توان به شورای اسلامی شهر تهران، انجمن روانپزشکی ایران، انجمن روانکاوای ایران، انجمن علمی روانشناسی، دانشگاه علامه، دانشگاه تهران، دانشگاه بهزیستی، وزارت بهداشت و قوه قضاییه اشاره کرد». به نقل از: کمپین «سلامت روان» از اردیبهشت ۹۸ در پایتخت راه‌اندازی می‌شود (۱۳۹۷/۱۲/۲۲)؛ باشگاه خبرنگاران جوان.

۲. در این خصوص لازم به توضیح است: «در پایان دسامبر ۲۰۱۹، گسترش یک بیماری عفونی جدید در شهر ووهان چین گزارش شد که توسط یک کروناویروس جدید ایجاد شده و رسماً توسط سازمان بهداشت جهانی (WHO) به عنوان کووید-۱۹ نام‌گذاری گردید. گسترش کووید-۱۹ به دلیل سرعت انتقال آن منحصر به فرد بوده که باعث ایجاد یک وضعیت اورژانس در بهداشت جهانی طی کمتر از چند ماه در سراسر کشورهای جهان شد. این بیماری نه تنها سبب نگرانی‌های سلامت همگانی می‌گردد بلکه سبب بروز تعدادی از بیماری‌های روانشناختی می‌شود، که شامل اضطراب، ترس، افسردگی، برچسب‌زنی، رفتارهای اجتنابی، تحریک‌پذیری، اختلال خواب، و اختلال استرس پس از سانحه (PTSD) می‌باشد». به نقل از: شهیاد، شیما و محمدی، محمد تقی (۱۳۹۹)؛ آثار روان‌شناختی گسترش بیماری کووید-۱۹ بر وضعیت سلامت روان افراد جامعه: مطالعه مروری، مجله طب نظامی، شماره ۲، ص ۱۸۴.

۳. در این خصوص، مطابق با بند ۱ ماده ۵۵ قانون شهرداری‌ها ۱۳۳۴ (با لحاظ اصلاحات بعدی) در زمره وظایف نهاد مذکور ایجاد خیابان‌ها و کوچه‌ها و میدان‌ها و باغ‌های عمومی و مجاری آب و توسعه معابر در حدود قوانین موضوعه قرار دارد.

برای اشخاص بی بضاعت ساکن شهر فراهم کنند. بنابراین همانطور که ملاحظه می‌شود، شهرداری‌ها در عرصه فقرزدایی و ایجاد رفاه اقتصادی از ظرفیت‌های قانونی مناسبی برخوردار هستند.

۳-۵- اشتغال‌زایی و کاهش نرخ بیکاری

اشتغال‌زایی و کاهش نرخ بیکاری در زمره مهمترین شاخص‌های سلامت روانی و اجتماعی به شمار می‌آیند. در این خصوص، بیکاری و ایجاد نکردن فرصت‌های شغلی لازم برای آحاد جامعه می‌تواند پیامدهای مخربی را برای جامعه به همراه داشته باشد. به بیانی روشن‌تر، بیکاری می‌تواند منشأ بسیاری از آسیب‌های اجتماعی از جمله ولگردی، اعتیاد، مشاغل کاذب و غیره باشد. در این خصوص گفته شده است، بیکاری از دو جهت بر افزایش آسیب‌های اجتماعی تأثیرگذار است؛ نخست آن که افراد در گروه‌هایی که در این فضاها ایجاد می‌شود هویت‌یابی گروهی می‌کنند و از حمایت اجتماعی برخوردار می‌شوند و عدم هویت‌یابی و برخورداری از حمایت گروهی (به عنوان عوامل اجتماعی که نقش تعیین‌کننده‌ای در سلامت اجتماعی انسان دارند) در افزایش آسیب‌های اجتماعی مؤثر است. دوم آن که بیکاری منجر به عدم تأمین نیاز مالی افراد می‌شود و این مسئله به دلیل ناکامی منزلتی و عدم دستیابی به اهدافی که به دنبال دارند، گرایش آن‌ها به آسیب‌های اجتماعی را افزایش می‌دهد. (زندى و رضایی ۱۳۹۴: ۶)

در حقیقت، بیکاری تنها از پیامدهای اقتصادی برای فرد بیکار برخوردار نیست بلکه می‌تواند با برهم‌زدن سلامت روان فرد بیکار، زمینه بروز ناهنجاری‌ها و آسیب‌های اجتماعی را پدید آورد.^۱

در این مسیر، اگرچه شهرداری‌ها به عنوان متولی ایجاد اشتغال و مقابله با نرخ بیکاری در جامعه به حساب می‌آیند اما از ظرفیت‌های قانونی مناسبی برای اشتغال‌زایی برخوردار هستند.^۲ در این خصوص، شهرداری‌ها به لحاظ جایگاهی که در امور مدیریت شهری داشته و به دنبال آن، پروژه‌های متعدد و متنوعی را که برای رفع نیازهای شهروندان و در راستای وظایف خود انجام می‌دهند این امکان را دارند تا در کاهش نرخ بیکاری افراد اثرگذاری مستقیم داشته باشند. بنابراین شهرداری‌ها با حجم بالای پروژه‌هایی که در اختیار دارند می‌توانند فرصت‌های برابری برای اشتغال افراد بیکار ایجاد کنند؛ از این‌رو، هرچه بر تنوع و تعدد پروژه‌های شهری اضافه شود به همان میزان نیز بر فرصت‌های شغلی افزوده می‌گردد.

۳-۶- ساماندهی و مراقبت از زنان خیابانی و کودکان کار

ساماندهی و مراقبت از زنان خیابانی و کودکان کار در زمره شاخص‌های دیگر سلامت روانی و اجتماعی را تشکیل می‌دهد. در این خصوص، یکی از مهمترین پیامدهای منفی اجتماعی در مورد حضور زنان خیابانی و کودکان کار در جامعه، اتخاذ رویکرد منفعل و رهاکردن آن‌ها است؛ رهاسازی آن‌ها می‌تواند پیامدهای مخربی برای آحاد جامعه در زمینه‌های آزار جنسی، تجاوز، شیوع فحشاء، کودک‌آزاری و غیره به همراه داشته باشد؛ بدین ترتیب، به منظور حفظ سلامت اجتماعی لازم تا رسیدگی و مراقبت از زنان خیابانی و کودکان کار در دستور کار قرار گیرد. در این مسیر، شهرداری‌ها با التفات به جایگاهی که در عرصه مدیریت امور شهری دارند از ظرفیت‌های مساعدی در زمینه ساماندهی و مراقبت از زنان خیابانی و کودکان کار برخوردار هستند.

در این رابطه، مطابق با بند ۳ ماده ۶ آیین‌نامه ساماندهی کودکان کار و خیابان مصوب ۱۳۸۴، شهرداری‌ها موظف به ایجاد فضا و امکانات لازم به منظور گردآوری و ساماندهی کودکان کار و خیابانی هستند. همچنین طبق ماده ۲ آیین‌نامه بالا، شهرداری‌ها مکلف هستند تا با همکاری و مشارکت بهزیستی نسبت به شناسایی، جذب، پذیرش و توانمندسازی کودکان خیابانی اقدام کنند.

در ارتباط با زنان خیابانی نیز شهرداری می‌تواند اقدام‌های مناسبی را انجام دهد. در این زمینه، شهرداری برای نخستین بار در سال ۱۳۹۲ مبادرت به تأسیس «کمپ بازپروری بانوان معتاد خیابانی» در تهرانسر نمود.^۳ اتخاذ چنین سیاستی می‌تواند جامعه را در مقابل پیامدهای سوء ناشی از رهاسازی زنان خیابانی ایمن نگاه دارد. علاوه بر آن، این موضوع می‌تواند به درمان و توانبخشی بخشی از این زنان که از اعتیاد نیز رنج می‌برند مؤثر واقع شود. البته چنین سیاستی تنها زمانی می‌تواند توفیق قابل ملاحظه‌ای

۱. در این زمینه گفته شده است، زمانی که افراد از داشتن شغل آبرومند که از مؤلفه‌های مهم نشان‌دهنده سطح موفقیت در جامعه است محروم می‌شوند، داغ ننگ در اشکال پنهان و آشکار خود تمامی ابعاد پنهان و آشکار حیات فرد را تحت تأثیر خود قرار می‌دهد. این افراد به‌طور مداوم ناگزیرند این لکه ننگ را در زندگی روزمره خود پنهان و یا با تأثیرهای آن کنار بیایند. نتیجه منطقی این تنش عینی و ذهنی به تدریج سلامت روانی فرد را به مخاطره می‌اندازد. به نقل از: (رامشگر و دیگران ۱۳۹۶: ۲۰۳)

۲. به طور نمونه، یکی از این ظرفیت‌های قانونی در بند ۵ ماده ۵۵ قانون شهرداری‌ها ۱۳۳۴ (با لحاظ اصلاحات بعدی) مدنظر قرار گرفته است که به موجب آن، شهرداری‌ها موظف هستند برای گدایان، کار فراهم کنند.

۳. در این خصوص آمده است: «طبق اظهارات «رضا جاگیری» معاون اجتماعی سازمان رفاه و مشارکت های اجتماعی شهر تهران برای اولین بار در زمستان گذشته توسط شهرداری، کمپ بازپروری بانوان معتاد خیابانی در تهرانسر احداث شده است. معاون اجتماعی سازمان رفاه و مشارکت‌های اجتماعی شهر تهران گفته برای اولین بار توسط شهرداری کمپ بازپروری بانوان معتاد خیابانی در تهرانسر احداث شده که هم اکنون نیز به طور فعال به ارایه خدمات می‌پردازد...». به نقل از: اقدامات شهرداری و بهزیستی برای زنان خیابانی (۱۳۹۳/۳/۲۷)؛ روزنامه شرق، شماره ۲۰۴۱.

کسب کند که سرمایه‌گذاری مناسبی نیز در آن‌ها صورت پذیرد؛ بدین ترتیب، ایجاد چنین کمپ‌هایی به تعداد متناسب با میزان جمعیت شهرها، خدمات‌رسانی مناسب و برنامه‌ریزی و ایجاد فرصت‌های شغلی برای زمان پس از بهبودی آن‌ها می‌تواند از خیابانی‌شدن مجدد آن‌ها جلوگیری به عمل آورد و سلامت جامعه را بیش از پیش تضمین کند.

۳-۷- ارتقای مشارکت اجتماعی شهروندان

ارتقای مشارکت اجتماعی شهروندان در زمره شاخص‌های سلامت روانی و اجتماعی به حساب می‌آید که در یک جامعه مردم‌سالار نمود پیدا می‌کند. درحقیقت، ارتقای مشارکت اجتماعی آحاد جامعه حاکی از سلامت تابان آن جامعه است. در این خصوص، هدف از مشارکت اجتماعی، جلوگیری از انفعال و انزوای افراد و ترغیب ایشان در راستای به عهده‌گرفتن نقش‌ها و مسئولیت‌های اجتماعی در راستای ایجاد یک جامعه سالم و پویا است. در این مسیر، شهرداری‌ها این ظرفیت قانونی را دارند تا در راستای عمل به وظایف فرهنگی و اجتماعی، شهروندان را به منظور فعالیت در این عرصه‌ها ترغیب نموده و حس مسئولیت‌پذیری و مشارکت ایشان را در اداره بخشی از امور مهم جامعه بالا ببرند.^۱

۴- کارکرد شهرداری‌ها در عرصه پیشگیری از ایراد لطمه به سلامت روانی و اجتماعی

پس از آن‌که در مورد شاخص‌های سلامت روانی و اجتماعی و قلمروی صلاحیت قانونی شهرداری‌ها در مورد حفظ و ارتقای آن‌ها بحث و بررسی صورت گرفت حال نوبت آن فرا رسیده است تا به نقش پیشگیرانه شهرداری‌ها در حوزه مقابله با به خطر افتادن و ایراد لطمه به سلامت روانی و اجتماعی بررسی صورت پذیرد. در این راستا، با استفاده از مدل پزشکی پیشگیرانه (سطوح اول، دوم و سوم پیشگیرانه) به تعیین و بررسی چگونگی کارکرد شهرداری‌ها در حوزه حفظ و مراقبت از سلامت روانی و اجتماعی اقدام می‌شود.

۴-۱- پیشگیری سطح اول

پیشگیری سطح اول^۲ در راستای بهبود کیفیت سلامتی از طریق ارائه توصیه و اطلاعات به مردم در خصوص سالم‌ماندن تمرکز پیدا می‌کند. (Tassoni 2006: 329) بنابراین سطح نخست از این پیشگیری ناظر بر اقدام‌ها و تدابیری است که قبل از به خطر افتادن سلامت روانی و اجتماعی و به منظور پیشگیری از هرگونه اختلال یا بیماری در مورد ابعاد سلامتی یادشده شهروندان به منصفه اجرا می‌رسد. مهمترین راهبرد موجود در پیشگیری سطح اول، آموزش و ارتقای سطح آگاهی همگانی^۳ است. در این خصوص، هدف بر آن است تا با ارتقای سطح آگاهی افراد در مورد سلامت روانی و اجتماعی و شاخص‌های تشکیل‌دهنده آن، از وقوع هرگونه اختلال و یا بیماری در این زمینه جلوگیری به عمل آید.

خوشبختانه قانونگذار با درک اهمیت بالای آموزش همگانی، توسعه آن را به عنوان یکی از وظایف شهرداری‌ها ذکر نموده است؛ بدین‌صورت، به موجب بند ۵ ماده ۵۵ قانون شهرداری‌ها ۱۳۳۴ (با لحاظ اصلاحات بعدی) شهرداری‌ها موظف به توسعه آموزش عمومی شناخته شده‌اند. همچنین در بند ۶ ماده قانونی یادشده به تأسیس مؤسسات فرهنگی توجه به عمل آمده است.^۴ بنابراین شهرداری‌ها از صلاحیت قانونی مناسبی در مورد اجرای تدابیر پیشگیری سطح اول در حوزه حفظ و ارتقای سلامت روانی و اجتماعی برخوردار هستند؛ بدین‌ترتیب، شهرداری‌ها این امکان را دارند تا با ایجاد برنامه‌های آموزشی و فرهنگی، در مورد نحوه پیشگیری و مقابله با بروز اختلال‌ها و آسیب‌هایی مثل اعتیاد به مواد مخدر، روانگردان، الکل، خشونت خیابانی اطلاع‌رسانی کنند. در این خصوص همچنین گفته شده است، مدیریت شهری با عنایت به چهار کانون خانواده، محلات، مراکز آموزشی و محیط‌های کاری می‌تواند در اجرای برنامه‌های پیشگیری از اعتیاد در سالم‌سازی جامعه و تشویق مردم به تشکیل کانون‌های مبارزه با اعتیاد و جلب مشارکت مردمی جهت توسعه نظارت شهروندان به مدیریت شهری تلاش نماید. (خسروانی ۱۳۹۴: ۵۰) به علاوه،

۱. در این رابطه گفته شده است: «شهرداری باید درحوزه برنامه‌ریزی سلامت اجتماعی درسطح محلات از ظرفیت و توان مردم محلات در افزایش سطح مشارکت اجتماعی شهروندان استفاده کند و از محله محوری بعنوان نقطه عطف و کانونی برنامه‌های فرهنگی و اجتماعی شهرداری در تعیین راهبردهای توسعه سلامت اجتماعی بهره بگیرد ...». به نقل از: وظایف شهردار در مقابل شهروندان (۱۳۹۶/۶/۲۳)؛ شبکه اطلاع‌رسانی دانا.

2. Primary prevention.

3. Public awareness.

۴. طبق بند مذکور: «اجرای تبصره یک ماده ۸ قانون تعلیمات اجباری تأسیس مؤسسات فرهنگی و بهداشتی و تعاونی مانند بنگاه حمایت مادران و نوانخانه و پرورشگاه و درمانگاه و بیمارستان و شیرخوارگاه و تیمارستان و کتابخانه و کلاس‌های مبارزه با بی سواد و کودکستان و باغ کودکان و امثال آن در حدود اعتبارات مصوب و همچنین کمک به این قبیل مؤسسات و مساعدت مالی به انجمن تربیت بدنی و پیش آهنگی و کمک به انجمن‌های خانه و مدرسه و اردوی کار».

شهرداری‌های می‌توانند با ارتقای سطح آگاهی همگانی به جلوگیری از قربانی‌شدن یا سوءاستفاده از زنان خیابانی و کودکان کار بپردازد و در نتیجه، مانع به خطراتدن یا مختل شدن سلامت روانی و اجتماعی شود.

با این همه، مناسب آن است تا شهرداری‌ها با استفاده از تمامی ظرفیت‌های خود، برنامه‌های آموزشی متنوعی را در مورد حفظ و ارتقای شاخص‌های سلامت روانی و اجتماعی به مرحله اجرا برسانند تا از ورود هرگونه اختلال و آسیب در این زمینه خودداری شود. البته باید این نکته را دقت داشت که شهرداری‌ها می‌توانند از ظرفیت فضاهای پرتردد شهری نیز برای آموزش و ارتقای سطح آگاهی همگانی استفاده کنند. در این خصوص، ارائه مفاهیم آموزشی از طریق بیلبردها و نمایشگرها در فضاهای یادشده به همراه رعایت اصول زیباسازی شهری منجر به آن می‌شود تا القای مفاهیم یادشده به شهروندان بهتر و با سهولت بیشتری انجام شود.

۴-۲- پیشگیری سطح دوم

پیشگیری سطح دوم^۱ در راستای مراقبت از افراد در معرض خطر و جلوگیری از ایجاد اختلال در حوزه سلامت روانی و اجتماعی موضوعیت پیدا می‌کند. در این راستا، سیل پیشگیری دوم ناظر بر افراد یا محیط‌هایی است که به خاطر شرایط و خصوصیتی که دارند سلامت روانی و اجتماعی را به مخاطره می‌اندازند. در این خصوص، از افراد و محیط‌ها به صورت توانمند نام برده شد؛ به طور مثال، شناسایی زود هنگام زنان و کودکان خیابانی می‌تواند امکان مداخله به‌هنگام و جلوگیری از ایراد لطمه به سلامت جامعه را فراهم آورد؛ در غیر این صورت، امکان ارتکاب انواع سوءاستفاده، ارتکاب بزهکاری و غیره و به دنبال آن‌ها، ورود آسیب به سلامت روانی و اجتماعی متصور است. بنابراین در حوزه پیشگیری سطح دوم، شهرداری‌ها می‌توانند با شناسایی زود هنگام افراد در معرض خطر (مثل کودکان خیابانی) یا محیط‌های پرخطر (مثل بافت‌های فرسوده شهری^۲ که خطر ارتکاب بزهکاری را به دنبال دارند) به مقابله با ایراد آسیب و اختلال بر سلامت روانی و اجتماعی کمک کنند. در این مسیر، قانونگذار وظایف مهمی را به عهده شهرداری‌ها گذاشته است؛ بدین ترتیب، شهرداری‌ها در مورد کانون‌های پرخطر از قبیل بافت‌های فرسوده شهری موظف هستند^۳ تا نسبت به اصلاح و بهسازی و رفع خطر از آن‌ها اقدام‌های لازم را انجام دهند. همچنین طبق بند ۲۳ ماده ۵۵ قانون شهرداری‌ها ۱۳۳۴ (با لحاظ اصلاحات بعدی) شهرداری‌ها موظف به نگاهداری اطفال بی بضاعت و سرراهی هستند. همانطور که مشاهده می‌شود مهار و خنثی‌سازی عوامل خطر مثل فقر مالی و سرراهی‌بودن در کانون توجه قرار گرفته است؛ از همین‌رو، شهرداری‌ها ملزم به مداخله زود هنگام شناخته شده‌اند.

۴-۳- پیشگیری سطح سوم

پیشگیری سطح سوم^۴ آخرین سطح از تدابیر پیشگیرانه به شمار می‌آید که پس از ایجاد عوامل خطر و به منظور جلوگیری از عود یا شکل‌گیری مجدد آن‌ها به کار گرفته می‌شود؛ بدین ترتیب، تدابیر موجود در سطح سوم پیشگیری بر خلاف سطوح اول و دوم پیشگیری از جنبه پسینی و واکنشی برخوردار است. در این سطح از پیشگیری، شهرداری از صلاحیت مهمی به منظور جلوگیری از ورود لطمه مجدد به سلامتی روانی و اجتماعی برخوردار است؛ بدین صورت، در پیشگیری سطح سوم تدابیر درمانی و توانبخشی کاربرد پیدا می‌کنند. در این راستا، مناسب است تا با رویکردی پیشگیرانه اجرای تدابیر درمانی و توانبخشی برای افرادی مثل صاحبان اختلال روانی، افراد معتاد به مواد مخدر، روانگردان و مصرف مشروبات الکلی، زنان و کودکان خیابانی و ولگرد‌ها در دستور کار قرار گیرد. هرچند اتخاذ چنین تدابیری مستلزم صرف هزینه‌های کم و بیش زیاد و استفاده از افراد متخصص مثل مددکاران اجتماعی، روانشناسان و غیره دارد اما تأثیر چشمگیری در جلوگیری از لطمه مجدد به سلامت روانی و اجتماعی دارد. از طرف دیگر، لازم است تا کانون‌های بزهکاری (مکان‌هایی در شهرها که به عنوان پاتوق بزهکاران شناسایی می‌شود)^۵ شناسایی و تخریب یا مشمول سیاست‌های دیگری به منظور جلوگیری از ارتکاب مجدد بزهکاری قرار گیرند. در این جا باید یادآور شد، تفاوت سطوح دوم و سوم پیشگیری آن است که در پیشگیری سطح دوم، محیط‌هایی که خطر ارتکاب بزهکاری دارند مورد مداخله زود هنگام قرار می‌گیرند اما در پیشگیری سطح سوم، محیط‌ها و کانون‌هایی که بزهکاری در آن‌جا ارتکاب می‌یابد (از مرحله خطر ارتکاب بزهکاری گذشته و به مرحله فعلیت انجام بزهکاری رسیده است) مدنظر قرار می‌گیرند.

1. Secondary Prevention.

۲. در این رابطه آمده است: «یک آسیب‌شناس اجتماعی وجود بافت‌های فرسوده را نه تنها خطری بالقوه در صورت بروز حوادث طبیعی عنوان کرد بلکه این اماکن را فضای مناسبی جهت افزایش بزهکاری‌های اجتماعی توصیف کرد که می‌تواند فرهنگ ساکنان این مناطق را دچار خدشه کند». به نقل از: بافت‌های فرسوده امنیت جان، مال و فرهنگ مردم را به خطر می‌اندازد (۱۳۹۰/۱۰/۲۱)؛ روزنامه ایران، شماره ۴۹۸۶.

۳. در این خصوص، به موجب ماده ۴ قانون حمایت از احیاء، بهسازی و نوسازی بافت‌های فرسوده و ناکارآمد شهری ۱۳۸۹، شهرداری‌ها در کنار وزارت مسکن به عنوان مجریان طرح‌های احیاء، بهسازی و نوسازی شناخته شده‌اند.

4. Tertiary prevention.

۵. در این زمینه، برای کسب اطلاعات بیشتر، ر.ک: «پارک‌های گرگان پاتوق بزهکاران است/ لزوم تعامل شهرداری و نیروی انتظامی» (۱۳۹۳/۱۰/۳۰)؛ خبرگزاری مهر.

۵- نتیجه‌گیری

با بررسی که در این جستار انجام شد مشخص گردید که شهرداری‌ها از قلمروی صلاحیتی گسترده‌ای در راستای حفظ و ارتقای سطح سلامت روانی و اجتماعی برخوردار هستند؛ بدین ترتیب، قانونگذار در مقررات متعددی به ویژه قانون شهرداری‌ها ۱۳۳۴ (با لحاظ اصلاحات بعدی) وظایف مهمی را در زمینه حفظ سلامت روانی و اجتماعی به عهده شهرداری‌ها گذاشته است. در این مسیر، شهرداری‌ها از صلاحیت متنوعی در ابعاد پیشگیرانه سطوح اول، دوم و سوم به منظور حفظ سلامت روانی و اجتماعی برخوردار هستند؛ بدین صورت، در وهله اول شهرداری موظف هستند تا طبق رسالت کلی که در زمینه توسعه آموزش همگانی دارند به ارتقای سطح آگاهی جامعه در مقابل شاخص‌ها و قلمروی موضوعی سلامت روانی و اجتماعی اقدام کنند تا از این طریق، شهروندان با اقسام رفتارهای تهدیدکننده با ابعاد سلامتی یادشده آشنا شده و تدابیر لازم به منظور مقابله با آن‌ها را فرا گیرند. در عرصه پیشگیری سطح دوم نیز شهرداری‌ها از صلاحیت مناسبی در شناسایی زودهنگام افراد و محیط‌های در معرض خطر برخوردار هستند؛ از این رو، شهرداری‌ها از این قابلیت برخوردار هستند تا از یک طرف، با شناسایی زودهنگام زنان و کودکان خیابانی از آسیب‌دیدگی اجتماع جلوگیری به عمل آورند. از طرف دیگر، شهرداری‌ها می‌توانند با مداخله زودهنگام در برخی از محیط‌های شهری مثل بافت‌های فرسوده که خطر ارتکاب بزهکاری را به دنبال دارند مانع ایراد لطمه به سلامت روانی و اجتماعی شوند.

سرانجام در عرصه پیشگیری سطح سوم که از جنبه واکنشی برخوردار است، شهرداری‌ها این امکان را دارند تا با تمرکز بر تدابیر درمانی و توانبخشی از ورود لطمه مجدد به سلامت روانی و اجتماعی جلوگیری به عمل آورند؛ بدین ترتیب، شهرداری‌ها با اجرای تدابیر درمانی و توانبخشی بر افرادی مثل معتادان متجاهر که سلامت جامعه را مورد آسیب قرار داده‌اند از ورود لطمه مجدد و آسیب بیشتر به سلامت روانی و اجتماعی جلوگیری به عمل می‌آورند. در پایان باید خاطرنشان نمود، هرچند شهرداری‌ها از جایگاه مهمی در عرصه حفظ و ارتقای سطح روانی و اجتماعی برخوردار هستند اما رسیدن به سطح بالایی از سلامت روانی و اجتماعی نیازمند همکاری تمامی نهادهای مسئول در این زمینه است.

منابع

۱. پاکیزه، علی (۱۳۹۱)؛ مقایسه اختلالات شخصیت در زنان آسیب‌دیده اجتماعی با زنان عادی استان بوشهر، مجله شخصیت و تفاوت‌های فردی دانشگاه خلیج فارس بوشهر، ص ۷۹ تا ۹۱.
۲. خسروانی، هنگامه (۱۳۹۴)؛ روش‌های پیشگیری از اعتیاد و نقش مدیریت شهری در عرصه پیشگیری، نشریه سلامت اجتماعی و اعتیاد، شماره ۵، ص ۳۱ تا ۵۲.
۳. دماری، بهزاد؛ ناصحی، عباس و وثوق مقدم، عباس (۱۳۹۲)؛ برای ارتقای سلامت اجتماعی ایرانیان چه کنیم؟ مروری بر وضع موجود، راهبردهای ملی و نقش وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی؛ مجله دانشکده بهداشت و انستیتو تحقیقات بهداشتی؛ شماره ۱، ص ۴۵ تا ۵۸.
۴. رامشگر، حسین؛ نایی، هوشنگ و محسنی تبریزی، علیرضا (۱۳۹۶)؛ بررسی اثر داغ ننگ بیکاری بر سلامت روان بیکاران، نشریه رفاه اجتماعی، شماره ۶۷، ص ۲۰۳ تا ۲۳۱.
۵. رفیعی، محمد تقی (۱۳۹۱)؛ فرهنگ حقوقی مجد، انتشارات مجد، چاپ دوازدهم، تهران.
۶. زندی، فاطمه و رضایی، مریم (۱۳۹۴)؛ بررسی چگونگی تأثیر بیکاری در افزایش آسیب‌های اجتماعی، کنفرانس بین‌المللی علوم انسانی، روانشناسی و علوم اجتماعی، تهران، ص ۱ تا ۸.
۷. شهیاد، شیما و محمدی، محمد تقی (۱۳۹۹)؛ آثار روان‌شناختی گسترش بیماری کووید-۱۹ بر وضعیت سلامت روان افراد جامعه؛ مطالعه مروری، مجله طب نظامی، شماره ۲، ص ۱۸۴ تا ۱۹۲.
۸. عباسی، محمود؛ رضایی، راحله و دهقانی، غزاله (۱۳۹۳)؛ مفهوم و جایگاه حق بر سلامت در نظام حقوقی ایران، فصلنامه حقوق پزشکی، شماره ۳۰، ص ۱۸۳ تا ۱۹۹.
۹. عباسی، محمود؛ غزاله، دهقانی و رضایی، راحله (۱۳۹۴)؛ الزامات حقوقی اسناد بین‌المللی در قبال بهداشت و سلامت عمومی و چالش‌های فراوری آن، مجله علمی سازمان نظام پزشکی جمهوری اسلامی ایران، شماره ۲، ص ۱۳۸ تا ۱۴۶.
۱۰. کریمی، جلیل؛ واعظزاده، ساجده و ایاسه، علی (۱۳۹۵)؛ محله، مسکن و خشونت؛ مطالعه‌ی موردی مناطق حاشیه‌ای و غیر حاشیه‌ای شهر کرمانشاه، نشریه مطالعات جامعه‌شناختی شهری (مطالعات شهری)، شماره ۲۱، ص ۸۳ تا ۱۰۶.
۱۱. گنجی، حمزه (۱۳۸۰)؛ بهداشت روانی، انتشارات ارسباران، چاپ چهارم، تهران.
۱۲. لطفی، محمد کاظم و کوثری، وحید (۱۳۹۴)؛ فرهنگ لغات حقوقی فارسی - فرانسه، انتشارات مهرسا، چاپ اول، تهران.

۱۳. محسنی، رضاعلی؛ میکائیلی؛ جعفر و طالب‌پور، اکبر (۱۳۹۵)؛ تبیین جامعه‌شناختی رابطه بین فضاهای بی دفاع شهری با خشونت‌های شهری (مورد مطالعه شهر تهران)، نشریه پژوهش‌های جامعه‌شناسی معاصر، شماره ۹، ص ۱۲۵ تا ۱۵۴.
۱۴. مذهب‌دار قشقایی، هما؛ حسینی ذیجود، مصطفی و زاهدی اصل، محمد (۱۳۹۲)؛ بررسی عوامل اجتماعی مرتبط با میزان سلامت روانی دانشجویان دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبائی در سال تحصیلی ۹۰-۱۳۸۹، مجله علمی پژوهان، شماره ۲، ص ۵۵ تا ۶۳.
۱۵. معین، محمد (۱۳۸۶)؛ فرهنگ فارسی معین، انتشارات ادنا، جلد اول، چاپ چهارم، تهران.
۱۶. موحد ابطحی، محمد تقی (۱۳۸۳)؛ سلامت روان، نشریه روش‌شناسی علوم انسانی، شماره ۴۱، ص ۴ تا ۷.
۱۷. یزدی فیض آبادی، وحید؛ سیف‌الدینی، رستم؛ قندی، مرجان و مهرالحسنی، محمد حسین (۱۳۹۶)؛ تعریف سلامت از دیدگاه سازمان جهانی بهداشت: مرور کوتاهی بر نقدها و ضرورت یک تغییر پارادایم، مجله اپیدمیولوژی ایران، ص ۱۵۵ تا ۱۶۵.
18. Basavanthappa, B. (2011). Essentials of Mental Health Nursing, Jaypee Brothers, Medical Publishers Pvt. Limited.
19. Bassett, W. (2012). Clay's Handbook of Environmental Health. (n.p.): Taylor & Francis.
20. Brocklesby, A. (2011). Let's Hang on to Mental Health. United Kingdom: Chipmunka Publishing.
21. Clement, I. (2012). Manual of Community Health Nursing, Jaypee Brothers, Medical Publishers Pvt. Limited.
22. Haerens, M. (2012). Alcohol, Greenhaven Press.
23. Macdonald, S. (2011). Mayes' Midwifery E-Book: A Textbook for Midwives, Elsevier Health Sciences.
24. Tassoni, P. (2006). BTEC National Early Years, Pearson Publ Oxford Heinemann.
۲۵. اقدامات شهرداری و بهزیستی برای زنان خیابانی (۱۳۹۳/۳/۲۷)؛ روزنامه شرق، شماره ۲۰۴۱.
۲۶. بافت‌های فرسوده امنیت جان، مال و فرهنگ مردم را به خطر می‌اندازد (۱۳۹۰/۱۰/۲۱)؛ روزنامه ایران، شماره ۴۹۸۶.
۲۷. پارک‌های گرگان پاتوق بزه‌کاران است/ لزوم تعامل شهرداری و نیروی انتظامی» (۱۳۹۳/۱۰/۳۰)؛ خبرگزاری مهر.
۲۸. کمپین «سلامت روان» از اردیبهشت ۹۸ در پایتخت راه‌اندازی می‌شود (۱۳۹۷/۱۲/۲۲)؛ باشگاه خبرنگاران جوان.
۲۹. مسئولیت مراکز ترک اعتیاد الکل با کیست؟ (۱۳۹۵/۵/۵)؛ پایگاه خبری مشرق‌نیوز.
۳۰. وظایف شهردار در مقابل شهروندان (۱۳۹۶/۶/۲۳)؛ شبکه اطلاع‌رسانی دانا.
31. <https://www.who.int/about/who-we-are/constitution> (Accessed: November 6, 2020)

The scope of competence of municipalities in the field of promoting the level of mental and social health

Abstract

Promoting a level of mental and social health is one of the pillars of having a dynamic and developed society. In this regard, one of the active institutions in maintaining and promoting the level of mental and social health is municipalities. In fact, municipalities with a position in the field of urban affairs management have favorable capacities in maintaining and promoting the level of mental and social health. Fortunately, the Iranian legislator, realizing the importance of the issue in several regulations, including the Municipalities Law 1334 (with subsequent amendments), has assigned important tasks to the municipality in the areas of developing public education, observing the health of city residents, and dealing with actions that endanger citizens' health. Thus, municipalities have preventive, therapeutic, and rehabilitation duties in the field of maintaining mental and social health. However, during this study, an attempt is made to explain the indicators of mental and social health to determine and examine the scope of competence of municipalities to deal with damage to health.

Keywords: health, social health, mental health, social security and urban management.

**Journal of
Urban Design Studies
and Urban Research**

ISSN: 2645-4424

www.UDSJ.ir

مطالعات طراحی شهری
و پژوهش‌های شهری

نشانی: کرج، بلوار امام خمینی (باغستان)، بین
خیابان پنجم و ششم، روبروی مجموعه ورزشی
انقلاب، پلاک ۷۳۵، ساختمان پرند، واحد ۱



۰۲۱ ۳۳ ۲۰ ۲۴ ۸۷



۰۲۶ ۳۴ ۴۳ ۶۹ ۵۹



۰۲۱ ۴۳ ۸۵ ۷۱ ۲۴